

# زندانی سیاسی آزاد باید گردد



قیام ۲۲ بهمن بساط سلطنت مغفور پهلوی را در هم پیچید و قبل از آن یعنی در شرایطی که رژیم سیاه دیکتاتوری کشتی حیات و اقتدارش را در کام امواج سهمگین فراخاسته از دریای خون توده ها در حال غرق شدن می یافت از فرط اضطراب به گشودن در زندانها و سیاهچالهای مزگیارش تن میداد. قیام همچنانکه طومار عمر سلطنت را در هم می پیچید دیوارهای برافراشته زندانها را نیز در هم می کوبید و آخرین بخش از فرزندان قهرمان و رزمنده خلق را از درون سلولهای مرکزی زندان به آغوش باز توده ها باز میفرستاد. در آن روزها خلق ما در هم شکستن این سیاهچالها و آزاد ساختن فرزندان قهرمانش را دستاورد غرور آفرین مبارزات توفنده خود و بویژه قیام شورانگیز و حماسه زای خود میدانست. همچنانکه فرو ریختن پایه های رژیم سلطنتی را یکسال از آن روزها می گذرد و اینک خلق بعد از یکسال باز هم شاهد برپائی همان زندانها و اسارت انبوه انقلابیون جان برکف کرد، ترکمن و فارس و بلوچ در سیاهچالها و سلولهای مرکزی همان اسارتگاههاست لذا ما بر آنیم که بنا به وظیفه انقلابی و مبارزاتی خود، دست به افشای این اعمال ضد انقلابی و ضد انسانی در پیشگاه خلق کبیرمان بزنیم، باشد که زنگ خطر این حرکت خفقان بار رژیم حاکم را که با سرعتی زیاد هم در حال پیش روی است برای توده های خلق کبیرمان بصدای ما آوریم، تا مبارزه ای هر چه وسیعتر را علیه آن تدارک ببینیم. چرا که معتقدیم، این عملکرد و با این سرعت دیری نخواهد پایید که وضع زندانها از زمان محمد رضا خانی هم که بحق خفقان بارترین و فاشیستی ترین دوران را برای ما تداعی میکند، بدتر خواهد شد.

لذا ما از کلیه خانواده ها و وابستگان زندانیان انقلابی و مبارز سیاسی خواستاریم که با ارسال مشخصات و

یکسال از قیام خونین و شکوهمند توده‌های خلق کبیرمان میگذرد، قیامی که هرچند در نیمه راه متوقف گردید ولی توانست رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را در میهن مان درهم کوبیده و ضربه محکمی به امپریالیستها مخصوصا امپریالیسم آمریکسا و نوکران بومی حامی آنها در ایران وارد آورد و اکنون که خلق ما سالگرد قیام شکوهمند خود را برپا میدارد نگاهی هرچند کوتاه به کارنامه رژیم جمهوری اسلامی که پس از سرنگونی رژیم فاشیستی پهلوی استقرار یافته است، میتواند روشنگر بسیاری از مسائلی باشد که در طی این یکسال بر خلق ستم دیده ما گذشته است.

آنچه که در این بررسی مورد نظر است عملکردها و اعمال ضد انقلابی و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی در زمینه سرکوبی مبارزات خلقها، نیروهای انقلابی و به بند کشیدن فرزندان انقلابی و مبارز خلق در سیاه چالهای محمد رضا شاه می باشد.

هدف از سرکوب مبارزات توده‌ها، زندان و شکنجه  
انقلابیون چیست ؟

از آنجا که رژیم وابسته شاه خائن وظیفه دلالتی سرمایه‌ها، وابسته را بعهده گرفته و طوق نوکری و خود فروختگی امپریالیستها را برگردن داشت، در راه حفظ و خراست آن سرمایه‌ها از هیچ کوششی فروگذار نکرده و ارگانها، خود را بمنظور سرکوب مبارزات حق طلبانه توده‌ها و مبارزات قهرآمیز فرزندان خلق، هر روز وسیعتر و مجهزتر میساخت. سرکوب مبارزات توده‌های، بخون کشیدن اعتصابات کارگری، دستگیری، شکنجه و حبس انقلابیون در زندانهای قرون وسطائی، تسرور فرزندان رژیمند خلق، همه و همه در جهت حفظ و حراست

اخبار زندانیان سیاسی خود به یکی از روزنامه‌های مترقی ما را مطلع گردانند، باشد که بتوجه خود به افشای عملکردهای رژیم حاکم از طریق افشاگری در میان توده‌های خلقی پرداخته و از نظر حقوقی از این زندانیان پشتیبانی نمائیم.

آنچه که در این مجموعه ملاحظه میکنید، مدارک مستندی است که ما بدنبال فعالیتهای قبلی خود توانسته‌ایم بدست آوریم که به درج بخشهایی از آنها مبادرت میورزیم.

هم میهنان مبارز در صورت تمایل برای اطلاع از متن کامل هر یک از اعلامیه‌ها و یا نامه‌های تلخیص شده میتوانند به اصل مدارک مورد استناد مراجعه نمایند.

در آستانه اولین سالگرد قیام خونین توده‌های بهمن ۵۷

کمیته پشتیبانی از زندانیان انقلابی و مبارز  
بهمن ماه ۵۸

سرمایه‌های وابسته و رژیم پاسدار منافع آن بکار گرفته میشد تا هرچه بهتر بتواند ثروت ملی و دست رنج این خلق ستم دیده را بجیب اربابان امپریالیست خود واریز نماید . لیکن ، گر چه قیام شکوهمند بهمن ماه باعث شد تا ضربات سهمگینی به ارکان این رژیم دامنش وارد شده و عناصر زیادی از آنرا به زیاله دان تاریخ روانه کند ، ولی توقف قیام مسلحانه توده ای بهمن ماه در نیمه راه و سوار شدن نیروها و عناصر لیبرال و سازشکار بر امواج توفنده قیام سبب گردید که نظام سرمایه داری وابسته و به تبع آن ارگانهای سرکوبگر - ارتش ، ژاندارمی و ... - بکلی منهدم و نابود نگشته و رژیم جدیدی از ائتلاف عناصر وابسته قبلی ، لیبرالها و جناحی از خرده بورژوازی بر سر کار آید .

رژیم جمهوری اسلامی که در پست های حساس آن همان عناصر وابسته قبلی و مهره های ناشناخته شده امپریالیستها قرار گرفتند ، با تمام قوا در حفظ همان مناسبات وابسته قبلی سعی نموده و با سرعت زیادی به بازسازی و ترمیم پایگناه امپریالیستها بخصوص امپریالیسم آمریکا پرداخت و فعالیت عناصر وابسته و مهره های مزدور جدید امپریالیست ها بری بازسازی ارگانهای در هم ریخته شروع گردید . بدین منظور بازسازی ارتش ، سرکوب توده های خلق ، بخون کشیدن اعتصا - بات و تظاهرات کارگران - این نیروهای اصیل انقلاب - تشکیل ارکان مخوف ساواک ، استفاده از سیاهچالهای محمد رضا - شاهي برای به بند کشیدن فرزندان رزمنده خلق و ... . . . . .

بجهت حفظ و حراست از سرمایه داری وابسته در دستور قرار میگردد . وجه خوب شاهد بوده و هستیم که این خواستهای شوم امپریالیستها در پشت انقلاب اسلام و با سوء استفاده از ناآگاهی توده ها و جو حاکم بر میهنمان جامعه عمل پوشیده

است .

امیرانتظام این جاسوس خائن و عامل امپریالیسم از نابودی وسائل و ادوات شکنجه ، تحت عنوان استفاده برای جاسوسان خارجی ( ! ) جلوگیری به عمل آورد تا بلکه از این طریق بتواند به بازسازی سیستم مخوف ساواک و سیاهچالها و شکنجه گاهها برای تابدی فرزندان راستین خلق همت گمارد .

حزب معلوم الحال حاکم به تربیت و تشکل اوباشان حرفهای و عناصر نا آگاه مشغول میشود و هرگونه تظاهرات و تحصن کارگری و تودهای را زیر لوای ضد انقلاب و کمونیست به خون میکشد .

وبالاخره مهره های سیا در ارتش به فکر متشکل کردن آن می افتند و برای بدست آوردن حیثت بر باد رفته ارتش ضد خلقی دست به توطئه میزنند و با بسیج ارتش و استفاده از بوق و کرناهای تبلیغاتی و رادیو و تلویزیون که در دست همدستان آنها قرار دارد به سرکوب خلقهای ایران و از جمله خلق رزمنده کرد می شتابند .

در گيرودار این توطئه ها دیگر مهره های خائن لیبرال و مزدوران سرمایه داری وابسته نیز دست بکار شده و با وضع قوانین و روبراه کردن اوضاع به تحکیم و استمرار پایه های این وابستگی دست می زنند .

آری عناصر وابسته و عواغریبان و قدرت طلبان قشری ، که تا قبل از قیام به نوکری و مداحی امپریالیستها و رژیم وابسته آن مشغول بودند ، امروز با هر وسیله ممکن دست آورد - های انقلاب خلقهای ایران را مورد یورش ضد خلقی و ضد - انقلابی قرار میدهند . توده های زحمتکش و نیروهای مترقی را سرکوب میکنند ، دسته های چماقدار ضد کمونیست سازمان

میدهند و خلقها را کشتار میکنند تا ضامن حفظ و بقای منافع طبقاتی هیئت حاکمه و مسدود کردن راه انقلاب و سرکسوب مبارزات خلقهای ما و کشتار آنها گردند. از آنجائی که اینان از آگاهی توده‌های زحمتکش و خلقهای دربند به منافع طبقاتی و ملی خود بیم دارند لذا بیشترین نیروی خود را بکار میبرند تا قشر آگاه و انقلابی جنبش‌های توده‌های و دیگر مبارزین را سرکوب نمایند؛ چرا که اینها با قاطعیت خستگی ناپذیر در مبارزات طبقاتی خلقها و توده‌های زحمتکش شرکت داشته و دارند و با هر وسیله ممکن برای آگاهی توده‌ها و وسیع آنها برای نابودی سلطه امپریالیسم و برچیدن بساط رژیم‌های ارتجاعی تلاش کرده و میکنند.

دستگیری تعداد زیادی از فعالین کارگری در آستانه قیام و بعد از آن توسط مهره‌های امپریالیست در قدرت حاکم و ترور بعضی از آنها، دستگیری و اعدام عدای از فرزندان راستین خلقهای ایران از جمله خلق کرده توسط مزدوران سیا در ارتش و پاسداران حامی سرمایه، دستگیری محمد رضا سعادت‌تی توسط جاسوسان بومی آمریکا بدلیل به اصطلاح "جاسوسی"، دستگیری محمد تقی شهرام رهبر بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق توسط قشرون مذهبی معلوم الحال، دستگیری و اعدام بعضی از عواداران و اعضا سازمان چریکهای فدائی خلق و سازمان مجاهدین خلق ایران، دستگیری محمد یزدانیان یکی از انقلابیون شناخته شده و قدیمی، دستگیری عدای از مبارزین قدیمی که تازه از زندان‌های رژیم شاه آزاد شده بودند و بالاخره بنا بر آمارهای منتشر شده دستگیری ۱۸۰۰ زندانی سیاسی برگ‌های سیاه‌سی است از کارنامه "جمهوری اسلامی" بعد از قیام.

طبق گزارشات متعددی که از جانب گروه‌ها و خانواده‌ها -

های زندانیان سیاسی در دست میباشند موقعیت زندانیان سیاسی و وضعی که در آن بسر میبرند و برخورد هائی که با خانواده‌های زندانیان سیاسی میشود از جمله عدم قرار ملاقات و ارتباط با فرزندان زندانی شان و برخورد های غیر انسانی که با آنها انجام میگیرد نمونه‌ای است از موقعیت زندانیان سیاسی در رژیم خائن پهلوی. تحصن‌ها و اعتراضات و اعلامیه‌های متعددی که تا کنون منتشر شده است نشانگر وجود زندانیان متعددی است که از ابتدای قیام خلقهای ما تا کنون در بند جمهوری اسلامی می‌باشند.

در خاتمه بمنظور قضاوت توده‌های مبارز خلق هایمان نسبت به اعمال رژیم کنونی در مورد زندانیان سیاسی بخشی از نامه یک زندانی سیاسی رژیم جمهوری اسلامی را در اینجا درج میکنیم.

رفیق عزیزم!

...

در این مدت باز هم همانطور که میدانی انواع فشارهای روانی، تهدید به مرگ، تشکیل مراسم اعدام و ... را علاوه بر بدترین شرایط زیستی در سلولهای انفرادی (همانطور که شاهد هستی الان هشتمین ماه است که در یک چنین شرایطی بسر میبرم) بدون هیچچگونه ملاقات یا ارتباط با خارج و یا حتی یک ساعت هوا خوری در سلولهایی که تشخیص روز از شب در آن ممکن نبوده است گذراندم. با اینوصف با آنکه وضع بدینم از نظر بیماریهای مختلفی که بدان مبتلا شده‌ام از درد شدید معده و پا درد و خونریزی لثه گرفته تا ریزش مو و ناراحتی پوستی و درد کلیه، اما از نظر روحی همچنان قوی و مطمئن بخود هستم، زیرا فکر میکنم کسی که در تمام طول ۱۳ سال زندگی پر مخاطره و مملو از رنج و شکنجه و خون حتی کوچکتر -

ین لکه سیاه سازش و تسلیم با دشمن نداشته و از تمام کورا -  
 نه‌های حاد زندان و شکنجه و دوران مخفی بودن سرپلنسد و  
 با افتخار بیرون آمده و کسی که لحظهای از بهترین ایام زندگی  
 اش را جز در راه مبارزه بخاطر سرنگونی رژیم شاه، کسب آزادی  
 و استقلال وطن و رهائی زحمتکشان و طبقه کارگر از قید سلطه  
 سرمایه داری صرف نکرده است چگونه میتواند امروز از اعتماد  
 به نفس و روحیای قوی علیرغم همه فشارها برخوردار نباشد  
 مسلما مبارزه ملت ما برای آزادی و استقلال و مبارزه طبقه  
 کارگر برای رهائی خود از قید سلطه سرمایه با سرنگونی رژیم  
 شاه پایان نیافته و وارد دور جدیدتری که بهراتب پیچیده تر  
 است شده است . دوره‌ای که آگاهی طبقاتی توده‌های زحمتکش  
 و در رأس آنها طبقه کارگر و تشکل آنها در سازمان های صنفی  
 و سیاسی انقلابی مخصوص بخود هدف عمده هر مبارز راستین  
 راه آزادی واقعی، دموکراسی توده‌ای و سوسیالیسم را تشکیل  
 خواهد داد .

گزارش کماتون زندانیان سیاسی  
 در مورد وضعیت زندانیان سیاسی در ایران  
 (ضد امپریالیست - ضدا رجاع داخلی)  
 .....  
 وضعیت زندانیان سیاسی امروز

زندانی سیاسی آزاد باید گردد . این شعار و فریادی بود  
 که از گلوئ ملیون‌ها زن و مرد آزاده ایرانی برمی‌خاست و پایه‌های  
 حکومت جبارانه وابسته به امپریالیسم را می‌لرزاند . این فریاد  
 رسایی بود که از درون جنبش ضد امپریالیستی و ضد استبدادی  
 مردم میهن ما بیرون جوشید و سرانجام به همت همان مردم مبارز  
 به تحقق پیوست . هدف اصلی مردم میهن ما این بود که با پیروزی  
 بر رژیم جبار پهلوی پایه‌های چنان جامعه آزاد و آزاده‌ای را بی  
 بریزند که دیگر میهن دوستان و مبارزان راه آزادی و دموکراسی  
 ایران را به دلایل عقیدتی نتوان در بند کشید و به زندانها و شکنجه  
 گاهها فرستاد . مردم میهن ما در مبارزه خود برای آزاد کردن  
 زندانیان سیاسی ، برای آزادی در معنای وسیع انسانی آن ،  
 می‌رزمیدند . ولی دریغ .  
 با نگرانی و تأسف بسیار به اطلاع مردم مبارز ایران می‌رسانیم  
 که اطلاعات و یافته‌های ما حکایت از این دارد که هم‌اکنون زندان  
 های سرتاسر ایران ، در دزفول ، اهواز ، خرمشهر (مقر پاسداران) ،  
 آبادان ، سنجید پادگان سقر ، پادگان بانه ، دیزل آباد کرمانشاه ،  
 رضائیه ، پادگان مهاباد (مقر پاسداران) ، زندان اوین ، زندان  
 قصر و ... پر است از زنان و مردان آزاده‌ای که به اتهام وابستگی  
 به سازمانهای سیاسی ، پخش اعلامیه و نشریه و یا فعالیت در جهت  
 احقاق حقوق خلق‌ها و یا شرکت در تظاهرات و مشارکت در فعالیت  
 های دانشجویی و کارگری بازداشت و زندانی شده‌اند . تعداد  
 افرادی که به اتهام وابستگی‌ها و فعالیت‌های یاد شده در زندانها  
 ششسته‌اند از ۱۵۰۰ نفر متجاوز است بررسی‌های آماری نشان داده  
 است که بعد از نوز ۱۳۵۸ همه‌ماهه بطرز چشم‌گیری تعداد  
 زندانیان سیاسی افزوده می‌شود . این روند سریع افزایش تعداد  
 زندانیان سیاسی گویای این واقعیت است که بی مسئولیتی و بی  
 اعتنائی قدرت حاکم نسبت به آزادی اجتماع و اندیشه و نوشتار  
 و گفتار و دیگر آزادی‌های اساسی بشری ، روز بروز وسیع تر و  
 گستاخانه‌تر می‌شود .

بررسی ترکیب خلقی زندانیان سیاسی نشان می دهد که بیشترین فشارها و تضیقات ضد آزادی و ضد بردمی بر هموطنان کرد و عرب ما اعمال می گردد. بهمین دلیل مبارزه برای آزادی این گروه از هموطنان نیز از نظر ما اهمیتی ویژه می یابد.

مجموعه یافته ها و اطلاعاتی که بدست ما رسیده است نشان می دهد که موقع و موضع زندانیان سیاسی امروز در ایران از آنچه که در رژیم سفاک محمد رضا شاهی بود چیزی کم ندارد. از میان رزمندگانی که به اتهام های سیاسی و به علت مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی دستگیر شده اند صدوسی نفرشان در میدانهای تیرباران شهید شده اند.

این شهیدان راه آزادی و استقلال ایران در دادگاههای محفی بدون حضور هیئت منصفه، بدون برخورداری از حق داشتن وکیل مدافع بدون رویت پرونده اتهامی پیش از تشکیل به اصطلاح دادگاه!! و در چند مورد با شکنجه در محیل دادگاه، به مرگ محکوم و تیرباران شده اند.

در بسیاری از موارد تعداد شرکت کنندگان در دادگاههایی که به تیرباران انجامیده، دوشن بوده اند: حاکم شرع و متهم. در مواردی تفهیم اتهام و بازجویی اولیه در همان داگاهی که متهم را به اعدام محکوم کرده، صورت گرفته است. زمان دادرسی و اعلام حکم در مواردی از پانزده دقیقه کمتر بوده و مجموعه جریان دستگیری، اعلام اتهام، پاسخگوئی و مراسم تیرباران در زمانی کمتر از چهار ساعت صورت گرفته است. در یک مورد به اقرار دادستانی انقلاب کرمانشاه در روزنامه های عصر، به اصطلاح مدارک جرم متهم، پس از اعدام او از منزلش بدست آمده است.

در سندج ناصر سلیمی کارمند بهداری سندج و علی احسن ناهید دانشجوی سال آخر مهندسی پلی تکنیک را که هر دو زخمی و مجروح بوده اند بی رحمانه به قتل رسانده اند. علی احسن ناهید را با دست شکسته و پای گچ گرفته با برانکارد به قتلگاه برده و تیرباران نموده اند. مدارک و شواهد غیر قابل انکاری در مورد این بیدادگری ها و این شیوه های حیوانی و غیر انسانی سرکوب مردم در اختیار کانون است.

در سفر پسرینچه سیزده ساله ای را به اعدام محکوم و تیرباران کرده اند. در کرمان دانشجوی مبارز " علی میرشکاری " را تنها و فقط به دلیل داشتن اعلامیه هایی که پخش هم می کرده محکوم و به گلوله بسته اند. او دومین شهید خانواده میرشکاری است. برادر دیگر او را سعید، دانشجوی ادبیات تهران را جنایتکاران پیش از آن به ضرب گلوله کشته بودند.

همراه با این شیوه های دادرسی و سرکوب و اعدام، ابزار قدیم دستگاه ارتجاع و استبداد وابسته، یعنی شکنجه زندانیان سیاسی نیز بر اساس اطلاعاتی که به دست ما رسیده است فعالانه بکار گرفته شده است.

بسیاری از ما که از شکنجه گاههای آریامهری جان بدر برده ایم نیک می دانیم که تحمل برخی از این شکنجه های ضد انسانی هزار مرتبه از مردن، از تیرباران شدن، مشکل تر است. دشمنان دیروز و امروز خلق نیز این را خوب میدانند. ما اطلاع یافته ایم که برخی از زندانیان سیاسی امروز را در زندانها با مشت و لگد و قنذاق تفنگ و پنجه بکس مضروب می کنند. ما از شلاق زندنهای با کابل، شلنگ، چوب، شلاق چرمی، و زنجیر کردن چند روزه دست و پای زندانیان به منظور اقرار گرفتن از آنان اطلاع و آگاهی داریم. ما همچنین اطلاع داریم که یکی از کثیف ترین شیوه های شکنجه روانی در مورد تعدادی از متهمان در مهاباد به کار گرفته شده است:

زندانیان را در نیمه های شب برای کسب اعتراف با اجرای تمامی مراسم مرگ به تیرهای اعدام می بندند و با خالی کردن تیرهای هوایی و یا تیراندازی به گوشه و کنار چوبه اعدام چنین وانمود می کنند که قصد کشتن آنان را دارند. و چه مضحک و خشم آور و نفرت انگیز است که در هوای سرد مهاباد این قربانیان را به غسل پیش از مرگ هم وادار می کنند. این "شکنجه سیاه اعدام دروغین" در جاهای دیگر هم سابقه دارد. کمترین شکنجه ای که بر زندانیان سیاسی امروز وارد می شود توهین های عقیدتی و ناسزا گویی و تعرضات مشخصی است. در مواردی از جمله در کمیته پشت سفارت امریکا که مدتی پیش از سوی دادستانی انقلاب مرکز منحل شد و اعضای آن در روزنامه ها اعلام کردند که پیش از انحلال کارشان و فعالیتشان را با اجازه دادستانی انجام می داده اند، برای گرفتن اقرار و شکنجه متهمان از وجود بازجویان و شکنجه گران ساواک آریامهری استفاده می شده است.

کار آزار و شکنجه زندانیان سیاسی امروز ایران بر اساس اطلاعاتی که به ما می رسد به خود آنها محدود نمی ماند. در موارد بسیاری، هنگام بازداشت و یا جستجو برای دستگیری که غالباً در نیمه های شب و در بسیاری موارد بدون داشتن حکم قانونی و مجوز صورت می گیرد، خانواده افراد و خویشاوندان متهمان مورد ضرب و جرح، هتک حیثیت، آزار و ارباب و مزاحمت های گوناگون از جمله گروگان گیری قرار گرفته اند.

اوضاع عمومی که پس از دستگیری و زندانی کردن زندانها

حاکم است نیز غیر انسانی است. بسیاری از زندانیان در بلا - تکلیفی محض مدتها در سلولهای انفرادی نگه داشته می شوند. بهترین نمونه چنین کسانی سعادت‌ی عضو سازمان مجاهدین خلق ایران است که اینک ماهها در انتظار دادگاه در زندان نشسته است ...

وضع تغذیه و بهداشتی در زندانها اسفبار است. در زندان در فصول هر روز و تمامی وعده‌های سه‌گانه غذای روزانه نان و پنیر خالی است. زندانیان از دسترسی به کتاب، روزنامه، رادیو محرومند. کار ملاقات زندانیان با خانواده هایشان مشکل و موقوف به اتفاق و تصادف است.

تصویری که بر مبنای مجموع اطلاعات و دانسته‌های ما از وضع زندانیان سیاسی امروز کشور می‌توان بدست داد، بیدادگرانه، خشن، ضد مردمی و ظالمانه و غیر انسانی است. از بازداشت تا اعدام زندانیان سیاسی امروز ایران در شرایطی چون گذشته دهشتناک، بسر می‌برند.

.....

ما معتمدیم مسأله زندانی سیاسی در ایران به مسأله جاری روز تبدیل شده و روز بروز به سرعت حادثتر نیز خواهد شد. از این رو از تمامی نیروهای آزادیخواه و ملی و مبارز، از تمامی مردم ایران می‌خواهیم که برای حمایت و دفاع از زندانیان سیاسی بهما بپیوندند. و همه امکانات خود را در این راه تجهیز کنند.

کانون زندانیان سیاسی

(ضد امپریالیست - ضد ارتجاع داخلی)

۱۳۵۸/۷/۲۸

اعتراف خانواده شهیدان و زندانیان

مجاهدین خلق ایران به بازداشت

محمد رضا بهمانی

بنام خدا

ما خانواده‌های شهدا و اسرای مجاهدین خلق با کمال تاسف از توطئه دستگیری و شکنجه فرزند مجاهدان محمد رضا سعادت‌ی مطلع شدیم. توطئه‌های بس‌ننگین و بیمقدار که با زحمات دوران ظلم و ستم رژیم آریامه‌ری را برایمان زنده میکند. اکنون به این وسیله وظیفه خود دانستیم که از هان مسردم مستضعف ایران را نسبت به تلگرام دادخواهی و اعلام جرم سازمان مجاهدین خلق ایران خطاب به دولت آقای بازرگان و شورای انقلاب و وزیر دادگستری جلب نموده و تقاضای رسیدگی عاجل به آنها بنمائیم. همچنین آرزو میکنیم فرزندان مجاهدان اکنون نیز همچون گذشته با درهم فشردن هرچه بیشتر صفوفشان در زیر پرچم خونین و پرافتخار مجاهدین خلق و به اتکال ایمان خروشان توحیدی خود هر توطئه ضد انقلابی را خنثی کنند آنها باید مطمئن باشند که پرچمی که در طول سالیان خفقان در میان شکنجه و آتش و خون سرفراز مانده است هرگز با چنین تلاشهای مذبحخانه ضد مردمی پائین کشیده نخواهد شد.

"بیرندون لیتعفتوا نورالله به افواههم ولله متم نوره  
ولکره لکافرون" میخواهند نور خدا را با دهنشان خاموش  
کنند، لیکن خدا به پایان رساننده نور خود است. اگر چه  
حق پوشان گراحت داشته باشند.

خانواده‌های رضائی، حنیف‌نژاد، بدیع‌زادگان،  
عسگری، زاده، خوشدل، ...

# محاكمه سعادتى براى مدتى بتعويق افتاد

همسر سعادتى در جلسه دادگاه ، که صبح دیروز برای محاکمه محمدرضا سعادتى تشکیل شده بود حضور یافت و در يك سخنرانى شدید به دستور دادستان کل انقلاب دربارزه شکستن اعتصاب غذای سعادتى (حتی با زور) ، اعتراض کرد و گفت این بیش‌رمانه‌ترین دادگاهى است که ممکن بود تشکیل شود

بعد از قرائت اطلاعات دادستانى مبنى به تعویق افتادن محاکمه ، بعثت عدم شرکت سعادتى همسر محمدرضا سعادتى گفت : این بیش‌رمانه‌ترین دادگاهى است که ممکن بود تشکیل شود . اینکه حتى در رژیم آریامهرى به متهم اجازه میدادند ۲۰ روز قبل از تشکیل دادگاه از پرونده اش آگاه بشود ، کیفرخواست را ببینند و با وکیلش آزادانه ملاقات داشته کمال تأسف حرکت‌های وقیحانه زیادى در این مدت شد . از جمله این که پنجشنبه شب ساعت ۶ تا ۷ آقای آذرى قمى کیفرخواستى که در آن اتهام جاسوسى محرز اعلام شده بود ، یعنی حکم از پیش صادر شده در سلول اوین را به سعادتى دادند و گفتند خودت را برای دادگاه سه‌شنبه آماده کن . فردايش که جمعه تعطیل بود و وکیل از طرف خانواده و سازمان برایش تمیین شده ، ولى تا امروز اجازه ندادند وکیل متهم را ببینند . و

حتى خود متهم و بازجو تاحالا باشد ، و وقتى که آماده برای دادگاه میشد ، دادگاه در يك فضای خیمه شب‌بازى آریامهرى باز هم عادلانه‌تر از این بوده ، شرکت کند ، ولى با نتوانسته‌اند پرونده را مطالعه بکنند . بنا بر این چطور میتوانستند بیايند و دفاع کنند . وکيلی که هنوز قادر نشده متهم را ببیند ، به چه وضعى مى‌توانست به دادگاه آمده و از متهم دفاع کند . متهمى که ۵۰ روز در اعتصاب غذا است ، متهمى که نتوانسته پرونده اش را ببیند چطور میتواند در دادگاه شرکت کند ؟ آیا این دادگاه عادلانه اسلامى است ؟ مگر او نگفته بود که میخواهد در دادگاهى عادلانه و در پیشگاه خلق محاکمه شود . آیا این پیشگاه خلق بود که ما از ساعت ۵ صبح اینجا بودیم ، حتى به خانواده اش اجازه ورود نمى‌دادند . و صرفاً بخاطر حیثیت بخشیدن به این خیمه‌شب‌بازى بود که بزور ما را

راه دادند که داخل برویم . این ۳۰۰ تا کارت کجا بخش شده بود ؟ ما آمديم به ما گفتند ۵ تا کارت برای خانواده اش داریم . بقیه این کارت‌ها کجا رفته بود ؟ آیا غیر از اینست که بین افرادى قبلا تمیین شده تقسیم شده بود .

## همراهى با توطئه‌گران

همسر سعادتى ادامه داد : مگر نه اینکه دیشب آقای وحیدى پزشک اوین پس از ماینه سعادتى اعلام کرد ، تا يك هفته بعثت وضع وخیم جسمى قادر به شرکت در دادگاه نیست و آقای هادوى وقیحانه تلفن نکرد که بزور دست‌وپایش را بپنجه و هر طور شده اعتصابش را بشکنند . بیش‌رمى از این بالاتر آقای هادوى شائى که روز سوم او را در حال شکنجه دیدید ولى دهان فرور بستید و با توطئه‌گران همراهى کردید و بارها خود من را در صحن دادستانى که به اصطلاح باید مقدم‌ترین بروى ما مسلسل کشیدند

محل برای قضاوت عادلانه باشد ، توهین کردید و به محافظتان دستور دادید مرا از اطاق‌تان بیرون بیندازد . بارها تهدید نکردید ، بارها با توطئه‌گران همکارى نکردید ؟ در کدام دادگاهى چه کمى را مى‌خواهید محاکمه کنید ، آیا همین امروز صبح اینجا ما را کتک نزدند . دیروز در اوین به دستور شما مسلسل روی ما کشیدند و گفتند : شلیک مى‌کنیم ؟

## خیمه‌شب‌بازى‌هاى آریامهرى

من از اینکه در این دادگاه شرکت کردم شرمسارم . زهی وقاحت و بیش‌رمى ! باز هم آن خیمه‌شب‌بازى‌هاى آریامهرى .

خود من در دادگاه بارها شرکت کردم و محاکمه شدم . خورد من حق داشتم با وکیل صحبت کنم . طبق کدام قانون ، طبق کدام وجدان انسانی اجازه ندادید سعادتى وکیلش را ببیند و با اجازه ندادید وکیل پرونده را ببیند ؟ بعد اینجا با بیش‌رمى اعلام مى‌کنید که او حاضر نشد در دادگاه شرکت کند .

وى در پایان با اشاره به اعلام جرم‌های متعدد سعادتى بر علیه کمیته غیر قانونى مستقر در سفارت آمریکا گفت : دادگاهى که آقای هادوى دادستانش باشد و صلابا توطئه‌گران همراهى کند بهتر از این نمى‌شود . متهم روز سوم شکنجه دیده است ولى با وجود اسرار ما آقای هادوى پزشک قانونى را بعد از ۳۶ روز نزد او برده است

## مجاهد شماره ۱۳

## نامه دکتر لاهیجى به شورای انقلاب برای آزادی سعادتى

شورای انقلاب اسلامى  
 نزدیک به هفت ماه از بازداشت آقای مهندس سید محمد رضا سعادتى موکل اینجانب میگذرد .  
 توقیف ایشان در پی دسیسه کمیسر مسفر در سفارت آمریکا و توسط این کمیسر صورت گرفته است .  
 کمیته‌ای که جزو کمیته‌های انقلاب اسلامى نبوده و بطور مستقل عمل می‌کند است و بعداً انحلال آن توسط کمیته مرکزی اعلام شده و پاسداران انقلاب ضمن اشل محل کمیته بزور مسئولان آن از حمله دستگیر کننده آقای سعادتى را بازداشت کرده‌اند . طی اینعدت اعتراضات پیکر همگان به ظلم فاحشى که درباره یکى از مجاهدین و مبارزان



# هدار مجاهدین خلق درباره محاکمه تقی شهرام دشمنان خلق با دامن زدن به جنگ مذهبی و غیر مذهبی، خواستار فراموش شدن مبارزه بر ضد امریکا هستند

بدنبال دستگیری تقی شهرام  
و جنجال پاره ای از روزنامه ها  
و اطلاعاتیه سپاه پاسداران،  
سازمان مجاهدین خلق ایران  
درباره سوء استفاده ارتجاعی  
عناصر و احزاب راستگرا  
از این محاکمه هشدار داد.

اطلاعات چهارشنبه سوم مرداد ماه ۵۸

## تقاضای والدین «شهرام» از آیت الله طالقانی

پدر و مادر تقی شهرام، که مدتی است توسط  
ماموران کمیته دستگیر و زندانی شده است، طی تلگرافی  
به حضرت آیت الله طالقانی و کانون زندانیان سیاسی  
خواستهای خود را بشرح زیر مطرح کردند:  
۲۰ روز است از دستگیری فرزند مبارز عزیزمان  
«محمد تقی شهرام» با اتهامات واهی مشروح درباره ای از  
رسانه های گروهی می گذرد، با تمام تحقیقات و مراجعات  
بمراکز ذیربط تلگراف به دادستانی کل انقلاب پسرخلانی  
تا کیدات قرآنی و حقوق انسانی مندرج در منشور حقوق  
بشر، هنوز هیچگونه اطلاعی از نحوه دستگیری، محل  
زندانی و اتهامات استثنایی نامبرده ما نداده اند و دستورات  
موکد رهبر عالیقدر انقلاب ایران دایر بر فرامحال زندانیان  
و خانواده های آنان و رعایت حقوق اولیه آنان جامه  
عمل نبوده است.

در پایان نامه پدر و مادر شهرام تقاضا کرده اند، که  
اولا اتهامات فرزندشان روشن شود، ثانیا محل زندانی  
وی معلوم گردد و بالاخره موجبات ملاقات او و خانواده اش  
فراهم گردد.

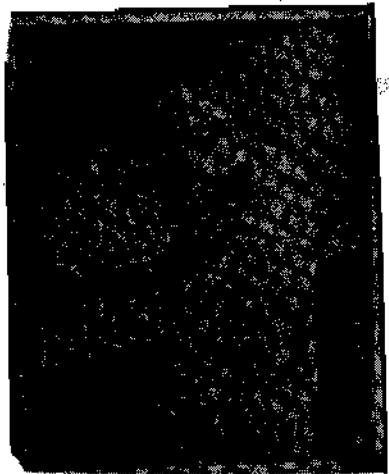
..... حال نمیدانم در این شرایط آ  
به چه اتهامی می خواهند در پشت  
درهای دادگاه انقلاب در صف طویل  
چتاییکاران و مزدوران رژیم کشف  
آریامهری معطل نگه دارند. آیا بخاطر  
تلاش در جهت کشف شبکه های  
جاسوسی سیا در ایران، یا بخاطر برهم  
زدن امنیت و آرامش آریامهری در اوج  
خفقان و حاکمیت شلاق و ترور، یا  
بخاطر ماندن در کنار خواهران و  
برادرانی که خالصانه و عاشقانه بنام  
خدا و بخاطر خلق جهاد میکنند و با  
بخاطر اعلام جرم نسبت به آدم ربایی  
شکنجه، پرونده سازی و ...

## بقیه نام دکتر لاهیجی

طاغوت که مخالفان را باید به بند  
کشید، تا در زندان بپوسند و یا از  
گذشته خود استفار کنند همچنان  
استوار و پابرجاست.  
۲۷ آبان ۱۳۵۸ دکتر عبدالکریم  
لاهیجی

تهدیدکنندگان لاهیجی همان کسانی  
هستند که سعادت را شکنجه و دستگیر  
کرده اند و با از محاکمه و آزاد شدن او  
وحشت دارند

بر حسب اطلاعی که نشریه مجاهد  
بدست آورده بدنبال تلگراف فوق سیل  
تلفنهای تهدید و فحاشی بطرف آقای  
دکتر لاهیجی سرازیر شده است،  
منجمله ایشان را مکررا " تهدید بمقتل  
کرده اند. بدیهی است که این  
تهدیدها از جانب همان لومین ها و  
رجالهائی صورت میگردد که آگاه و  
ناآگاه بصورت عوامل امپریالیزم آمریکا  
وساواک عمل می کنند. و قطعا " از قماش  
همان کسانی هستند که سعادت را  
دستگیر و شکنجه کرده اند، و گویا از  
محاکمه شدن و یا آزاد شدن وی وحشت  
دارند.



یا رژیم طاغوت بکار رفته است.  
بحاشی نرسید و حتی درخواستهای  
مستمر آقای سعادت می منی بر ارجاع  
پرونده اش بدادگاه صلاحیتدار هم  
مقبول نیفتاد و در نتیجه در روزهایی  
که مبارزات ضد امپریالیستی ملت ایران  
باوج خود رسیده است قربانی توطئه  
طرفداران امپریالیسم آمریکا در زندان  
بسر میرود. اولین شعار انقلاب مردم  
ایران آزادی بود و حرمت آزادی  
ایجاب میکند که هیچکس بدون اتهام  
مشخص و محکمه پسند بازداشت نشود،  
بنوجب قرار مرجع صلاحیتدار توقیف  
گردد و در مدت مناسب با اتهام و بر  
طبق موازین قانونی بدادگاه فرستاده  
خوانده شود.

اگر شورای انقلاب اسلامی ایران  
خود را پاسدار این شعار مقدس انقلاب  
یعنی آزادی که به بهای خون هزاران  
شهید تمام شده است میدانند باید هر  
چه زودتر در صدد رفع این تبعیضاتی  
و جبران مافات برآمده و از مقامات  
دادسرای انقلاب اسلامی بخواهد که  
ترتیب آزادی آقای سعادت را یا محاکمه  
فوری او را بدهند و گرنه معلوم خواهد  
شد که ارزش ها و مبارزات رژیم

**خطاب و هشدار به تمام توده‌های آگاه خلق  
به تمام خانواده‌های شهدا، به تمام نیروهای  
دمکرات و انقلابی و به تمام نیروهای  
مارکسیست - لنینیست!**

## **درباره دستگیری تقی شهباز**

**و هدفهایی که میوه چینان انقلاب  
در این رابطه دنبال می‌کنند**

.....

**آنها نمی‌توانند هم به شکنجه و آزار سعادت‌ی برخیزند،**

**هم سازمان مجاهدین خلق تهمت بزنند،**

**هم مدافع آنان باشند!**

صبح روز سه شنبه صدای جمهوری اسلامی ایران، خبر دستگیری تقی شهباز، رهبر سابق بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران، را اعلام کرد. در همان اولین اعلامیه دادستانی، با وضوح تمام، هدفهایی را که گردانندگان امر از این موضوع دنبال میکنند، چشم می‌خورد و بهمین جهت، افشای این هدفها و توضیح دربارهٔ چگونگی برخورد درست و انقلابی باین مسئله، صرفنظر از داشتن هرگونه اختلاف سیاسی ایدئولوژیک با تقی شهباز، و بدون اینکه انحرافات و اشتباهاتی که وی در رأسش قرار داشته‌است، فراموش شود، امریست لازم و ضروری. و از این دیدگاه، ما بدون اینکه اختلافات و مرزبندیهای سیاسی - ایدئولوژیک خود را با وی فراموش کنیم، در این باره موضع خود را اعلام میداریم.

## **نگاهی بزندگی سیاسی تقی شهباز**

تقی شهباز در سال ۱۳۴۷ به عضویت سازمان مجاهدین

خلق ایران درآمد و یکی از کادرهای فعال این سازمان بود. در سال ۱۳۵۰ به‌همراه عدهٔ زیادی از اعضاء و رهبران سازمان به انارت مزدوران رژیم شاه جلاد درآمد. در زندان، پس از تحمل شکنجه سرانجام همراه با حدود ۱۰ نفر دیگر از مجاهدین به پای میز محاکمه در دادگاه اول مجاهدین جلسه ایران (که رژیم مقاصد خاصی را از آن دنبال میکرد) کشیده شد. در این دادگاه تقی شهباز، با اینکه میتوانست با قدری کوتاه آمدن، محکومیت خود را به حداقل ممکن برساند، ولی با برخورد انقلابی خود و به بهای ۱۰ سال زندان، رژیم را در این دادگاه همراه با دیگر مجاهدین پرشور، افشا نمود.

پس از چندی بعثت درگیریهای فراوانی که با مزدوران زندان قصر داشته‌همراه با رفیق شهید حسین عزتی بزندان ساری منتقل گشت (در واقع تبعید شد)

او در زندان به‌همراه رفیق عزتی، و با جلب نظر رفیق احمدیان (معاون زندان ساری) نسبت با اهداف انقلابی خود، توانست با توافق دو رفیق فوق‌الذکر و با مساعدت ۱۸ قبضه سلاح کمری و بیسیم و وسائل دیگر در اردیبهشت ماه ۵۲ از زندان فرار کند و به برادران خود پیوندد. او پس از پیوستن به همزمان خود، عملاً در کنار رهبری سازمان قرار گرفت.

.....

### **اما امروز ببینیم:**

**چه کسانی تقی شهباز دستگیر می‌کنند؟**

**ماهیت آنان چیست؟ و چه هدفی را دنبال می‌کنند؟**

سیاستی که اینها در رابطه با دستگیری تقی شهباز دنبال میکنند، با توجه به ماهیت کارهایی که تاکنون نسبت به نیروهای انقلابی و بخصوص مارکسیست-لنینیستها انجام داده‌اند، از پیش معلوم است. براه انداختن کارزار تبلیغاتی بر علیه انقلابیون و نیروهای جنبش کمونیستی و آتش زدن و دامن زدن به برخوردهای عقیدتی و برابریگرا

نیروهای خلق برعلیه هم، و با صلاح منفرد نمودن نیروهای انقلابی و مارکسیست-لنینیست در بین خلق، نیروها تکیه گویا بدجوری مزاحم بورژوازی حاکم و قشریون جنگ افروز و ارتجاعیون و انحصارطلبانی که در راه حفظ مناسبات و نهادهای گنبدیده سرمایه داری وابسته میکوشند و برسوج مبارزات پرشکوه دمکراتیک و فدا مهربالیستی توده های خلق ما سوار شده اند، گردیده اند.

.....

بنا بر این:

توده های آگاه خلق!

خانواده های شهدا!

نیروهای دمکرات و انقلابی! و مارکسیست-لنینیستها!

بنظر ما، بدون اینکه ذره ای محکومیت انحرافات و اشتباهاتی که تقی شهرام در اس آن قرار داشته فراموش شود، بدون اینکه اختلاف سیاسی - ایدئولوژیک با وی از نظر ما دور شود، بایستی در افشای ماهیت هدفی که میوه چینان انقلاب از دستگیری تقی شهرام دنبال میکنند کوشش کرد. در این راه بهیچوجه انحرافات هر چند بزرگ تقی شهرام نباید دلیلی برسکوت در مقابل هدفهای دستگیرکنندگان و گردانندگان امر قرار گیرد و اشتباهاتی که در مسیر مبارزه فدا میزیان - لیستی صورت گرفته نباید سبب عدم دفاع از تقی شهرام (نه نسبت بواقعیت انحرافات او) بلکه نسبت به تحریفات و شیوه هایی که قشریون جنگ افروز برعلیه او و از این طریق برعلیه انقلابیون راستین بکار میگیرند، گردد.

باید پیشاپیش توطئه هایی را که در این رابطه در حال تکوین است محکوم نمود و اجازه نداد که ضد انقلاب و انحصار طلبان سیاسی از دستگیری تقی شهرام سوء استفاده نموده و آنها در خدمت هدفهای ضد انقلابی خویش قرار دهند. آنها قبل از این نشان داده اند که چگونه حاضرند بشیوه های ضد انقلابی برای دام زدن با اختلافات ایدئولوژیک و ضربه زدن به انقلابیون دست بزنند و از طریق بکارگرفتن رادیو و تلویزیون توده های نا آگاه خلق را در راه هدفهای خود بسیج سازند. ما نمونه این را در ترور تاسف بار آیت الله مطهری

مشاهده کردیم. و دیدیم چگونه خواستند این حادثه را تا جوانمردانه به نیروهای چپ نسبت دهند. مادرشو تلویزیونی تهرانی جلاد دیدیم که اینها حتی ابائی از حرف زدن با زبان یک دژخیم کشیف ندارند و... و امروز در حالیکه اینان در توطئه لطمه زدن به حیثیت سازمان مجاهدین خلق ایران، از طریق دستگیری و شکنجه و نسبت دادن تهمتهای ناروا به مجاهد اسیر محمد رضا سعادت، عمدتاً شکست خورده اند و در پی علم کردن این جریان هستند، نباید آنها اجازه چنین کاری داده شود.

## چه کسانی در مورد این مسئله حق نظر دارند؟

ما فکر میکنیم در این مورد تنها توده های آگاه، نیروهای مترقی و سازمانهای انقلابی و رزمندگانی که در سالهای سیاه و خفقان مبارزه سرسختانه ای برعلیه امپریالیسم و دشمنان خلق نموده اند ( ... ) میتوانند و حق اظهار نظر نسبت باین مسئله دارند، که آنها هم مدتهاست نظر خود را در اینباره داده اند. بنا بر این ما اعلام میکنیم با توجه به توضیحات بالا، دستگیری تقی شهرام و توطئه چینیهای که در این رابطه دارد صورت میگیرد، شدیداً محکوم است.

برقرار باد همبستگی نیروهای خلق!

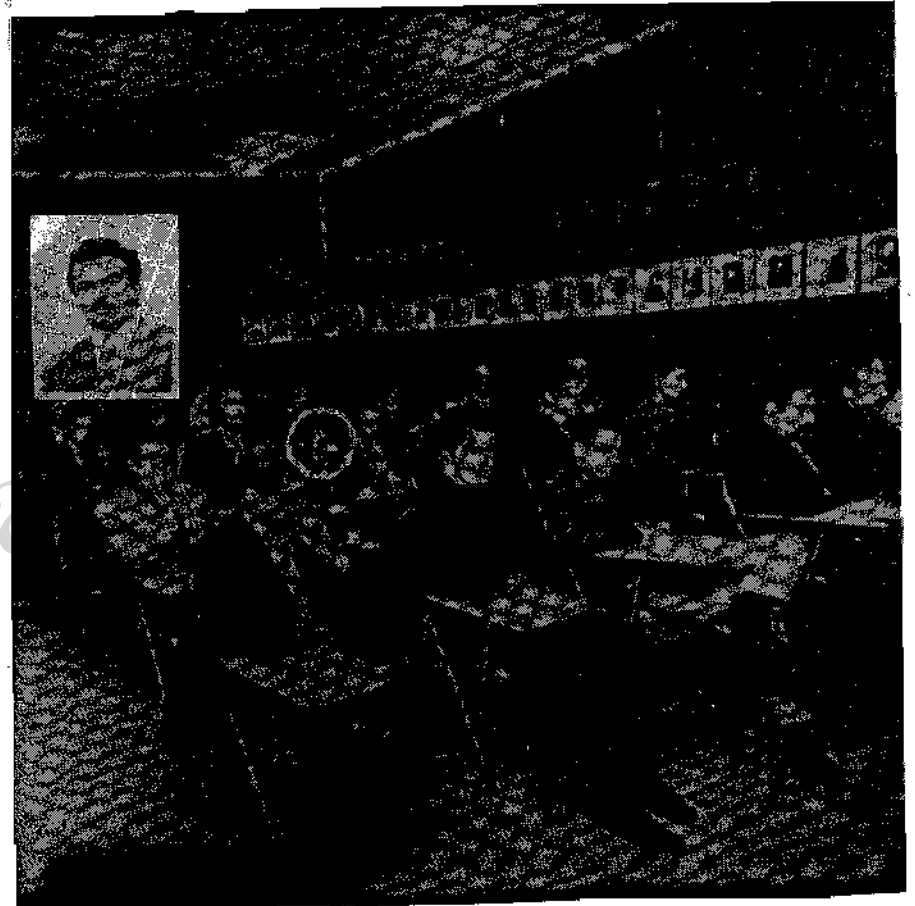
محکوم باد توطئه چینی و تفرقه افکنی در صفوف خلق!  
درود به همه شهدای راه آزادی و استقلال!

"سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

قسمتی از کتاب گفتگویی با رفیق امیرحسین احمدیان  
از انتشارات گروه نبرد برای رهایی طبقه کارگر

رفیق محمد تقی شهرام و رفیق حسین عزتی کمره‌ای دردیمه  
۵۱ زندان ساری تبعید شدند . دولت موقت و مذهب‌بین قشوری  
و نفاق افکن بروند در لابلای مدارک ساواک که اکنون در درون  
کشوهای آنان مهر و موم شده و از افشای آنها نزد مردم واهمه دارند  
جستجو کنند و به‌بینند که قبل از اینکه آنها زندان ساری تبعید  
شوند از اداره زندانها چه نامه مخرمانه‌ای برای زندان ساری در  
رابطه با همین دو رفیق ارسال شد . نامه ای که قبل از تبعید این  
دو رفیق و در رابطه با آنها زندان ساری واصل شده بود و حکایت  
از آن داشت که آنها زندانیان شدیداً اخلاص‌گرا و اعتصاب‌راه  
بیندازی هستند که محیط زندانها را بهم می‌زنند ، آرام نمی‌گیرند ،  
شدیدا مراقب آنها باشید که فرار نکنند ، روحیه مقاومتشان را  
بشکنید و . . . همه مردم ایران می‌دانند که رژیم شاه، فداکارترین  
و پر شورترین فرزندان این آب و خاک را اخلاص‌گرمی‌ناמיד و باقی  
مطالب نیز که احتیاج به تفسیر ندارد .

در بیدادگاه شاه خائن



از چپ بر راست ( ردیف اول ) ناصر صادق ، محمود بارزگانی ، مسعود  
رجوی ، علی میهن دوست ، منصور بارزگان ، مهدی فیروزیان ، حسن راهی  
( ردیف دوم ) محمد تقی شهرام ، محمود احمدی ، مصطفی ملایری ،  
محمود غرضی ،

## درباره دستگیری تقی شهرام

- ★ آقایان محترم! مطمئن باشید این سوژه جالبی برای یک نمایش از پیش معلوم نمی‌تواند باشد.
- ★ آنان که همان روشی را که می‌خواهند به محاکمه بکشند، خود اعمال می‌کنند، صلاحیت رسیدگی به مسئله شهرام را ندارند.
- ★ فراموش نکنیم تقی شهرام مبارزی آگاه و از جان گذشته بود، که در دشوارترین شرایط رویاروی رژیم سفاک پهلوی ایستاد.

اما آقایان! کورخوانده‌ایدا! درست است که روشهای نادرست و غیر-کمونستی شهرام‌ها ضرباتی غیر قابل جبران به جنبش زده است، اما این بشما چه؟ شما در بند فاشیسم خویش! در بند برقراری سلطه شوم خویش و در بند محکم کردن ریسمان هزار رشته وابستگی‌های خویش هستید... از آن گذشته این در حد شما نیست که شهرام را به محاکمه بکشید... شاید آن «شو»ی مسخره و رسوای تله‌ویزیونی شما را سر ذوق آورده است! اما از حالا بگوئیم و بدانید که از این کشته‌های واهی باد درو خواهید کرد! درست است که بخیال خود لقمه خوبی به چنگتان افتاده تا باز هم توطئه‌ای بر ضد کمونیستها ترتیباً دهید - که هم چنانکه گفتیم این مقوله از جمله مقولاتیست که رژیم منفور گذشته هم به آن می‌پرداخت! - اما بیائید منصفانه توأزناسمه سرد و زیان خویش در همین مدت کوتاه در این

روزنامه‌ها خبر دادند که تقی شهرام عضو یکی از سازمان‌های منشعب از سازمان مجاهدین خلق دستگیر و قریباً محاکمه خواهد شد. پیوسته یک بلافاصله از خواندن این خبر در ذهن تداعی میشود اینست که چندی پیش در سالگرد شهادت مجید شریفی واقفی و صمدیه بیاف دیدیم که چه کسانی کاسه از آتش داغتر شده و بر ضد تقی شهرام و یارانش (که دیگر حضور ندارند) قشقرق برآه انداختند و اینک بخوبی درمی‌یابیم که مسئله محاکمه او به وسیله چه کسانی عنوان میشود و آنها از اینکار چه مدفی را دنبال میکنند.

.....  
 میدانیم که تقی شهرام مبارزی بود ضد امپریالیست و ضد استبداد مبارزی از جان گذشته و آگاه که در شرایطی که دست‌اندرکاران محاکمه از مهر سکوت بر لب زده و چه بسا به مآضات تن سپرده بودند، رویاروی رژیم سفاک بایستاد و صلابت مبارزه در داد!

گونه معاملات را ور قوی‌نید تا عیان شود که این بار هم رقیبی - بجای خود - بر زیانهایمان خوراهید افزوده از این که بگذریم - که شما باید میدانستید - آنچه که مردم باید بدانند اینست که ماجرای تقی شهرام‌ها از جمله وقایعی است که در عمق ظلماتی یک شب طولانی و مدهش بر ملتی گذشته است. شبی که رژیم سفاک و خونخوار ضحاک زمان چون پلاستی سیاه در تمامی عرض و طول این قلمروی نثرین شده بر سرملت میظلوم کشیده بود و این آن چنان شرایطی بر مبارزانی چون شهرام‌ها، واقفی‌ها، لیاف‌ها، جوهری‌ها و آرام‌ها تحمیل کرده بود که از یک طرف برای آنها مبارزه‌ای هولناک و خونین با رژیم مطرح بود و از طرف دیگر بر جای ماندن در دالان‌های تنگ و تاریک مبارزه.....

ولذا: اولاً این ان شرایط است که باید به محاکمه کشیده شود و داوری درباره اعمال فرد در بستران صورت گیرد و ثانیاً شما باید بدانید که این اصولاً صلاحیت دولتی که از لحاظ ماهیت (از لحاظ تفکر و عدل) و از نظر فعل و انفعالات اجتماعی مخالف سرسخت و آشتی‌ناپذیر هم مجاهدین دیروز و هم مجاهدین امروز است، خارج است، که تقی شهرام و یاران شهیدش را به محاکمه بکشند. مردم خود تیک میدانند که فاجعه تقی شهرام در چنان شرایط و احوالی رخ داد که درک آن برای داوران رسمی نامقدور و بداوری گذاشتن آن در شکل سنتی دادگاههای مرسوم غیر ممکن است.

پیغام امروز ۲۸ شهریور ۱۳۵۸ - ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹

## چه کسی حق دارد تقی شهرام را محاکمه کند؟

شهرام از رهبران سابق بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران در روز سه‌شنبه و توضیح مبهم دادستانی در این مورد، خبر از توطئه شوم دیگری میدهد که از تجماع زخم خورده در پی ناکام ماندن قیام ملت، پی‌درپی طرح‌ریزی و اجرا کرده است.

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر در باره دستگیری تقی شهرام اعلامیه‌ای منتشر کرده و به اشای توطئه‌هایی که در پس این دستگیری است پرداخته است. تسمت‌هایی از این اعلامیه چنین است:

اعلام خبر دستگیری تقی

# دستگیری محمدتقی شهمرام

توطئه ای برای بی اعتبار کردن انقلابیون و جنبش  
انقلابی و در خدمت ارتجاع و امپریالیسم است.

برای هیچکس که آشنائی مختصری با مسیر حرکت  
جنبش های انقلابی جهان و منجمله جنبش انقلابی خلق ما  
دارد پوشید - نیست که مسیر حرکت جنبش انقلابی بهیچ  
وجه جاده ای صاف و هموار نبوده و نیروهای انقلابی نیز  
هرگز بدون اشتباه ، خطا و انحراف از آن گذر ننموده اند .  
جنبش های انقلابی جهان همواره ، بنا به خاستگاه و  
پایگاه طبقاتی نیروهای شرکت کننده در آن و رهبری کننده  
آن ، مواجه با اشتباهات کوچک و بزرگ فراوانی بوده است  
که ضربات کمابیش مهم و گاه جبران ناپذیری را نیز بر بیکسر  
آن وارد کرده اند و انقلابیون نیز بر حسب تمایزات و  
گرایشات طبقاتی خود ، با افت و خیزها و به چپ و راست  
افتادنها راه خویش را بسوی پیروزی باز نموده و من نمایند ،  
بهمین دلیل و آنجا که این اشتباهات و انحرافات و عواقب  
ناشی از آن در جریان مبارزه ای انقلابی علیه دشمنان  
خلقیها وقوع می یابند ، برخورد با آنها نیز نمیتواند در خارج  
از چهارچوب جنبش انقلابی خلق صورت گیرد . با این  
انحرافات و عواقب زیان بار ناشی از آنها نه برخوردی از  
نوع برخورد به جرائم عادی و نه برخوردی از نوع برخورد بسا  
جرائم و جنایات نیروهای ضد انقلابی و ضد خلقی ، بلکه  
تنها می توان برخوردی سیاسی و اجتماعی در جهت بررسی  
علل و ریشه های سیاسی ، اجتماعی و طبقاتی آنها برای  
درس آموزی از آنها و آموزش انقلابیون و توده های خلق  
داشت و نه غیر آن .

باید به ارزیابی خطاها و انحرافات  
او بپردازند.

ما سازمان مجاهدین خلق ایران  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه  
کارگر و گروه نبرد برای رعایای  
طبقه کارگر و سایر نیروهای  
انقلابی را فقط محق میدانیم که  
در این مسئله دخالت نکنند.

ما ضمن محکوم کردن دستگیری  
تقی شهمرام ، ب مردم آگاه و مبارزان  
ایران هشدار میدیم که با فریاد  
اعتراس خود جلوی توطئه جنبش ما  
و تفرقه اندازی هایی را که هدفش  
بدنام کردن سازمانهای انقلابی  
است بگیرند.

.....

کسانی حتی دارند به اشتباهات  
و انحرافات تقی شهمرام برخورد  
کنند که در سختترین شرایط ناپای  
جان به مبارزه با امپریالیسم ،  
سرمایه داری و دیکتاتوری پرداخته اند  
نه آنانکه وقتی بی اثر قیام توده ها  
ب قدرت رسیدند به سازش با امپریالیسم  
و باقی گذاردن سرمایه داری و  
اعمال دیکتاتوری پرداختند .  
این توده ها هستند که باید  
به تضاد در مسورد اشتباهات  
درون نیروهای انقلابی بشینند  
این همزمان تقی شهمرام هستند که

ما با اعتقاد به اینکه تنها نیروهای انقلابی صلاحیت بررسی و تجزیه و تحلیل عملکردهای تقی شهرام، علسل و عوامل موجد آن و شرایط سیاسی و اجتماعی تحقق یافتن آن را دارند و با اعتقاد به اینکه تنها خلق است که میتواند به داوری در مورد این انحرافات بنشیند، اعتقاد داریم در شرایط کنونی، در شرایطی که حقوق دمکراتیک خلق به شدیدترین شکلی لگد مال میگردد، در شرایطی که خلق از هرگونه دخالت در سرنوشت خود با شکل گوناگون منسوخ میگردد، در شرایطی که با اعمال خفقان و سانسور، با تهدید و ارباب، با نفی، نادیده گرفتن و سرکوب نهادهای قدرت خلقی، خلق از هرگونه حقی در تعیین سرنوشت خود، از شرکت فعال و واقعی در امور اجتماعی و سیاسی منع گردیده و حتی هرگونه نظارت و داوری جز از طریق مبارزه از او سلب گردیده است، آری در چنین شرایطی تنها راه جلوگیری از هرگونه سوء استفاده نیروهای ارتجاعی از انحرافات درون جنبش انقلابی را آزادی تقی شهرام و اجازه دادن به اینکه سازمانهای انقلابی بدور از هرگونه توطئه، تحرك و تشنج و در پیشگاه توده ها به بررسی رویدادهای درونی سازمان مجاهدین خلق ایران بنشینند میباشد.

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع

اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر

۱۳۵۸/۵/۳

## نامه سرکش

.....

محمد تقی شهرام که تاریخچه مبارزات قهرآمیز و ضد امپریالیستی وی بر همگان روشن است مدت ۶ ماه است که در زندانهای جمهوری اسلامی بسر میبرد، و بر طبق مدارک موجود درج شده در جراید در طول این مدت خانواده او موفق به گرفتن کمترین اخباری در مورد محل اسارت، شرایطی که بسر میبرد نشده اند و طبق اخباری که از درون زندانها بدست رسیده است وی در سخت ترین شرایط بسر برده و فاشیستی ترین شیوه ها در مورد اش اعمال میشود و از ابتدائی ترین حقوق اولیه یک زندانی سیاسی نیز بی بهره است، حقوقی که زندانیان سیاسی گذشته با مبارزات خونبار خود توانسته بودند از رژیم کودتا کسب نمایند.

ما به همراه کلیه انقلابیون، مبارزین و نیروهای دموکرات جامعه از هیئت حاکم ایران، از آقای خمینی، شورای انقلاب! دادستان کل انقلاب! و کلیه مسئولین امر می پرسیم که اگر آنگونه که شما ادعا میکنید در مناسبات و سیستم گذشته دگرگونی و تغییری پدید آمده چرا افسرد سیاسی و مبارز و منجمله همین محمد تقی شهرام را به اتهامات واهی دستگیر نموده و چرا با آنها اینگونه رفتار میکنید؟ چرا پس از گذشت ۶ ماه هنوز هیچگونه خبری از وی بدست نمی دهید؟ و چرا خانواده این زندانی سیاسی بعد از ۶ ماه هنوز موفق به گرفتن حتی ملاقات نیز با وی نگردیده اند؟

ما ضمن محکوم نمودن اینگونه اعمال در این مرحله حسابش از جنبش مبارزاتی خلقها یمان که چیزی جز بازگشت سریع به گذشته و تجدید همان خفقانها ، سرکوبها و به بند کشیدن ها نیست و تنها نتیجه اش کمک به امپریالیسم و ضد انقلاب است انتظار داریم مسئولین امر هرچه زود تر موجبات رهایی این رزمنده خلق را از زندانهای جمهوری اسلامی فراهم نمایند .

عده ای از همزمان محمد تقی شهرام

# کیمیا

یکشنبه ۱۸ آذر ماه ۱۳۵۸

## تقاضای ملاقات

با محمد تقی

شهرام

از طرف عده ای از زندانیان سیاسی اعلامیه ای خطاب به خلق تهران ایران در مورد محمد تقی شهرام یکی از رهبران بخش منشعب سازمان مجاهدین منتشر شد .

در این اعلامیه ضمن یادآوری مبارزات تقی شهرام در رژیم سابق و ضمن اعتراض به دستگیری وی به عدم صلاحیت رسیدگویی به جرائم وی توسط دادگاهها اشاره شده است و از اینکه بیش از ۵ ماه است که به خانواده وی اجازه ملاقات داده نشده ، ابراز ناخشنودی شده است .

همچنین از مقامات مسئول خواسته شده است که محل زندانی شدن وی فاش گردد و به خانواده او نیز قرار ملاقات داده شود . در پایان اعلامیه آمده است : ما معتقدیم در این مراحل حساب جامعه مان دامن زدن به یک سری مسائل درون خلقی که ناشی از ضعفها و اشتباهات گذشته نیروهای انقلابی بوقوع پیوسته است ، بجز تفرقه و دامن زدن به تضادهای درون خلقی و مخدوش کردن صف نیروهای خلق و ضد خلق چیز دیگری را بسدنبال ندارد که این کارها هم شیوه ای است در دست ضد انقلاب و فرصت طلبان و لاغیر .

# بامداد

دوشنبه بیست و ششم آذرماه ۱۳۵۸.

## در نامه ای به امام خمینی: پدر و مادر تقی شهرام خواستار آزادی فرزند خود

شدند

والدین محمد تقی شهرام بامخاطبه تلگرامهای تازه ای به امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران و آیت الله قدوسی دلبستان کل انقلاب، خواستار آزادی فرزند خود شدند.

در این تلگرامها پدر و مادر شهرام با اشاره به مبارزات فرزند خود در طول یازده سال گذشته علیه رژیم طاغوت اعلام کرده اند فرزند ما (تقی شهرام) هم اکنون بیش از ۵ ماه است که به اتهامات راهی و بدون حکم و مجوزی بازداشت شده و از سرنوشت و محل او هیچگونه اطلاعی نداریم نمی دانیم در کجاست و در چه وضعی بسر میرد. ما پدر و مادر فرزند خود از پیشگاه امام امت تقاضا داریم مقرر فرمایند وسائل استخلاص نامبرده را فراهم فرمایند تا فرزند ۴ ساله اش که مادرش در درگیری سالهای خفقان بدست ساواک شهید شده خشود و ما پدر و مادر هم در اثر عمری دعاگوی وجود رهبر بزرگ خود باشیم.



# نگاهی به کارنامه به اصطلاح دادگاههای انقلاب در گذار ۹

## ماههٔ پس از قیام

### نبرد ۲ و ۳

اما ببینیم که رژیم با انقلابیون زندانی و فرزندان راستین و بیکارجوی خلق چه می‌کنند و دادگاههای انقلاب در این رابطه چه نقشی را بازی مینمایند؟ به گزارش کانون زندانیان سیاسی تا اوائل مهر ماه بیش از ۱۵۰۰ زندانی سیاسی در زندانهای مختلف ایران بسر می‌برند و تا همان تاریخ متجاوز از ۱۳۰ تن از انقلابیون به وسیله بیدادگاههای رژیم در مقابل حوچه‌های اعدام قرار گرفته و تیرباران شده‌اند. زندانیانی که در مناطق کردستان، خوزستان و ترکمن و بسیاری از نواحی دیگر دستگیر شده‌اند در همانجا مورد شدت شکنجه‌ها و وحشیانه قرار گرفته‌اند. شکنجه‌های وحشیانه تر از هر شکنجه‌های دیگری بوده که پیش از چند بار از هوش رفته‌اند. آثار تازه‌ای از مرگبار از سوی پاسداران و مزدوران رژیم برگرفته این مبارزان فرود آمده تا ۳ ماه پس از دستگیری‌شان همچنان باقی بوده است. عده‌ای از فرزندان رزمندگانه که بدست خنثالی جلاد تا ۵۰۰ ضربه شلاق را تحمل کرده‌اند. این رزمندگان در دادگاههای صحرایی به محاکمه کشیده شده‌اند و در باره چگونگی محاکمات لازم توضیح است که دستگیرشدگان را گروه گروه به نزد خنثالی سفاک می‌بردند. تنها سئوالی که در این بیدادگاههای فاشیستی از آنان مینمودند نام و نام خانوادگی‌شان بوده است. با اصطلاح حکومت این انقلابیون بطور معمول از ۵ سال کمتر نبوده است.

در مورد دستگیر شدگانی که بدرجه شهادت نائل میگردد لازم بتذکر است که در غالب موارد فاصله دستگیری تا لحظه اعدام این مبارزان و حتی فاصله وقوع حادثه‌ای که ظاهرآ اساس نجرمیت آنان است تا زمان تیرباران از ۱۲ ساعت تجاوز ننموده است. گذشته از زندانیان کرد و عرب و انقلابیون قهرمان این مناطق که در معرض وحشیانه ترین شکنجه‌ها و رفتار فاشیستی اعمال رژیم و بیدادگاههای قرون وسطائی بودند مبارزان دستگیر شده در تهران و شهرستانهای دیگر هم کمابیش از شمول عملکردهای خندانسی رژیم و ارگانهای قضائی و اجرائیش بیسرون نبوده‌اند. اجرای صحنه‌های ساختگی اعدام، بستن آنان و نشانه رفتن تصنعی بسوی سینه، شان، نگاه داشتن آنها و شلیک‌های بی‌در قرار گرفتن به جوانب آنها برای ایجاد رعب و وحشت، مناطق کردستان و خوزستان و ترکمن و بسیاری از نواحی دیگر دستگیر شده‌اند. در همانجا مورد شدت شکنجه‌ها و وحشیانه قرار گرفته‌اند. شکنجه‌های وحشیانه تر از هر شکنجه‌های دیگری بوده که پیش از چند بار از هوش رفته‌اند. آثار تازه‌ای از مرگبار از سوی پاسداران و مزدوران رژیم برگرفته این مبارزان فرود آمده تا ۳ ماه پس از دستگیری‌شان همچنان باقی بوده است. عده‌ای از فرزندان رزمندگانه که بدست خنثالی جلاد تا ۵۰۰ ضربه شلاق را تحمل کرده‌اند. این رزمندگان در دادگاههای صحرایی به محاکمه کشیده شده‌اند و در باره چگونگی محاکمات لازم توضیح است که دستگیرشدگان را گروه گروه به نزد خنثالی سفاک می‌بردند. تنها سئوالی که در این بیدادگاههای فاشیستی از آنان مینمودند نام و نام خانوادگی‌شان بوده است. با اصطلاح حکومت این انقلابیون بطور معمول از ۵ سال کمتر نبوده است.

بطور معمول دستگیرشدگان را پس از شکنجه‌های روانی و اجرائی نمایشات یاد شده چشم بسته به زندانها و مراکز بازداشت مسوت گسیل میدارند. البته بسیاری از زندانیان را در روزهای نخست دستگیری بجاهائی بردند که تا با امروز هم برایشان نامشخص مانده است. ظاهراً رژیم از تمامی کمیته‌های سابق ساواک همچنین از مراکزی بنام خانه امن برای بازداشت استفاده میکنند. تا آنجا که ما اطلاع داریم دستگیرشدگان را عده‌ای پس از طی این مراحل روانه اوین و یا بازداشتگاه دادستانی کل واقع در چهارراه قصر مینمایند. در مراکز اخیر رژیم در تدارک افزایش سلولها و گسترش بخشهای

انفرادی است. مطابق گزارشات واصله اکثر زندانیان این سلولها را مبارزین سیاسی تشکیل میدهند. در اوین و در هر کدام از این مراکز دستگیرشدگان را مجدداً برای روزهای متوالی به سلولهای انفرادی میاندازند و در این مدت هیچگونه بازجویی و سئوالی از آنان بعمل نیایند تا اوائل آبان ماه مبارزین در بندهای مختلف اوین وجود داشتند که بیش از ۵۰ روز از آغاز دستگیری شان میگذشت و در این مدت هیچ سئوالی از آنان بعمل نیامده بود. مسئولین اوین در اظهاراتشان به نمایندگان جرابند و منجمله ورق پاره ارتجاعی جمهوری اسلامی گفته‌اند که افراد را به سلولهای انفرادی نمیبریم و حداکثر بیش از ۵ روز آنان را بدون بازپرسی در زندان نگه نمیداریم. و حدود زندانیان سیاسی متعددی که ۵۰ روز بدون بازجویی در اوین بسر میبرند بهترین گواه بر دروغ بردازی‌ها و تحریفات زندانیان رژیم ارتجاعی است. در اوین کسانی هستند که تنها جرم آنان فقط کرد بودن یا عرب بودن آنان است. این افراد در هیچ رابطه مشخصی قرار نداشته و معمولاً بدون هیچ مدرکی در محل کارشان دستگیر و روانه سلولهای اوین شده‌اند. در این زمینه میتوان از علی سیف قاضی از خانواده مشهور سیف قاضی و نوه قاضی محمد معروف رهبر انقلابی پیشین خلق کرد اسم برد که جز کرد بودن هیچ اتهام دیگری بر وی وارد نبوده و شناخته نشده است. نامبرده ساکن تهران و کارمند یکی از دواکسر

دولتی بوده و بدون هیچ مجوز و مدرک حرمی مورد بازداشت قرار گرفته است. بر خلاف تحریفات و دروغ بردازی‌های مسئولان اوین که گفته بودند سلولهای انفرادی در دست استفاده نیست همه سلولها مسرود استفاده بوده و جالب است که سلولهای تنگ نفره‌ای که در گذشته محل نگهداری سرباستخت ترین انقلابیون مبارز بوده امروز هم به اسارتگاه انقلابیون تبدیل شده و تمام کسانی که در این سلولها بسر میبرند یا حیوان خانج هیچگونه ارتباطی نداشته و ماهها است که از چهار دیوارهای چند ضلعی قفس مانند مذکور با بیرون ننهاده‌اند. بسلاطت این زندانیان کمترین توجهی نمیشود و در سخت ترین بیماریها هم با مراجعات مکرر آنان با چند قرص ویتامین باسح داده میشود.

آنچه گفته شد صرفاً اشاره‌ای بسود به چگونگی برخورد رژیم با زندانیان سیاسی و اما در این میان رفتار عمال رژیم و محاکم با اصطلاح عدل اسلامی با یکی از چهره‌های انقلابی خلق ما و رزمنده‌ای که سالها در حبسه‌های قهرمسلحانه زند امپریالیستی ضد ارتجاعی استوار بوده خود داستانی دیگر دارد که نقل آن و گزارش مجسم و کوتاه هر چند نارسا گامی خواهد بود در جهت افشا ارتجاع حاکم و زمینه‌ای است برای آگاهی توده‌های انقلابی خلق مان به ماهیت هیئت حاکمه ارتجاعی که امروز فرصت طلبانه به تاراج دستاوردهای جنبش و لگد مال کردن همه ثمرات انقلاب نشسته است.



سه‌شنبه ششم آذر ماه  
۱۳۵۸ - شماره ۱۶۰۱۳

### نامه گروهی از خانواده‌های زندانیان

خانواده های هدای از زندانیان ، با مراجعه به روزنامه اطلاعات خواستار تعیین تکلیف فرزندان خود شدند این عده ، یادآور شدند که فرزندان آنها از وابستگان رژیم سابق هستند و نه در جرم دست داشته‌اند بلکه بازداشت آنها بر اساس اتهاماتی است که اینک بمدائمه‌ها هنوز روشن نشده است . متن نامه این عده درج می‌آید :

و ما نقومنینم الا آن یومئذ والله العزیز العکیم .  
 و از آنان انتقام نگرفته مگر بخاطر این که آنان به خداوند قوی نیچه ستوده گردیدند .

از آن زمان که پدران و مادران رزمندگان را محبوس و خلق هر جستجوی فرزندان خود که در یورشهای وحشیانه ساواک به شکنجه گاه ها برده شده بودند ، از کلاتری ماهه اوزارات ساواک نیرفتند دیری نمی‌گذرد و بیاد داریم که همسرانمان با بچه‌های بی‌سرپرست از کمیته باصلاح نقد خرابکاری به دست درهای شکنجه گاه اوین و از آنجا به شکنجه گاه قصر میرفتند برای این که خبری از مرده یازنده سرپرست خود نیابند و هنوز هم چه بسیار خانواده های که از کور فرزندان خودی خبرند و قطعا پرواز جلیکو بر آنها را بر فراز دریاچه تم از پاه نخواهیم برد و باقی زندانیان و شکنجه گاه ها گفتیم دیگر تمام شده دیگر کسی را بخاطر چند بزرگ اعلامیه شکنجه نمی‌کنند که هیچ‌اصلا به زندان هم نمی‌برند و گفتیم که دیگر جوانانمان بخاطر افکار و عقایدشان زندانی نمی‌شوند . یورش های شبانه با آن سلاط و وحشتناک تکرار نخواهد شد ، اما با کمال کاسف در زمانی که از عصر انقلاب اسلامی مان دو ماه پیشتر نمی‌گذشت یورشها شروع شد و این بار هدای از دانشجویان مسلمان بودند که به زندان اوین افتادند و چالب توجه این که در آن زمان در اوین یک منصر رژیم طاغوتی هم برای نمونه زندانی نبود ، با این همه چاره‌ای جز صبر نداشتیم ، اما آنگاه تمامی امیدمان به یاس تبدیل شد که سفندان دامستان کل انقلاب ، آقای علی قنوسی را شنیدیم که چیزی جز کتدن حقایق نبود ما ایشان می‌گفتند ، اصلا زندانی سیاسی نداریم فرزندان برای بازپرسی هاروز بیشتر در سلولهای انفرادی نگه داشته نمیشود و کسی را بخاطر اعلامیه بازداشت نمی‌کنیم ، وقتی این سفندان را شنیدیم گفتیم پس چطور است کسه فرزندان ما را از پنج ماه گرفته تا مدت سه در سلولهای انفرادی زندانی کرده‌اید و آنها آن زمان که اقدام به دستگیریشان کردید با خواهد و مدارک بوده

و مسئله ترور افکار فریبان نبوده و دستهای مشکوک در کار نبوده است ، چرا این مدارک و شواهد را ارائه نکردید و محاکمه‌شان نکردید در صورتیکه میدانیم وضع ساواکی‌ها ، جلالتان و مزدوران رژیم طاغوتی را اگر بشمول عنو واقع نشده باشند ، ظرف چهار ماه روشن می‌کنید آیا سیدمصطفی جوادی ، سید مهدی آیتی و حمید نیکبام و ملی حاتمی نزدیک به ۷ ماه است در مرحله بازپرسی بسر می‌برند ؟ آیا پس از ۷ ماه یک مدرک و شاهد بدست نیاوردند که اینان را بیای میز محاکمه بکشند و اگر جرمی مرتکب شده‌اند پس به مجازات برسند و یا اینکه در واقع بدون کوچکترین مدرکی دستگیرشان کرده‌اید ، شما که می‌گوئید کسی را بخاطر اعلامیه زندانی نمی‌کنیم چرا مرتضی و احدی را بخاطر خواندن چند برگ اعلامیه ، مدت ۶ ماه است که در سلولهای انفرادی اوین زندانی کرده‌اید و بخانوادماتش اجازه ملاقات نمی‌دهید . آیا اگر محاکمه و محکوم گره ، محکومیتش بیشتر از ۶ مسه هپس انفرادی است ؟

شما که می‌گوئید در مدت ۱۵ روزی که شخص مرحله بازپرسی را می‌گذرانند در سلول انفرادی و ممنوع‌الصلوات است ، پس بر طبق چه قانونی نزدیک به ۵ ماه است که به خانوادهمای متحدی ، حسینی و بصیری و دیگران ملاقات داده شده است ، آنها حتی کوچکترین اعلامیه از سر نوشت فرزندان خود ندارند . آنگاه که از زندان اوین به ما تهن می‌شود که برای ملاقات فرزندانمان به آنجا برویم پاسخ می‌شنویم که اسم زندانیان شما در لیست ما نیست . اوایل فکر می‌کردیم بخاطر انقلاب این نارسائی‌ها خواه ناخواه بوجود آمده ، اما حالا با توجه به مسائل یاد شده در بالا ، وجدان بیدار و آگاه خلق قهرمان ایران را بگواهی می‌طلبم ، به امید روزی که بجای زندان مهد کودک داشته باشیم .

خانواده‌های واحدی ، متحدی ، جوادی ، هاتمی ، حسینی و ...

## اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر

در رابطه با دستگیری رفیق محمد یزدانیان

کارگران مبارز، توده های آگاه، نیروهای انقلابی

او در سال ۱۳۴۶ به همراه شهدایی چون احمد زینایی، بهرام آرام، حبیب رهبری و... فعالیت سیاسی را آغاز کرد. در سال ۴۸ به عضویت سازمان مجاهدین خلق ایران درآمد.

در سال ۵۲ رفیق یزدانیان به همراه اکثریت قریب به اتفاق کسانی که آرزومان پرچم خونین سازمان مجاهدین خلق را بعنوان يك تشکیلات رزمند و مقاوم در برابر دشمن برافراشته نگه داشته بودند، به ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم روی آورد.

مبارزه با رژیم شاه سخت تر و خونین تر ادامه یافت. دهها رفیق دیگر به شهادت رسیدند و آنان که مانده بودند اگرچه همچنان تنها، اگرچه همچنان جدا از مبارزات توده های وسیع زحمتکشان، اما با غروری شایسته فرزندان انقلابی خلق مبارزه خویش را ادامه دادند. در سال ۵۶ رفیق یزدانیان، همراه با دیگر رفقای سازمان (بخش م - ل سازمان مجاهدین خلق) مشی چپکی را نیز رد نمود و به مشی توده ای انقلابی روی آورد و از آن پس مبارزه او خط دیگری یافت. مبارزه رفیق پس از قیام

بهمن نیز ادامه پیدا کرد و اکنون رژیم جمهوری اسلامی او را بجزم این مبارزه، بجزم آگاهگری برای کارگران گروه صنعتی کشمطی و بجزم آگاهگری برای کارگران بطور کلی، دستگیر نموده و چون بیماری دفرجه های باقیمانده از ساواک که حاوی عکس ها و مشخصات انقلابیون حریفه ای بوده است و همچنین پرونده های ساواک، به سابقه مبارزاتی او پی برده، اکنون می خواهد در مقام وارث خلف رژیم شاه و ساواک، کینه ساواک و رژیم شاه را از او بستاند و لذا وی را بجزم سابقه انقلابی ماهیاست که در سپاه چال هسا و سلولهای انفرادی نگهداشته است.

کمتر از یکسال پیش در بهمن ۵۷، در پی مبارزه پیگیر و بیامان شما درهای زندان های رژیم جنایتکار شاه گشوده شد و بسیاری از رزمندگان دلاور خلق از بند رستند، سازمانهای انقلابی که سالها در زیر دیکتاتوری خونین شاه به مبارزه ادامه میدادند، امکان فعالیت علنی خود یافتند و برداشته کار آگاهگران و انقلابی خود وسعت بخشیدند، اما این شرایط که با فداکاری میلیونها زحمتکش بدست آمده بود و ثمره انقلاب خونین خلق بود، نمی توانست پایدار بماند، چرا که به آنگاه ناآگاهی توده ها هیات حاکمه ای سازشکار و خیانت پیشه زمام امور را بدست گرفته بود. این هیات حاکمه که در تلاش بقای استئمر کارگران و زحمتکشان و تأمین منافع سرمایه داران بود، نمی توانست فعالیت آگاهگران نیروهای انقلابی و خصوصاً کمونیستها را تحمل کند. نمی توانست ادامه مبارزه زحمتکشان سراسر ایران را بپذیرد و لذا در مقابل آنان با قضاوت و وحشیگری تمام ایستاد. دلاوران کرد را به جوخه های اعدام سپرد. تظاهرات کارگران را به گلوله بست، به سرکوبی مردم خوزستان و گنبد پرداخت و خلاصه تمام نیروی خود را صرف بازگرداندن اوضاع گذشته نمود.

با چنین ماهیت و عملکردی از رژیم کنونی دستگیری و حبس کمونیستها دیگر غیر منتظره نیست. کمونیستها از آن جهت که آشتی ناپذیرترین دشمنان استثمارگر اند مورد بیشترین خشم دولت آنان نیز هستند.

عمال رژیم جمهوری اسلامی رفیق محمد یزدانیان را بجزم آگاهگری در میان کارگران دستگیر کرده، بزیر شکنجه کشیده اند. رفیق محمد یزدانیان کیست؟



## نبرد

گروه نبرد برای رهایی طبقه کارگر

## دستگیری رفیق یزدانیان برگ سیاه دیگری از کارنامه هیئت حاکمه ضد خلق

شاه و دیکتاتوری سرمایه داری وابسته و درجه به توفند، ای از این مبارزه و پیکار ایستادگی کرد. او سالها در سازمان مجاهدین خلق ایران و هم‌دوش رزمندگان شهیدی چون رضائی هسا، حنیف نژادها و میهن دوستها به مبارزه ادامه داد بر راستای تحول ایدئولوژیکی درون سازمان مجاهدین خلق به بخش انشعابی مارکسیستی - لنینیستی این سازمان پیوست. رفیق هموار آماج تعقیب، هاویگرد های فاشیستی رژیم شاه بود، سرانجام جمهوری اسلامی بر پایه مدارک و اسناد تنظیم شده از سوی ساواک موفق شد او را شناسائی نموده و به اسارت کشد. دستگیری این رفیق وزندانی کردن او در سلولهای نفرادی اوین بازهم برگ دیگری است از کارنامه سیاه ارتجاع و نشان دیگری است از ماهیت ضد خلقی جمهوری اسلامی.

ما ضمن اعتراض به دستگیری و اسارت رفیق فوطنه هائی را که رژیم و محاکم شرع ضد انقلاب و در رابطه با این فرزند انقلابی خلق در دست اجرا دارند افشا و شدیداً محکوم میکنم.

دموکراتهای انقلابی میهن و انقلابیون کمونیست رژیم فاشیستی پهلوی به این دلیل زندان و شکنجه آگاه میساخت و به این خاطر انقلابیون رزمند، خلق را به اسارت و شکنجه میکشید که میخواست سیستم سرمایه داری وابسته را حفظ کند و منافع اربابان امپریالیست اش را از درون استقرار و حاکمیت همین سیستم تأمین نماید. جمهوری اسلامی بنیاد قانونی جدیدی که از درون ائتلافهای ضد خلقی و در سازش با امپریالیسم جنایتکار امریکا سر بر آورد و انقلاب خلق قهرمان مان را به کیج راه تسلیم برکشاند چه راه دیگری سواى طریقى که پیشینیا نش میبیموند میتواند در پیش گیرد.

این رژیم مگر می تواند که زندانهایش را از نیروهای مبارز و انقلابی و رزمندگان قهرمان خلق پر نکند؟ مگر میتواند که علیه انقلابیون توطئه نکند و آنها را به دادگاههای قومایشی وابسته در نکشد؟ هرگز!

رفیق همزیم و انقلابی ما محمد یزدانیان مبارز خستگی ناپذیری بود که بیش از ۱۲ سال تمام در سنگر مقاومت و پیکار علیه رژیم فاشیستی

# پیکار خلق نیمه اول بهمن ۵۸ ۳۲

## دست مرتجعین از جان زندانیان میپهن پرست کوتاه!

هم میهن! پس از قیام سلسله‌دانه خلق در بهمن ماه ۵۷ و پس از قدرت‌خیزدن بورژوازی‌ها - روحانیت اشراف‌منش، در آفتاب او غامبند که زند انبهاریه موزه تید پل خواهند ساخت، موزه ای که مردم ایران از آن دیدن کنند و آگاهی خویش را نسبت به حکومت‌های حباربالا بربند نامیاد ایار دیگر فرزندان میهن پرست خلق بوسیله حکومت‌های مسترگرفتار این نوع جناب‌ها شوند. ولی واقعیت چه چیز را نشان میدهد؟

هنوز یکسال از روی کار آمدن هیأت حاکمه جدید نمیگذرد که طبق اطلاعات بدست آمده ۱۸۰۰ نفر از فرزندان میهن پرست در زندان رژیم بسر میبرند. چه بسا که میهن پرستان فقط به خاطر خواندن يك اعلامیه ماهها در زندان بسر می‌برند و هیچگونه اطلاعی از آنها در دست نیست. اطلاعاتی موثق نشان میدهد، پرونده‌هایی که بوسیله عمال ساواک تهیه و تنظیم شده بودند بسیار دیگر عوامل رژیم ضد خلقی کنونی بعنوان مدرك جرم، مورد استفاده قرار میدهند. شکجه جسمی و روانی و ..... که رژیم شاه بیگانه پرست بخاطر استفاده از آن منفجر خاص و عام بود، همچنان در دستور کار رژیم کنونی قرار دارد.

### متحد ابرای آزادی انقلابیون

محمد یزدانیان، سعادت‌تی، تقی شهرام

### مبارزه نمائیم

شهرام یکی از مبارزین خلق را در لائل واهی دستگیر و روانه زندان ساخته اند. او را در خمه هائی که حتی در این اواخر از طرف ساواک مورد استفاده قرار نمیگرفت، محبوس کرده اند. او را در تحت بدترین شکجه‌های روانی قرار داده اند تا بلکه او را اوارا برده لکه در نمودن سازمان‌های انقلاب خلق‌های ما بنمایند.

سعادت‌تی عضو "سازمان مجاهدین خلق" را بوسیله حاج ماشاءالله قصاب، کسیکه جهانگیری رئیس ساواک کنبدگاو روس را از زندان فراری میدهد، بد لایل واهی "حاسوسی" دستگیر و روانه زندان میسازند.

محمد یزدانیان روزنده در دیگر خلق مارا که در تهنات تحت پیگرد رژیم فاشیستی پهلوی دیده است، فقط به خاطر پخش اعلامیه ای برای بالا بردن سطح آگاهی کارگران، دستگیر و روانه زندان میسازند.

رژیم میتواند فریاد برآورد که گویا ضد امپریالیست است. اما هر کسی باید از خود پرسد که این چه رژیم ضد امپریالیستی می باشد که مبارزین ضد امپریالیست واقعی را به سیاهچال‌های شه ساخته روانه میسازد؟



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



## پیکار

### دستگیری يك مبارز حرفه‌ای

مبارز سابقه رفیق محمد یزدانیان مدتی است که بدون هیچ دلیلی دستگیر گردیده است و اکنون در زندان های رژیم بسر می برد.

رژیم، ساواکی ها و امزای سرسپرده و مزدور ارتش ز آزادی گذارند، شورشین های رژیم‌ها هشتا هی

نظیر احسان نرافی را با وساطت آقای بنی صدر دست دبرین وی آزادی کند، اما مبارزینی چون یزدانیان را در بندنگه میندازد. ما خواستار آزادی قوری ما هستیم.

دستگیری اس مبارز توسط (گروه) احصاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر مورخه ۵۸/۱۰/۲۴ اعلام شده است.



## تحصن خانواده‌های زندانیان سیاسی کوهدشت

خانواده‌های سه تن زندانی که در زندان کوهدشت به سر می‌برند، به منظور اعتراض به محکومیت فرزندانشان، در دادگاه این شهرستان متحصن شدند. از این سه تن زندانی، یکی به اتهام ارتباط با جریان‌های پاره به سه سال زندان محکوم شده و دوشن دیگر که یکی معلم و دیگری کارگری روستائی است، در جریان حمله پاسداران به دیپلمه‌های بیگار در خرم‌آباد، دستگیر و زندانی شده‌اند.

در پی تحصن خانواده‌های سه تن زندانی کوهدشت،

دیپلمه‌های بیگار نیز برای دومین بار دست به تحصن زدند و دانش‌آموزان مدارس به حمایت از آن‌ها و خانواده‌های متحصن راهپیمائی کردند.

## زحمتکشان قهرمان ایران:

رژیم جمهوری اسلامی که پس از گذشت نزدیک به یک سال از قیام بهمن ماه ۵۷، علیرغم همه فشارهای توده‌ای هنوز از فاش کردن اسامی ساواکی‌ها خودداری ورزیده است، در عوض پرونده‌ها و دفترچه‌های ساواک را بر علیه انقلابیون جان برکف بیرون کشیده و کار ساواک را برای دستگیری و شکنجه و کشتار این انقلابیون دنبال میکند.

سندی که مدحظه می‌کنید مشخصات یک کمونیست و یک انقلابی حرفه‌ایست که از سال ۴۶ فعالانه بر علیه رژیم شاه مبارزه کرده است. ساواک این عکس و مشخصات را همراه عکسها و مشخصات دیگر انقلابیون حرفه‌ای بتمام پاسگاهها، کلانتریها و مراکز ضد خلقی خود فرستاده بود. همچنین اکیپهای گشتی " کمیته مشترک ساواک - شهریانی " با همراه داشتن این عکسها، همه روزه در خیابانها می‌چرخیدند، تا شاید این انقلابیون جان برکف را ببینند و دستگیر سازند و چه بسیار انقلابیونی که بدین طریق به شهادت رسیدند. با همه اینها، ساواک نتوانسته بود رفیق محمد یزدانیان را که از سال ۵۰ تا قیام ۵۷ بعنوان یک انقلابی حرفه‌ای بر علیه رژیم شاه مبارزه میکرد، دستگیر کند تا اینکه رژیم جمهوری اسرعی موفق شد بکمک همان دفترچه‌ها و پرونده‌ها و به بهانه آگاهگری برای کارگران، این رفیق انقلابی را دستگیر و زندانی کند.

سنگ بر ساواک - سرگرم بر ارتجاع - زنده باد انقلاب  
اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر

### مجید سخراوی دانشجوی زندانی آزاد یازده گزیده

مجید سخراوی دانشجوی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اهواز که در تاریخ ۲۰/۱۰/۵۸ موسسهٔ عمل رژیم بدلیل آریامهری دستگیر شده است، هنوز در بازداشت بسر می برد. و این در حالیست که عمال رژیم سابق و ساوکیها در کمال امنیت و آزادی به توطئه چینی های خود مشغولند. آنها واقعاً چه فرقی است بین دلایل آریامهری برای دستگیری مبارزین و انقلابیون، با دلایلی که رژیم جمهوری اسلامی مطرح می کنند: "داشتن اعلامیه و نشریه مضره! و ارتباط با خلق عرب!!"

بهمین مناسبت و بعنوان اعتراض به بازداشت مجید سخراوی، عده ای از دانشجویان دانشگاه اهواز در تاریخ ۱۱/۹ در دانشگاه اجتماع کردند. در پایان، قطعنامهٔ متینگ قرائت شد، که در این قطعنامه آمده است:

"هموطنان مبارز! هم اکنون باز هم شاهد دستگیری دانشجوی رزمنده دیگری هستیم. این بار مجید سخراوی دانشجوی سال اول را به بند کشیده و استدلال ضد انقلابیشان این است که در خانه اش نشریه و اعلامیه مضره! است"

الف - مشخصات حقیقی

نام محمد شهرت یزدانیان نام پدر علی اکبر شماره شناسنامه ۸۷۸ صادره از کاشان متولد ۱۵۷۷ شغل دانشجوی شیمی دانشگاه صنعتی آریامهر

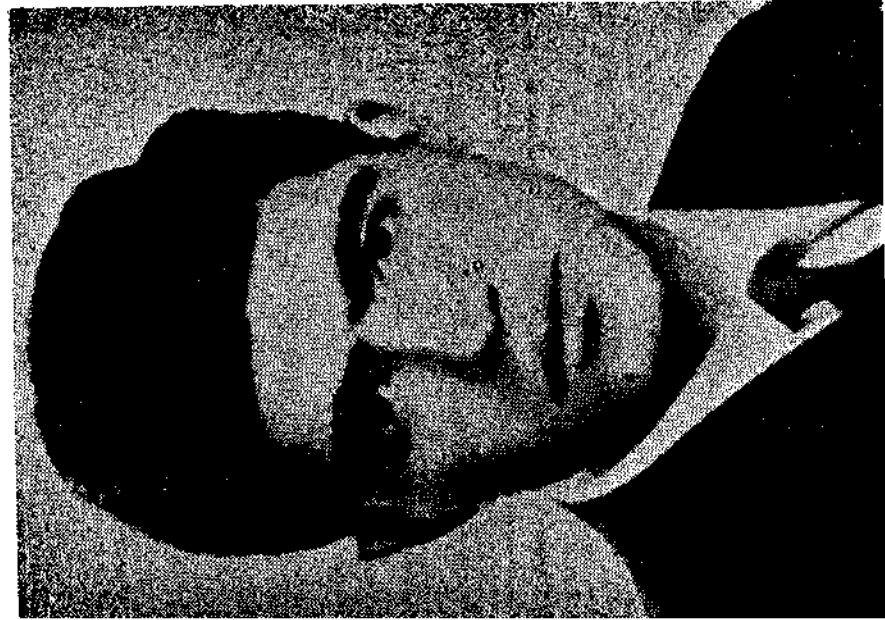
محل سکونت تهران پل چوبی خیابان فروغی پلاک ۳۷ محل کار - کاشان - سرای امین الدوله و میدان کهنه - کوچه باغ خرم قم - پشت راه آهن خیابان هندیون - کوچه کر بلائی ابراهیم پلاک ۳

ب - مشخصات ظاهری

قد متوسط - رنگ چشم سیاه. رنگ مومشکی - علائم مشخصه - میانسگی اسلامی یا شناسنامه های جعلی که داشته:

پ - وضعیت فعلی

از اعضای گروه خرابکار «مجاهدین خلق ایران» میباشد که از تاریخ ۶/۶/۱۳۵۰ متواری و احتمالاً مسلح به سلاح کمربندی + نارنجک - سیانور + میاشد



داشته و با خلق عرب در ارتباط می باشد !  
 زهی بهشمری که شبانگهان به خانه دانشجو  
 یورش برده و ایشان را در سلولهای انفرادی  
 زندانی میکنند و توقع دارند که دانشجوی عرب  
 با خلق قهرمان خودش رابطه ای نداشته باشد.

ماضن محکوم کردن این عمل عمال رژیم ، وحدت  
 هرچه بیشتر دانشجویان را در جهت حراست از  
 نهادهای دمکراتیک ، یادآوری می کنیم .



# زندانی سیاسی آزاد باید گردد



کمیته پشتیبانی از زندانیان انقلابی و مبارز

تظاهرات ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ برای آزادی زندانیان سیاسی





# زندانی سیاسی آزاد باید گردد

www.iran-archive.com

کمیته پشتیبانی از زندانیان انقلابی و مبارز

# نگاهی به زندانهای رژیم جمهوری اسلامی

در بهمن ماه پیشکوه و افتخار آفرین سال گذشته، آن هنگام که توده‌های زحمتکش یادست‌خالی و دلی پرکین و نفرت برپادگانها و زندانهای رژیم جنایتکار شاه حمله برده و در صدد نابودی این ابزارهای سرکوب برآمدند فتواها و توصیه‌های حاکمین تازه، آنان را از این کار منع نمود. رهبران به سرعت مأمورین خویش را به هر سو روانه کردند تا چیزی دست‌نخورده و آنچه از میراث رژیم شاه خائن بدست زحمتکشان افتاده است باز ستانده شود. آنروز اگر توده‌ها با تمجب و شگفتی این رفتار نامرعی را نظاره میکردند و علت خلع سلاح شدن خود و حفاظت پادگانها و جلوگیری از نابودی لوازم و وسائل ساواک برایشان مشخص نبود، اکنون با مشاهده عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی و آشکار شدن علل آن فوابع و خد متگزاری آنان به دشمنان قسم خورده خلق ما به حفظ منافع امپریالیسم توسط این رژیم و ماهیت ضد انقلابی و ضد خلقی آن پی برده اند.

آری آن اعمال ضد خلقی که بدست حامیان تازه کار سرمایه داری وابسته انجام میگرفت، سر آغاز شوم حرکتی ضد انقلابی بود که می رفت تا تمام دستاوردهای انقلاب را باز ستاند و مأموریت مزدوران امپریالیسم همچون شاه خائن را در سرکوبی نیروهای انقلابی و توده‌های زحمتکش ما را به انجام برساند. بی جهت نیست که امروز شاهد آزادی و بکارگیری مجدد دشمنان قسم خورده خلقهایمان از جمله ساواکیها و امرای ارتش و دستگیری نیروهای انقلابی و زحمتکشان و سرکوبی مبارزات توده‌ای می باشیم.

در آن هنگام که توده‌های قهرمان و خشمگین خلق ما در اوج قیام و مبارزات خود اولین حملات را متوجه ساواکیها، مزدوران رژیم و امرای ارتش و سرمایه‌داران مینمود و خود به انتقام جوئی آزار و شکجه فرزندانش به تکه تکه کردن آنها می پرداخت، دولت جمهوری اسلامی با هزار خدعه و نیرنگ و تعیین و تکلیف شرعی و برقراری "نظم" و "انضباط" توده‌ها را به آرامش دعوت می نمود تا خود به اصطلاح به دستگیری و محاکمه آن خائنین بسه خلقهای ما بپردازد. اما اکنون شاهدیم که عناصر ساواکی و مزدوران ارتش و عناصر ضد خلقی رژیم گذشته در طی مراحل مختلف مورد بخشایش قرار می گیرند و آنهایی نیز که بدست توده‌های مردم ما دستگیر و زندانی گشته اند و خیانتشان بر همگان روشن است یا همچون تیسار باقری خائن پس از دستگیری توسط توده‌ها دوباره آزاد گشته و در راس نیروی هوائی و هواپیمائی ملی قرار میگیرند و یا همچون میر اشرافی‌ها تا مدت‌ها حکم اعدا شدن بجهت حمایت عناصری ذی نفوذ به تعویق میافتد و سرانجام نیز که با فشار توده‌ها اعدام میگردد، حاکم شرع از کار برکنار میشود و یا همچون تهرانی‌های خائن، بر علیه نیروهای انقلابی و مبارزان واقعی کشور مامور استفاده قرار گرفته و دادگاه او را به تریبونی بر علیه سازمانهای انقلابی بدل میکنند، و یا همچون شیخ الاسلام زاده‌ها که بحق مجازاتشان اعدام بود با وساطت عناصری از هیئت حاکمه از دادگاه توده‌ها نجات یافته و چنان از خد متکذاری شان در سمت پزشکی در زندان صحبت میشود که گوئی شایستگی پست مقام وزارت بهداشتی را در رژیم جمهوری اسلامی به جهت این خصلت انسان دوستی! خود دارند، و اینها همه در حالی انجام می پذیرد که مبارزین خلق ما همان مبارزینی که در زمان رژیم منغور وابسته به امپریالیسم تحت پیگرد ساواک قرار داشتند، امروز نیز بجهت سابقه مبارزاتی شان با اتهامات واهی به مدد و همکاری این حامیان جدید سرمایه و کارگزاران رژیم جمهوری اسلامی تحت پیگرد قرار گرفته و به حبس و شکجه و اعدام محکوم میشوند.

در حالیکه حاکمین شرع جمهوری اسلامی با تلاش شبانه روزی خود مشغول رسیدگی به پرونده ساواکیها و مزدوران رژیم پهلوی هستند که هر چه زودتر آنها را آزاد نمایند و یا بیگانه‌های آنها را اعلام نموده و از پیگرد

توده‌ها در امان نگاه دارند و هر چند گاه یکبار نیز مورد مهر و عطفوت رهبر انقلاب قرار گرفته و مورد عفو واقع میشوند و برای جلوگیری از کمترین ظلمی نسبت به آنها از جانب امام دستورات مؤکد صادر میشود که هر چه زودتر و وسائل آزادی آنها را فراهم نمایند که بناحق شیخ را در زندان خلق ما نباشند، توده‌های زحمتکش ما و پیشگامان شان به بهانه توطئه و نیرنگ و انتقام جوئیهای دیرینه و سلطه طلبی و انحصارگری، مورد اتهام واقع شده و بدون وجود هیچگونه مدرکی دستگیر و ماهها بدون کمترین رسیدگی به پرونده شان زندانی میشود و صدها نفر از توده‌های رزمنده خلق کرد، عرب و ترکمن تنها به بهانه کرد، عرب و ترکمن بودن دستگیر و زندانی نهایی رژیم جمهوری اسلامی برای ماهها به بند کشیده میشوند و جنایات این رژیم به حدی میرسد که عده‌ای از این انقلابیون در اسارتگاهها بدون هیچ گونه پرونده و تشکیل هیچ دادگاهی اعدام میشوند.

در حالیکه هزار چند گاهی در ورین های تلویزیون به درون زندانها برد میشود تا مهر و عطفوتی که به دشمنان خلق ما میشود مورد ارزیابی قرار گیرد و حتی عده‌ای از زندانیان از طرف حاکمین شرع و مسئولین زندان به مرخصی فرستاده میشوند و در مقابل اعتراض توده‌ها مسئولین به دفاع از خود بسر - خاسته آنها کاری اسلامی و اخلاقی میدانند و یا به عناصری خود فروخته از درون زندان اجازه مکالمه تلفنی با آمریکا داده میشود، زندانیانی چون محمد تقی شهرام که دارای سابقه مبارزاتی طولانی بر علیه امپریالیسم آمریکا و شاه خائن می باشد و ساواک علیه رغم کوشش بسیارش در دستگیری اش موفق نمی گردد توسط رژیم جمهوری اسلامی این آرزوی دیرینه ضد خلق بر آورده شده وی را دستگیر و از او در سلولهای انفرادی تنگ و تاریکی نگه - داری میکنند که شاه خائن نیز علیه رغم همه جنایتکاری اش سرانجام تحت فشار بین المللی مجبور به عدم استفاده گردیده و هر روز نیز او را مورد شکجه - های روانی سخت قرار می دهند و تا ۹ ماه پس از دستگیری اش خانواده وی هرگز کمترین خبری از او نداشته اند.

آری خوش خدمت رژیم جمهوری اسلامی به ساواکیهای رژیم منغور پهلوی بحدی میرسد که به پاداش جنایتی که به خلق ما نموده و در رژیم

پهلوی آنچنان محیط خفقان و رعب و وحشتی ایجاد نموده بودند و شکجه فرزند ان مبارز ما مشغول بوده اند و باره توسط رژیم جمهوری اسلامی عده ای از آنها به کار برگردانیده شده و عده ای هم باز خرید میگردند و از جیب ملت ستم دیده ما پولی هم به جهت آنهمه جنایت و سرکوسی و دستگیری فرزند ان خلقهای ما به آنها پرداخت میشود و بی جهت نیست که این جنایتکاران با اطمینان از الطاف رژیم جمهوری اسلامی برای دریافت پاداش و عیدی دست به تظاهرات زده و از خانواده های شهدای ما و رزندگان شکجه دیده شده ما شرم نمی کنند .

مقایسه ای بین گروگانهای آمریکائی که خیانت آنها به خلقهای میهن ما با گوشت و پوست این ملت احساس گردیده و با مدارک موجود جاسوسی و توطئه گری آنها نه بر علیه خلقهای ما بلکه بر علیه کلیه خلقها از جمله خلق کبیر و بتنام هم مسلم گردیده است با زندانیان سیاسی انقلابی و مبارزان و فرزند ان مبارز خلق های ما نمونه دیگری است از خوش خدمتی این رژیم به امپریالیسم و عمالش و دشمنی و کینه ورزی عمیق نسبت به خلق های ستم دیده ما .

بر طبق گزارش دانشجویان پیرو خط امام و مسئولین دولت بهترین وسائل رفاهی و آسایش برای این دشمنان خلقهای ما فراهم گردیده و هر چند یکبار نیز به خرج ملت ستم دیده ما از چهار گوشه جهان برای ارائه این خوش خدمتی و کیلی یا کمپنشی فراخوانده میشود تا آنها را مورد بررسی قرار دهد و رضایت امپریالیسم آمریکا ی جنایکار را بدست آورد . اما از مبارزین ما در سلولهای تنگ و تاریک نگهداری میشود که از هیچگونه وسائل رفاهی برخوردار نبوده و از هیچگونه اهانت و شکجه روانی نسبت به آنها خود داری نمیشود و باز برای اینکه این جاسوسان و توطئه گران احساس غربت نکرده و هرگز کمبودی نداشته باشند بهنگام جشنهای سالیان و اعیاد شان از اقصی نقاط دنیا برای اجرای مراسم عید و برگزاری جشن و سرور برای این خائنین ، کتیش و اسقف و غیره وارد میکنند تا مبادا کمترین دلگیری و دلنگی برای آنها پیش آید و امپریالیسم آمریکا از آنها دلگیر شود و بقول کارگزاران دولتی به حکم اخلاق اسلامی !! رفتار کرده باشند . بطوریکه یکی از

گروگانها در صاحبه تلویزیونی میگوید که از ما چنان پذیرائی میشود که گویی خدمتکار ما هستند و همیشه در خدمت ما حاضرند . اما خانواده های زندانیان سیاسی ما نه تنها تا مدتها از مکان و جایگاه فرزندن خود خبر ندارند نه تنها به هنگام مراجعه به درب زندانها با آنها با خشونت و شیوه های آریامهری رفتار میشود و نه تنها عید و غیره کمترین تاثیری در برنامه شان ندارد ، بلکه به اعتراف خود مسئولین همسر سعادتتی به جرم بی احتراعی ! به مسئولین زندان از دیدار همسرش محروم میگردند و بسه محمد تقی شهرام تا ۹ ماه ملاقاتی داده نمیشود ، و با خانواده او که برای پیدا کردن مکان فرزند شان به زندانها مراجعه میکنند همان گونه رفتار میشود که تروریستها و مامورین ساواک رژیم شاه با آنها در گذشته رفتار میکردند ، و علیرغم قانون صادره از طرف مسئولین رژیم مبنی برداشتن حق وکیل ، وکیل او هم اجازه ملاقات و بازرسی پرورنده و موقعیت او را ندارد و محصد یزدانیان که بجرم آگاهی دادن به توده ها و در راه آرمانش دستگیر گردیده است در شعبه عید به سولهای انفرادی منتقل میشود و ملاقات او را هم قطع میکنند و بسیاری از دستگیر شدگان تا ماهها پس از دستگیری او را هم ملاقات بوده اند . آری ! در مورد این رزمندگان اخلاق اسلامی ! دیگر رفتاری انسانی را یجاب نمی کند .

همچنین علیرغم وجود مدارک مبتنی بر قطعیت یافتن جاسوسی این گروگانها ، مسئولین دولتی در این مورد کمترین اقدامی ننموده و هر بار که تحت فشار امپریالیسم آمریکا قرار میگیرند ، از طرح محاکمه این خائنین همچون مترسکی استفاده میکنند . اما مبارزین ما را علیرغم عدم وجود هیچگونه مدرک جرمی با اتهامات متعدد دستگیر نموده و هر روز نیز پرونده های جعلی برایشان ترتیب می دهند تا انتقام بیشتری از پیشگامان خلق ما بگیرند . ( بر طبق اعتراف حاکم شرع ماههامدارک برای محاکمه سعادتتی تکمیل نیست و مدت یکسال او را بدون در دست داشتن مدرک زندانی نموده اند . )

در رابطه با تبلور چنین عملکرد هائسی در عمر یکساله رژیم جمهوری اسلامی و صدها و صدها نمونه دیگر از عملکردهای ضد انقلابی و ضد خلقی این رژیم نسبت به توده های خلق ما و تبدیل این رژیم به رژیم ضد خلقی ،

توده‌های خلق ما امروز تا حد زیادی بیدار این مطلب رسیده اند که چرا کارگزاران رژیم جمهوری اسلامی در گذشته در حال بعناوین مختلف به جلوگیری از خشم و کین توده‌ها نسبت به دشمنان خود فروخته خلق، امیر-یالیسم، سرمایه‌داران، مزدوران ارتش و ساواک و... پرداخته اند ولی در مقابل به سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران، دهقانان، زحمتکشان و ملیت‌های مایر داشته و پیشگامان آنها را به اسارت در آورده است. و در یافته اند که این رژیم در خدمت کدام طبقه و چه کسانی است.

کمیته پشتیبانی از زندانیان انقلابی و مبارز مادر این جا برای مستند بودن نظرات مان به ارائه برخی از مدارک در رابطه با زندانیان انقلابی و مبارز و همچنین زندانیان ضد خلقی منتشره در جراید پرداخته و آنها در معرض قضاوت خلقهای مان قرار میدهم.

**دستگیری خلق**

کیهان شنبه ۲۵ اسفند ماه ۱۳۵۸

**۵۰ تن از هواداران مجاهدین خلق در شهری دستگیر شدند**

شهری - خبرنگار کیهان - ۵۰ تن از هواداران سازمان مجاهدین خلق در جریان انتخابات، توسط کمیته منطقه ۱۴ شهری دستگیر شدند ولی مقارن ۸ ر۵ دیشب هنگامیکه کمیته قصد آزادی دستگیرشدگان را داشت، اینمدهخواستار تسلیم نامه‌ای از کمیته که حاوی دلایل بازداشت و آزادی آنان و مهر مسئولان کمیته باشد، شدند. با امتناع مسئولان از تسلیم چنین نامه‌ای، دستگیرشدگان حاضر به ترك کمیته نشدند و به دادن شعار پرداختند. بدنبال آن ماموران کمیته بابلندگو از مردم استمداد کردند و در پی آن صدها نفر مقابل کمیته اجتماع کردند و خواستار تعقیب اینمده شدند و پاسداران نیز مجدداً ۳۵ تن دیگر را زندانی کردند.

صبح امروز نیز دستگیر شدگان که همچنان اصرار به روشن شدن دلایل بازداشت و آزادی خود داشتند، حاضر به ترك کمیته نشدند و کمیته نیز ۲۸ تن از اینمده را به محل دیگری منتقل کرد و ۷ تن از آنان همچنان در محل کمیته ۱۴ شهری زندانی هستند.

**کیهان چهارشنبه ۸ اسفند ماه ۱۳۵۸**  
**اعتراض کانون مستقل معلمان انزلی به دادگاه انقلاب**

بندر انزلی - خبرنگار کیهان - کانون مستقل معلمان بندر انزلی طی اعلامیه‌ای نسبت به دستگیری و محکومیت چند تن در رابطه با ماجرای شیلات انزلی، شدیداً اعتراض کرد. در قسمتی از این اعلامیه آمده است: دادگاه انقلاب بجای محاکمه عاملان اصلی، يك روز معلمی را از سر کلاس جلب می‌کند و روز دیگر دکتر وظیفه شناسی را و بالاخره دانش آموزی را که می‌بایست پشت میز کلاس بنشیند کنار میله‌های زندان می‌نشانند.

کانون مستقل معلمان بندر انزلی نسبت به این اعمال شدیداً اعتراض می‌کند و با ذکر دو نمونه از این اعمال قضاوت را به خود مردم واگذار می‌نماید.

۱- یکی از دانش آموزان دبیرستان فردوسی را بخاطر جرمی که مرتکب شده گرفته‌اند و بعد از دو بازجویی بدون تشکیل دادگاه و مراحل دیگر قانونی شفاها حکم یکسال محکومیت را به او ابلاغ می‌کنند.

۲- دانش آموز دیگری که می‌خواست با پهب آتش‌زا و مقداری مواد منفجره دبیرستان فردوسی را متفجر کند با وجود مدارک جرم و شکایت شاکیان آزاد می‌شود. ما مصرأ از شورای آموزش و پرورش بندر انزلی و دادگاه انقلاب خواستاریم هرچه زودتر ما را از علت محکومیت دانش آموزی که بعد از دو بار بازجویی به یکسال زندان محکوم شده است مطلع نمایند.

**آزادی ضد خلق**

کیهان شنبه ۱۶ فروردین

**۱۳۷ زندانی اوین با فرمان عفو امام آزاد شدند**

طبق اظهار مقامات مسئول دادسرای انقلاب اسلامی مرکز، پیرو فرمان عفو عمومی امام خمینی، تا آخر وقت پنجشنبه ۱۴ فروردین تعداد ۱۳۷ نفر از زندانیان زندان اوین آزاد شدند.

**۳۲ زندانی قزوین آزاد شدند**

قزوین - خبرنگار کیهان - ۳۲ تن از زندانیان و متهمان دادسرای انقلاب اسلامی قزوین در پی صدور فرمان عفو از سوی امام، آزاد شدند. اساسی زندانیان آزاد شده قزوین باین شرح است:

**۹ زندانی رفسنجان آزاد شدند**

رفسنجان - خبرنگار کیهان: در اجرای فرمان عفو عمومی امام پرونده ۹ نفر از محکومین دادگاه انقلاب اسلامی رفسنجان از طرف حجت الاسلام هاشمیان رئیس دادگاه مورد بررسی قرار گرفت و این عده آزاد شدند.

**۲۶۵ زندانی مازندران آزاد شدند**

ساری - حجت الاسلام سید مهدی طباطبائی دادستان انقلاب اسلامی استان مازندران دیروز اعلام کرد: جمعا ۲۶۵ نفر از زندانیان دادگاههای انقلاب در شهرهای مختلف مازندران در ایام عید آزاد شدند.

به اتهام بعض اوراق تحریک‌آمیز علیه ارتش

# عده‌ای تحویل دادسرای انقلاب شدند

اطلاعات چهارشنبه ۱ اسفندماه ۱۳۵۸

اعتراض دانش‌آموزان و جوانان میناب به بازداشت دو همشهری خود

میناب - دانش‌آموزان مسلمان آموزشگاهها و انجمن جوانان مسلمان میناب در تلگرامی که برای دکتر بنی‌صدر رئیس جمهور مخابره کرده و رونوشت آن را به کسپهان فرستاده‌اند ، خواستار آزادی دونفر از برادران مبارزشان

آزادی ضد خلق

دوشنبه ۱۱ فروردین‌ماه

## ۴۰۰ تن از زندانیان

## اوین آزاد خواهند شد

اطلاعات

شنبه ۹ فروردین ماه

## آزادی زندانیان

## کرمانشاه

کرمانشاه - ۴۱ نفر از زندانیان در کرمانشاه مشمول عفو امام شدند و مراسم سیاسی زندانیان مشمول عفو عمومی اعلام شده از سوی رهبر انقلاب امام خمینی در محوطه زندان «دیزل‌آباد» کرمانشاه برگزار شد.

کیهان

پنجشنبه ۱۴ فروردین ماه

## ۳۸ زندانی

## دادگاه انقلاب

## اهواز آزاد شدند

اهواز - خبرنگار کیهان - بدنبال صدور فرمان عفو امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران ، دادسرای انقلاب اسلامی اهواز سی‌وهشت نفر از زندانیان را با اذن تعهد یا وثیقه آزاد کرد.

در پی فرمان عفو امام : ۴۸ زندانی اوین آزاد شدند

دادسرای انقلاب اسلامی مرکز اسامی ۴۸ نفر از زندانیان زندان اوین را که با توجه به فرمان عفو عمومی امام رهبر انقلاب اسلامی ایران از زندان آزاد شده‌اند ، اعلام کرد .

دستگیری خلق

کیهان سه‌شنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۵۹

## ۱۳ متهم به تحریک فارغ‌التحصیلان بیکار اردبیل دستگیر شدند

تبریز - ۱۳ نفر به اتهام تحریک فارغ‌التحصیلان بیکار اردبیل به تحصن در ادارهدارائی و تظاهرات در مقابل دادسرای انقلاب اردبیل دستگیر شدند.

کیهان چهارشنبه ۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹

## تقاضای خانواده‌های کارکنان اخراجی و زندانی صنایع فولاد اهواز

اهواز - خبرنگار کیهان - خانواده‌های کارگران و کارمندان اخراجی و زندانی شرکت ملی پروزهای (فاسترو و نهران جنوب) وابسته به صنایع فولاد اهواز در رابطه با اخراج ، دستگیری و زندانی شدن عده‌ای از کارکنان این شرکت طی نامه‌ای به رئیس جمهوری ، خواهان آزادی و بازگشت بکار کارگران و کارمندان شده‌اند .  
در این نامه آمده است : کارگران و زحمتکشان که ستون اصلی انقلاب برای سرنگونی رژیم منقور پهلوی بوده و خواسته‌هایی جز ملی کردن صنایع وابسته ، رسمی شدن کلیه کارکنان و لغو کلیه قراردادهای اسارت‌بار نداشتند ، از کارخانه اخراج شده و موقتی که برای اطلاع از دلیل اخراج شدن به در کارخانه مراجعه کرده‌اند ، عده‌ای از عناصر تحریک شده با چوب و چماق به فرزندان ما حمله کرده و سپس پوسینه ماموران مسلح مستقر در کارخانه به دادگاه انقلاب تحویل و بدون هیچ جرمی زندانی شده‌اند . اکنون که قرارداد شرکت لغو شده و کارگران و کارمندان زیر پوشش شرکت صنایع فولاد قرار گرفته‌اند به چه دلیل مضروب و زندانی شده‌اند .

خانواده کارگران و کارمندان در خاتمه آزادی بدون قید و شرط و بازگشت مجدد کلیه کارگران و کارمندان و معاکمه عاملین اصلی حمله به آنها خواستار شدند .

آزادی ضد خلق

کیهان ۲۳ فروردین ماه

## تعداد ۴۷۹ نفر از زندانیان سراسر کشور آزاد شدند

پیرو صدور فرمان عفو امام خمینی تا آخر وقت روز ۱۷ فروردین تعداد ۴۷۹ نفر از زندانیان ، زندانهای سراسر کشور «بغیر از تهران» از زندان آزاد شده‌اند.

کیهان ۲۶ فروردین ماه

## ۵۰ زندانی در اصفهان آزاد شدند

اصفهان - ۵۰ نفر از زندانیان دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان که مشمول عفو امام دستورالعمل دادسرای کل انقلاب واقع شده‌اند از زندان اصفهان آزاد شدند . وی یادآور شد کلیه پرونده های افراد ضد انقلاب با صدور کیفرخواست به دادگاه انقلاب فرستاده شده تا پس از صدور رای تعیین تکلیف شود . دادستان انقلاب اسلامی اصفهان یادآور شد پرونده افرادی که در فرمان امام مشمول شده‌اند آماده شده تا از سوی هیات عازمی از قم و شورای عالی قضائی قلم‌مورد رسیدگی قرار گرفته و یک درجه تخفیف به آنها داده شود .

# اطلاعیه دانشجویان پیرو خط امام بمناسبت میلاد حضرت مسیح علیه السلام رفتار ما با گروگانها خدا پسندانه و انقلابی است

بدعوت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام :  
۳ کشیش آمریکائی برای برگزاری عید پاک گروگانها  
به تهران آمدند

و اما برخورد مسئولین رژیم جمهوری اسلامی با فرزندان اشیر خلق

داده شود که این ملاقاتها با  
زندانهای گماکان ادامه دارد .  
شوهر و همسر ایشان هم هر موقع  
تعمد بدهند که به مقررات  
زندانبان احترام بگذارند ملاقات  
آنها از نظر شورای زندانبان  
امکالی ندارد .

کیهان ۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۸  
رئیس زندان اوین درباره  
عدم ملاقات محمدرضا سعادتی  
از اعضای سازمان مجاهدین  
خلق ایران با اعضای خانواده اش  
اطلاعاتی در اختیار خبرنگار  
کیهان قرار داد .

## کیهان ۱۶ فروردین ماه ۵۹

آیت الله محمدی گیلانی قاضی شرع دادگاههای انقلاب  
در گفت و گوئی نقطه نظرهای خود را پیرامون عفو امام،  
احضار هنرمندان به دادگاه انقلاب، آزادی زندانیان و محاکمه  
گروه فرقان مطرح کرد.

آیت الله محمدی گیلانی در مورد عفو امام گفت: با اعلام  
فرمان عفو عمومی امام به دادگاههای انقلاب حدود ۲۵۰ نفر  
از زندانیانی که جرائم هم سنگین هم داشتند آزاد شدند.

حاکم شرع دادگاههای انقلاب در مورد محاکمه سعادتی،  
امیرانتظام، تقی شهرام و چندین دیگر از بازداشت شدگان  
دادگاه انقلاب گفت: پرونده آقای سید محمدرضا سعادتی  
تکمیل شده و از دادسرا به دادگاه فرستاده شده و خود ایشان  
هم تابحال یکی دو بار از زندان برای من نامه نوشته اند، اما  
در طول این مدت پرونده ایشان ناقص بوده است.

حاکم شرع در ادامه این گفت و گویش افزود: حتی آن  
موقع که می خوانستند آقای سعادتی را محاکمه کنند، پرونده  
وی همچنان تکمیل تکمیل هم نبود، البته بعداً هم ضامنی  
از اطراف و اکناف بدست آمد و ضمیمه پرونده شده است که  
البته در حال حاضر پرونده تکمیل شده و دادسرا پرونده را  
همراه کیفرخواست به دادگاه فرستاده است. آقای امیرانتظام  
و تقی شهرام و دوسه نفر دیگر هم هستند که درباره محاکمه  
آنان با آقای دادستان مذاکره کردیم و بنا داریم که در طول  
فروردین ماه محاکمه این افراد آغاز شود.

به یک حکم صادر شده در مورد زندانیان توجه کنید .  
کیهان یکشنبه ۱۲ اسفندماه ۱۳۵۸

# دادگاههای انقلاب باید امکانات دفاعی متهم را

## فراهم کنند

قم - دیروز اطلاعیه ای از  
سوی شورای دفتر اعزام قضات  
حوزه علمیه در رابطه با لزوم  
امکانات دفاعی و گرفتن وکیل  
در مراحل رسیدگی در  
دادگاههای انقلاب انتشار یافت.  
متن اطلاعیه چنین است :

بسمه تعالی  
بدین وسیله شورای دفتر  
اعزام قضات حوزه علمیه قم  
به اطلاع میرساند همانطوری که  
در بخشنامه مورخ ۵۸/۱۲/۲۴  
که از طرف حضرت آیت الله  
منتظری و آیت الله مشکینی  
منتشر شد تصریح گشته کلیه  
دادگاههای انقلاب بر اساس  
دستورات اسلام و توصیه رهبر  
انقلاب حضرت امام خمینی  
مدظله باید همه گونه امکانات  
دفاعی و گرفتن وکیل و فرصت  
لازم را برای دفاع متهمین  
منظور داشته و نیز باید مسئولین  
دادگاههای انقلاب در برخورد  
بامتهمین و صدور احکام دقیقاً  
موازین و اخلاق اسلامی و  
انسانی را مراعات کنند .  
بنابراین بانوجه به تقعی بودن  
احکام دادگاههای انقلاب که  
جویا شوند .

تاکید بر رعایت اخلاق اسلامی و این احکام صادره برای چه کسانی است؟

برای خلق یا دشمنان خلق؟

برای روشن شدن، به متن دو تلگراف که در پی می آید توجه کنید .

## تلگرام

حضرت آیت الله قدوسی  
دادستان کل انقلاب اسلامی ایران  
اوین

بموکل من تا کتون ظلم شده و او را از حقوق قانونی خود محروم نموده اند از حضرت عالی که در مسند قضا که مقام و کرسی پیامبران است نشسته ایست توقع دارم وفق قانون با فراهم نمودن امکان برخورداری موکل از حمایت قانونی جبران ملاقات شود و اصل بیطرفی مقام قضا رعایت گردد .

.....

با تقدیم احترام

رونوشت : حاکم شرع دادگاه اسلامی - اوین  
جمعیت حقوقدانان ایران

## تلگرام

جناب آقای ابوالحسن بنی صدر  
رئیس جمهور

تلگرام حاضر را پس از مراجعات مکرر به دادستانی انقلاب و عدم اخذ نتیجه بناچار برای جناب عالی ارسال مینمایم .

قریب ۹ ماه قبل آقای محمد تقی شهرام دستگیر گردیده و تا کتون نیز بدون اعلام هیچگونه بزهی در زندان بسر میبرد . شش ماه قبل خانسواده آقای شهرام مرا بعنوان وکیل جهت تعقیب پرونده و دفاع از ایشان تعیین نمود .

باوجود مراجعات مکرر هنوز نتوانسته ام با ایشان ملاقات نمایم و معلوم نیست چه مصلحتی اقتضا دارد که بدون تمهید مقدمات قانونی و استفاده از وکیل برای امر دفاع در این شرایط حساس انتخابات ناگهان اعلام شود که موکل بزودی محاکمه خواهد گردید .

از آنجائیکه محمد تقی شهرام دارای سابقه طولانی مبارزه علیه استعمار و استثمار دولت ایلات متحده آمریکا در ایران از طریق استقرار رژیم شاهی در کشور ما بوده است و از آنجائیکه قضاوت نیازمند محیط آرامی است کسه

احتراما باستحضار میرسانم طی ششماه گذشته که بعنوان وکیل خانواده محمد تقی شهرام برای تعقیب پرونده مشارالیه مراجعات مکرر به آن دادسرا داشته ام فقط یک بار موفق به ملاقات با حضرت عالی شده ام کسه متاسفانه حتی از قبول وکالتنامه هم خود داری فرموده و به حداقل حقوق یک نفر متهم که حق داشتن ملاقات است بی توجهی شده است ، ناگزیر مراتب ذیل را تلگرافی اعلام میدارم :

۱ - با توجه به ماده ۲ آئین نامه دادگاهها و دادرهای انقلاب مصوب ۲۷/۳/۵۸ شورای انقلاب اسلامی و تبصره ذیل بند ۵ ماده مذکور موکل متهم بازتکاب جبری نشده که رسیدگی به آن در صلاحیت دادسرای انقلاب باشد .

۲ - وفق بند ۷ ماده چهار قانون مذکور ( . . . هر متهم حق تعیین یک وکیل ایرانی را خواهد داشت . . . )

۳ - اصل سی و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق تعیین وکیل را تصریح نموده و حتی در صورت عدم استطاعت دولت را مکلف بفراهم کردن امکان استفاده از خدمات وکیل نموده است .

۴ - اصل نوزدهم و بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مردم را در مقابل قانون مساوی میداند علیهذا اگر حق ملاقات برای زندانیان شناخته شده تبعیض در آن خلاف قانون است .

۵ - در ماده ۳۲ آئین نامه دادگاهها و دادرهای انقلاب حتی برای کسیکه مجرم شناخته و به اشد مجازات محکوم گردیده حق ملاقات شناخته شده چگونه دادسرا این حق را از یک متهم دریغ میکند .

حضرت آیت الله قدوسی

بدلائل مذکور و هزار و یک دلیل دیگر که احصاء آن لازم نیست



و اما بیینیم بازند انیان ضد خلقی چگونه رفتار میشود .

**کیهان** دوشنبه ۶ اسفند ماه ۱۳۵۸

مورد اعتراض شدید مردم و جامعه روحانیت قرار گرفته

### به ۳ ساواکی زندانی در خرم آباد مرخصی دادند!

**کیهان** شنبه ۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۸

حاکم شرع خرم آباد :

### مرخصی دادن به زندانیان کار انقلابی و اسلامی است

خرم آباد - حجت الاسلام محمد محمدی رئیس دادگاه انقلاب و حاکم شرع خرم آباد در گفتگویی علت مرخصی دادن به سه نفر از زندانیان سیاسی این شهر را تشریح کرد. وی گفت: مزاین کار را انقلابی و اسلامی میدانم و با در نظر گرفتن اینکه کارهای ما و حتی زندانهای ما باید اسلامی باشد باین کار دست زدم و از این بابت بسیار خوشحالم. وی اضافه کرد: این افراد بامسئولیت رئیس زندان و اینکه خود من اطمینان داشتم که آنها بعد از اتمام مرخصی به زندان باز میگردند بامرخصی این ۳ تن موافقت کردم. حجت الاسلام محمدی که باخبرگزاری پارس گفت و گو می کرد گفت: افرادی در این شهر وجود دارند که میخواهند نقطه ضعفی از داه گاه انقلاب خرم آباد بدست بیاورند و خیال خودشان بمرخصی دادن به زندانیان برای ما نقطه ضعفی بوده است، آنها این مسئله را بزرگ کرده اند و حتی دست به یک کار خلاف شرع زدند و در زندان شهر بانی متحصن شدند، من کار این افراد را محکوم می نمایم. وی در پاسخ باین سؤال که آیا در دین اسلام مرخصی دادن به زندانی مجاز است یا نه گفت: در اسلام تاکید شده که بدوست و دشمن باید ارفاق کرد، در ضمن از نظر اسلام و قانون اساسی قاضی در رای و تصمیم مستقل است. حجت الاسلام محمدی در مورد مصادره اموال سرمایه داران در خرم آباد گفت: در مصادره اموال، دادگاههای انقلاب، اختیاراتی دارند و طبق این ضوابط دادگاههای انقلاب میتوانند اموال خاندان منور پهلوی و وابستگان به آنها را مصادره کنند اما در مصادره اموالی که از راههای نامشروع مسانند قمار و حیف و میسل بیت المال بدست آمده باید از نظر اسلام ثابت شود و پس از اثبات دولت میتواند این اموال را مصادره کند.

برای متهم امکان برخورداری از حداقل حمایت قانونی و امکان دفاع فراهم باشد و از آنجائیکه در شرایط فوق العاده آقای رئیس جمهور حق دارد از مقامات قضائی بلحاظ حفظ حقوق متهم در مقابل آثار و نتایج افکار عمومی برانگیخته شده درخواست تعویق جلسه دادرسی را بنماید .

لذا استدعا دارم بدادستان انقلاب توصیه فرمایند که قبل از ملاحظه پرونده توسط اینجاناب و احیاناً رفع نواقصی که در مرحله تحقیقات موجود است از ارسال پرونده به محکمه خود داری نمایند ، زیرا در این شرایط اینگونه محاکمات وسیله جنجالهای تبلیغاتی گروههای مختلف و تشدید جو فشار بر افکار عمومی قرار خواهد گرفت و امر قضاوت را از مسیر درست منحرف خواهد نمود .

باتقدیم احترام

رونوشت :

- دادستان کل انقلاب اسلامی ، اوین
- جمعیت حقوقدانان ایران
- روزنامه بامداد ، اطلاعات و کیهان .

### اطلاعات یکشنبه ۲۸ بهمن ماه

نامه تبعید شدگان سقز عده ای از تبعیدشدگان حوادشکردستان از شهرستان سقز در نامه ای به پیشگاه امام خمینی خواستار رفع تبعید از خود شده اند و اعلام کرده اند محاکمه آنان بابهیچکدام از اصول قانونی و اسلامی مطابقت نداشته است .

# همای مبارز

نشریه عده‌ای از کارگران شماره ۳  
 هواپیمایی ملی ایران . با .

## آزادی ساواکی‌ها و جنایتکاران و محاکمه و انقلابی!!!

بعد از عفو امام خمینی، در حالیکه دسته دسته از ساواکی‌ها و جنایتکاران وابسته به رژیم جنایتکار شاه خائن آزاد میشوند، همانهایی که تا ۱۰ ماه پیش پاکترین فرزندان انقلابی خلق ما را به تخته شلاق میبستند زیر شلاق سیاه میکردند، روی اجاق میسوزاندند و تکه تکه میکردند، همانهایی که دستهای جنایتکارشان از خون پاک شهیدان بخون خفته و لگسون گفن ما رنگین شده بود.

آری، این جنایتکاران دیوصفت آزاد میشوند ولی هیئت حاکمه ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی میخواهد "محمد رضا سعادت" از "سازمان مجاهدین خلق ایران" و "محمد تقی شهرام" از "بخش منشعب (م.م.ل)" از این سازمان را بمحاکمه بکشاند در رژیمی که دیگر هیچ جنایتکار و ساواکی در زندان نیست و همه را یا به کار گرفته اند و یا آزادانه میگردند.

در رژیمی که ساواکی‌های جنایتکارانه فقط محاکمه و بزدان کشیده نمیشوند، بلکه میتوانند کاندیدای ریاست جمهوری هم بشوند!

در چنین رژیمی، باید هم محمد رضا سعادت و محمد تقی شهرام که سابقه چندین ساله مبارزه با رژیم شاه خائن را داشتند به بند کشیده و سپس از چندین ماه زندانی بودن محاکمه کنند، بخاطر چچی؟ بخاطر مبارزه با رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا.

اینست همان "حکومت عدل اسلامی" که وعده‌اش را میدارد و ادعا می‌کند؟ ننگستان باد!

## کیهان سه‌شنبه ۲۸ اسفند ماه ۱۳۵۸ کارکنان ساواک منحل در مقابل نخست‌وزیری اجتماع کرده و خواستار عیدی و پاداش شدند

روز گذشته کارکنان ساواک منحل و تعدادی از خانواده‌های معنومین این سازمان در مقابل نخست‌وزیری اجتماع کرده و خواستار گرفتن عیدی و حقوق بودند.

در اجتماع دیروز خانواده کارکنان معنوم و کارمندان ساواک منحل فریاد میزدند «ما حقمان را میخواهیم! یکی از کارمندان ساواک میگفت: ما سه هفته‌است که به نخست‌وزیری مراجعه میکنیم و کسی به کار ما رسیدگی نمیکند. شخص دیگری که به ادعای خودش آثار شکنجه بروی بدنش باقی مانده بود باین مأمور سابق گفت: آیا با سابقه پانزده سال خیانت موقوف کردند.

آقای باین خانم معترض گفت: خواهر بهتر است بروی خودت را به «خانواده شهدا» معرفی کنی! مقامات نخست‌وزیری رسیدگی به کار این گروه را به فروردین موکول کردند.

## کیهان پنجشنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۳۵۹

### رسیدگی به پرونده کلیه ساواکی‌ها آغاز شد

سرپرست روابط عمومی نخست‌وزیری امروز در تماس با کیهان گفت:

چون طبق ماده واحده مصوبه شورای انقلاب تعیین تکلیف کارکنان ساواک منحل به نخست‌وزیری واگذار شده است نخست‌وزیری بر پایه ضوابط و اصول ویزمای بررسی پرونده استخدامی کلیه کارکنان ساواک منحل را آغاز خواهد کرد. و پس از آن با تهیه اصول و ضوابط ویژه‌ای که در نظر گرفته شده‌است و تصویب آن نسبت به بازخرید کارمندان ساواک منحل اقدام خواهد شد.

# دست کارگزاران رژیم جمهوری اسلامی

## به خون زندانیان سیاسی مبارزو انقلابی

### نیز آغشته گشت

دستگیری و اعدام مخفیانه چهار تن از فرزندان خلق دلیبر ترکمن شیر محمد درخشنده توماچ ، عبد الکریم مختوم ، طواق محمد واحدی و حسین جرجانی ، برگ ننگین دیگری است بر کارنامه دولت ضد خلقی جمهوری اسلامی و خبر از توطئه شومی میدهد که برای خلقهای ماندگار دیده اند .

مزدوران جدید سرمایه در ادامه سرکوب خلقهای کردستان ، گنبد ترکمن و ... و عدم موفقیت در اهداف خود و شکستن فریاد حق طلبان نه و مبارزات قهرمانانه آنها با این اندیشه که با کشتار نمایندگان خلقها مانع مبارزات توده های گشته و قادر به تثبیت خود گردند ، پس از دستگیری این چهار رزمنده خلق به اعدام ناخوانمرانه آنها بدون تشکیل هیچ دادگاهی و بدون هیچ مدرک جرمی دست یازیدند . جنایتی که در کارنامه شاه ضد خلقی و اسلاف پیشین حاکمان جدید بیسابقه نبوده و در ازان انتظار نمی توانست باشد . اما اگر چنین جنایتی در زمان رژیم خونخوار پهلوی پس از ۳۰ سال حکومت جنایت با رخ میدهد و یک گروه ۹ نفری از رزمندگان خلق ما با چنین شیوه ناخوانمرانه ای به قتل میرسند ، اما در حکومت جمهوری اسلامی یکسال بعد از قیام شکوه مند خلق ، ما شاهد دستگیری فرزندان خلقمان و اعدام آنها به شیوه های آریامهری می باشیم . اگر شاه خائن پس از به آتش کشیدن سینما رکس آبادان بدست عوامل خود

این جنایت وحشتناک را به یک گروه موهوم نسبت داد ، دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی و کاربرد ازان آن ، این جنایت هولناک را هر کس دام بنوعی و با کند ذهنی تمام به گروه های متعدد و موهومی نسبت دادند تا شاید دستهای آلوده خود را پنهان ساخته و از محضر ادگاه توده ها رهائی یابند . اما توده های قهرمان ما در طی مبارزه پیکار جویانه اش بر علیه رژیم مغفور پهلوی ، همه این شیوه های فاشیستی را تجربه نموده و با این نیرنگها آشنائی دارد ؟ و بخوبی آگاه است و اجازه نخواهد داد که کارگزاران رژیم جدید که با کشتار خلقهای ما و نمایندگان آنها همدستان ایجاد سلطه و دیکتاتوری جدید برای حفظ سیستم سرمایه داری به امپریالیسم است در اهداف شوم خود موفق گردند .

ما بعنوان کمیته پشتیبانی از زندانیان مبارزو انقلابی با گردآوری بعضی جعلیات و اخبار ضد و نقیض که از جانب کارگزاران این رژیم بمنظور تطهیر خود و فرار از ارتکاب این جنایت هولناک در جراید درج نموده اند ماهیت فریبکار آنها را برملا ساخته و بهمراه کلیه نیروهای انقلابی ، دولت جمهوری اسلامی را که با دستگیری این رزمنده خلق و نادیده گرفتن حقوق زندانیان سیاسی و کشتار ناخوانمرانه آنها بدون دلیل و محاکمه سعی دارد بر دستاوردهای قیام خلق ما خط بطلان کشد محکوم نموده و خواستار تحقیق در چگونگی دستگیری و محاکمه و شهادت این دلاوران خلق و محاکمه و مجازات عاملین این جنایت بدست توانای خلق می باشیم .

کمیته پشتیبانی از زندانیان انقلابی و مبارز :

و حال بر جراید میهنمان و اخبار ضد و نقیض مقامات دولتی و مسئولین جمهوری اسلامی در باره این جنایت هولناک نظری میافکیم .

# چهارتن از سران ترکمن بقتل رسیدند

بجنورد - بمباد چهارتن از سران کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن که بهنگام درگیریهای گنبد توسط پاسداران دستگیر شده بودند، در زیرپای در جاده بجنورد - گنبدینا شد. هنوز از چگونگی کشته شدن این عده که به ضرب گلوله به قتل رسیده اند، اطلاعی در دست نیست.

درجاده بجنورد - گنبد و در ۱۲۵ کیلومتری بجنورد مشاهده شد. این رهگذر جریان را به پاسگاه ژاندارمری و رباط قریبی اطلاع داد. پس از اطلاع یافتن گروهان ژاندارمری بجنورد از این حادثه، صبح روز سهشنبه هفته گذشته بازپرس، پزشکی قانونی و فرمانده گروهان و پاسگاه ژاندارمری بجنورد به محل حادثه رفتند و پس از انجام تحقیقات، اجساد را به بجنورد

انتقال دادند. پزشک قانونی پس از معاینه اجساد اعلام کرد که مقتولین بر اثر اصابت گلوله کشته شده اند. برادر یکی از مقتولین گفته است: «کشته شدگان از سران ستاد خلق ترکمن بودند و پس از دستگیری این عده دیگر اطلاعی از سرنوشت آنان در دست نبود تا اینکه مطلع شدیم که آنها کشته شده اند.»

دوشنبه ۶ اسفند ماه ۱۳۵۸

**\* این عده احتمالا در جریان زدو خورد های گنبد کشته شده و اجساد آنها توسط فدائیان به زیر پل انداخته شده است. \* در گنبد من کسی را محاکمه نکرده ام چه رسد به اعدام**

جریانات را نماینده فدائیان خلق اعزامی از تهران به نام آقای «علی فرخنده چهرمی» در میان گذاشتام. و آنها میدانند در مورد مطلبی که در جریان گذشته راجع به کشته شدن ۴ نفر از سران ستاد خلق ترکمن نوشته شده است، من هیچ گونه اطلاعی ندارم و حتی بازداشت شدن آنها را بوسیله

عقب نشینی از معرکه بسدر برده اند و پس از فروکش کردن زدو خورد و شکست کامل ستاد خلق ترکمن آنها خود جنازه ها را در سر راه انداخته و فرار نموده اند.

کمان دوشنبه ۶ اسفند ماه ۱۳۵۸

استاندار مازندران :

# ۴ رهبر مقتول ستاد خلق ترکمن در اختیار سپاه پاسداران بودند

کند و چگونگی آنرا اعلام کنند.

من فقط بطور ضمنی اطلاع دارم که آنها را به تهران برده و بازگشت ناده اند. حتی نمیدانم آنها را در تهران به کجا برده اند. نمیدانم کدر برگشت از تهران کشته شده اند یا در تهران، و من در این مورد مدرک روشنی از عملکرد سپاه ندارم. ولی قاعدتا باید از طریق سپاه به تهران منتقل شده باشند، بهرحال این موضوع در ردیف اقدامات من نبوده ولی از دادگستری خواهم خواست که این مسئله را پیگیری کنند.»

استاندار مازندران در مورد تعداد زندانیانی که در گنبد دستگیر شده اند و تعدادی از آنان را که به تهران منتقل کرده اند اظهار بی اطلاعی کرد. و در مورد چهار تن از سران کانون فرهنگی، سیاسی خلق ترکمن گفت: گویا این چهار نفر را از طریق سپاه پاسداران به تهران برده بودند و دوباره از تهران برگردانده شده اند. من در سمینار استانداران که بودم از طریق یک تلفن گرام مطلع شدم که اجسادشان در جاده ای پیدا شده است. ما این مسئله را به تهران اطلاع داده ایم و مقامات قضایی باید قضیه را تعقیب

کمان دوشنبه ۶ اسفند ماه ۱۳۵۸

# سپاه پاسداران گنبد از چگونگی کشته شدن رهبر ستاد خلق ترکمن اظهار بی اطلاعی کرد

بی اطلاع بودند، تا اینکه باخبر شدیم که اجسادشان در جاده ای پیدا شده است. وی افزود: مسئول سپاه استان برای روشن شدن این مساله و مذاکره با مسئولان کل سپاه به تهران رفتند تا مسئله را بررسی کنند و با اطلاع آقای رئیس

بنی صدر رئیس جمهوری کشور تا ظهر امروز با انتشار اطلاعیه ای روشن خواهد شد. وی در این مورد توضیح داد: این مساله برای ما هم پیچیده و مبهم است و اغلب اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گنبد نیز از این مساله

یکی از مسئولان سپاه پاسداران گنبد صبح امروز در گفت و گوئی با کمان پیرامون چگونگی کشته شدن چهارتن از رهبران کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن گفت این مساله با حضور مسئولان سپاه در تهران و اطلاع

جمهوری تا ظهر امروز با انتشار اطلاعاتی تمام شبهات را برطرف می کنند و تمام جریانات این مسئله در اطلاعیه سیاه که تا ظهر امروز منتشر میشود، نوشته شده است، سؤال شده: استانداری مازندران در گفتگوئی با کیهان اعلام کرد که این چهار نفر توسط اعضای سپاه پاسداران به تهران برده شده و سپس آنها را به گنبد بازگردانده اند، نظر شما چیست؟ مسئول پاسداران گنبد در جواب گفت: ما هم تا اینجا مسئله را میدانیم ولی خبر نداریم که چه اتفاقاتی در میان راه افتاده است، زیرا پاسدارانی که این عده را به تهران برده و بازگردانده اند، خودشان در درگیریهای گنبد در سنکر شهید

شده اند. وی افزود: سره مساله درگیریهای گنبد این چهار نفر در میان درگیری و زد و خورد های گنبد به تهران اعزام شدند نه بعد از درگیری و اضافه کرد که روی مساله تحقیقاتی شروع شده برسر چگونگی آن تحقیق ادامه دارد.

**کیهان سه شنبه ۲ اسفند ماه ۱۳۵۸**

اگر افرادی از سپاه در قتل رهبر ترکمن دست داشته باشند به مردم خواهیم گفت و آنها را به دادستانی انقلاب معرفی خواهیم کرد.

بعد از پایان سخنان سخنگوی سپاه پاسداران یکی از خبرنگاران گفت: توضیحاتی راجع به این فقره که کشته شده اند و گفته میشود از رهبران ستاد خلق ترکمن بوده اند بدهید و شایعه اینکه میگویند این فقره از سوی پاسداران کشته شده اند تا چه حد صحت دارد؟

سخنگوی سپاه پاسداران گفت: اصولاً سپاهیان پاسدار همواره وظیفه دارند که از ولایت فقیه و اطاعت از احکام شرعی حکام شرع که یکی از اصول اعتقادی سپاهیان پاسدار است - اطاعت نمایند در مورد این شایعه باید بگویم که از طرف فرماندهی سپاه گروه ویژه ای مامور رسیدگی به این مسئله شده اند و در فرصتهای آینده ما مردم را در جریان کارهای انجام شده و نتیجه تحقیقات بررسیها قرار خواهیم داد. این شایعه که میگویند افراد سپاه خود سرانه دست به اعمال زده اند يك شایعه بیس نیست، اگر هم خطایی صورت گرفته باشد و افرادی از سپاه در این جریان دست داشته باشند بدون پرده پوشی مطالب را در اختیار مردم قرار خواهیم داد و این افراد را به دادستانی کل انقلاب معرفی خواهیم کرد.

**کیهان سه شنبه ۷ اسفند ماه ۱۳۵۸  
(فدائیان ترکمن) قتل چهار رهبر ترکمن را به عهده گرفتند**

کیهان

**نظر چریک های فدائی در مورد اعلامیه فدائیان ترکمن**

در پی اعلام خبر مربوط به ترور رهبر ترکمن که مسئولیت آنرا گروه فدائیان ترکمن به عهده گرفته بود - سازمان

گروهی تحت عنوان «فدائیان ترکمن» که مدعی پیروی مشی مسلحانه و راه مسعود احمدزاده هستند طی صدور اطلاعیه ای، قتل چهار رهبر ستاد خلق ترکمن را بعهده گرفتند،

**کیهان چهارشنبه ۸ اسفند ماه ۱۳۵۸**

**اظهارات آیت الله خلیجی**

\* حدس زده می شود که کشته شدن عوامل ستاد خلق ترکمن، زیر سر طرفداران اشرف دهقانی باشد. حدس کلی زده می شود که کشته شدن عوامل ستاد خلق ترکمن که با اشرف دهقانی به مخالفت برخاسته بودند زیر سر طرفداران اشرف دهقانی باشد. البته مقامات مسئول مشغول بررسی و تحقیق هستند که بدون در نظر گرفتن گرایش ها و گروه بندیها حقایق را به سمع ملت ایران خواهند رسانید.

**کیهان پنجشنبه ۹ اسفند ماه ۱۳۵۸**

**سپاه پاسداران: مهاجمان مسلح عضو خلق ترکمن را ربوده و بقتل رسانده اند**

کیهان یکشنبه ۱۳ اسفند ماه ۱۳۵۸ دادستان انقلاب اسلامی مازندران:

**۲۳ مقتول گنبد از سینه به بالا تیر باران**

\* از کارهایی که در زمان اقامت آقای خلیجی در منطقه صورت گرفته گزارشی دارم که فعلاً چیزی نمی گویم.

کرد چرا آنرا به فرماندار نکشید و اگر گفتید چرا ترتیب اثری ندادند لذا باید قبول کنید که هر دو ناپختگی کردند. دادستان انقلاب مازندران افزود: من پس از درگیریهای گنبد سه روز در آنجا و روستاها به تحقیق پرداختم و مدارک بدست آمده را در اختیار استانداری و سپاه پاسداران گذاردم و در مورد این تحقیقات و نیز کارهایی که در زمان اقامت آقای خلیجی در این منطقه صورت گرفته گزارش دارم که فعلاً نظر به احترام قدرت مرکزی چیزی نمیگویم و لابد در میزگردی که آقای رئیس جمهور قرار است تشکیل بدهند مطالبی را که لازم است خواهند گفت. ولی اگر حقایق واقعیت گفته نشود من بر حسب وظیفه شرعی خواهم گفت.

های هوادار و وابسته به سازمان چریکهای فدائی خلق با اجازه فرماندار گنبد صورت گرفته بود گفت: اگر بین نهاد های انقلابی هماهنگی وجود داشت حادثه گنبد رخ نمیداد. وبعد از وقوع حادثه هم البته هر کس برای توجیه خودش حرفهایی میزند تا خود را تبرئه کند. ولی من این را نمیگویم که اگر اجازه رامپیمائی بسا تحقیق صادر شده بود چرا بعدا خواستند از آن جلوگیری شود و اگر با تحقیق بوده و بسا مسلم شده بود که توطئه وجود دارد چرا اجازه صادر کرده بودند. دادستان کل انقلاب اسلامی مازندران افزود: در این زمینه باید از سپاه پاسداران گنبد پرسید اگر تحقیقات شما وجود توطئه ای را ثابت می-

ساری - سید مهملی طباطبائی دادستان انقلاب اسلامی استان مازندران دیروز در مورد حوادث گنبد گفت: درگیری های خونین گنبد معلول عدم هماهنگی در اتخاذ تصمیم بین فرماندار و سپاه پاسداران و دادستانی انقلاب گنبد بوده است. وی یاد آور شد که بسیاری ریشه یابی این درگیریها و نیز چگونگی قتل مرموز ۲۳ تن در پی این حوادث سه هیئت نمایندگان از جانب ریاست جمهوری، دادستانی انقلاب اسلامی مازندران و حقوقدانان کشور سرگرم تحقیق و بررسی در منطقه است. طباطبائی در گفتگویی اختصاصی با خبرنگاری پارس با تأیید این مطلب که راه - پیمائی نوزدهم بهمن ماه گروه

## ضد خلق آزاد میگردد و

### فرزندان انقلابی و مبارز خلق به بند کشیده می شوند

اظهار میشود که چون جرائم آنها سنگین است ما در صدد تشکیل دادگاهی برای آنها می باشیم و بهمین مناسبت از دادن ملاقات امتناع می ورزند . همچنین در جریان تظاهرات بیکاران شهر درود عده زیادی دستگیر گردیده اند که محکومیت عده ای از آنها از این قرار است .

- ۱ - مرتضی دژ آگاه کارگر ۲۳ ساله حکم اعدام .
- ۲ - حسن فاتحی ۲۳ ساله اعدام .
- ۳ - اسماعیل یار محمدی کارگر شیشه بر ۲۳ ساله حبس ابد .
- ۴ - رضا خشنود کارگر چراغ ساز ۱۸ ساله حبس ابد .
- ۵ - اسماعیل اعلائی نوار فروش کنار خیابان ۲۳ ساله حبس ابد .
- ۶ - مسعود فریدونی ۲۰ سال زندان

دستگیری ، زندان و اعدام مبارزین و کارگران و زحمتکشان در رژیم جمهوری اسلامی و الطاف روز افزون این رژیم نسبت به ساواکیها و عوامل رژیم پهلوی چندان دور از انتظار نمی باشد . چرا که این رژیم حامی سرمایه برای حفظ منافع سرمایه داران و وابستگان به امپریالیسم و بنظر استعمار هر چه بیشتر توده ها و جلوگیری از فریاد حق طلبانه آنها و اعتراضات زحمتکشان به ایجاد ارگانهای سرکوب و استفاده از عناصر کسار کشته ای چون ساواکیها که طی سالیانی چند که قابلیت و کار آئی خود را در سرکوب خلقها در زمان رژیم منقر پهلوی به اثبات رسانده اند نیاز مند است و بهمین جهت از یکطرف کینه و عداوت خود را نسبت به خلق ما و حامیانش گسترش می دهد و به دستگیری و زندانی نمودن آنها می پردازد و از طرف دیگر برای ایجاد دل خوشی و عدم دل سردی ، عاملین ترور و وحشت و سرکوب توده ها آنها را مورد عنایت قرار می دهد .

ما ضمن افشاء ماهیت ضد خلقی این رژیم باصطلاح طرفدار مستضعفین که همواره در جهت سرکوب خلقها و نمایندگانشان کوشیده است ، دستگیری این فرزندان مبارز را محکوم نموده و از نیروهای انقلابی و مبارز می خواهیم تا آزاد سازی آنها از بندهای رژیم جمهوری اسلامی از پای نشینند .

در آستانه سال جدید که با فرمان عفو عمومی رهبر انقلاب بمنظور آزادی ساواکیها و مزدوران رژیم شاه خائن ، گروه گروه عاملین ترور و وحشت و سرکوب توده های مردم به لطف جمهوری اسلامی از زندان خلق ما آزاد گردیدند و حاکمین شرع در سراسر کشور با جدیت تمام به آزاد سازی دشمنان خلقها و تخلیه زندانها از این عنا صر خائن پرداختند ، عده ای از فرزندان مبارز خلق بجهت فعالیتهای آگاهگرانه خود در بین توده های خلق دستگیر و زندانی گردیده اند .

مسعود انوری و فریدون ذوالفقاری دو تن از دانشجویان دانشگاه صنعتی و از هوا داران "گروه اتحاد مبارزان کمونیست" در تاریخ ۱۲/۲۰ و عبدالله نونهال و هادی باغدار حسینی از هوا داران "سازمان بیکار ... " در تاریخ ۱۲/۲۶ در جریان پخش اعلامیه های انتخاباتی و افشاگرانه نیروهای مشرق دستگیر و زندانی شده اند .

پس از دستگیری آنها مسئول مددکاری دانشگاه صنعتی بیکار در تاریخ ۲۸ اسفند و بیکار در تاریخ ۱۶ نورددین برای ملاقات و جویا شدن از وضع این دانشجویان به زندان اوین مراجعه میکند که هر دو بار از دادن ملاقات بوی خود داری میشود و تاکید میگردد که جرائم آنها سنگین است و به اعتراض مسئول مددکاری مبنی بر اینکه پخش اعلامیه امر ممنوعی نیست که جرم آنها سنگین باشد و هر روز توسط گروه های مختلف آزادانه انجام میگردد وقتی نمی نهند .

پس در تاریخ ۲۲ فروردین ماه بار دیگر از طرف شورای هماهنگی دانشگاه صنعتی به زندان اوین مراجعه میشود و باز هم از طرف مسئولین

\* کمیته پشتیبانی از زندانیان انقلابی و مبارز \*

اخيرا از درون زندانهای رژیم جمهوری اسلامی خبر می رسد محمد یزدانیان مبارزی که مدت ۱۰ سال بطور حرفه‌ای به مبارزه با رژیم پهلوی مشغول بود و چندین ماه است بجزم پخش اعلامیه و کار آگاه گرانه سیاسی توسط عمال جمهوری اسلامی دستگیر گردیده است همزمان با فرمان عفو عمومی ساواکیها دوباره به زندان انفرادی منتقل گردیده و تاکنون نیز هیچگونه ملاقاتی بوی نداشته اند .

ما با افشاء مدرکی از دفتر ساواک فارس که حاکی از کوشش شدیدی رژیم خائن شاه برای دستگیری این رزمنده می باشد ، به توده‌های خلق توجه می دهیم که رژیم جمهوری اسلامی با دستگیری این فرزندان رزمنده که ساواک موفق به دستگیری شان نشده ادامه دهنده راه چه کسانی است و از همه نیروهای مبارزی خواهیم به افشاء ماهیت ضد خلقی این رژیم برداخته و این شیوه‌های ضد خلقی را محکوم نمایند .



تاسا و سرطب و ریاست شهر باور گنبد کاووس  
 تاریخ ۱۳۴۴/۱۲/۲۴  
 شماره ۵۸/۱۲/۲۷  
 دربار محمد یزدانیان فرزند علی اکبر شنا ۲۸ متولد  
 ۱۳۲۷ کاشان دانشجوی سابق رشته شیمی دانشگاه  
 صنعتی آریانه  
 با ارسال بدفترمه مکن تا سرده بالا کارفرمایان مبارزان  
 میباشد و دستور فرمایند ضمن مراقبت های لازم  
 در صورت مشاهده نسبت به دستگیری و امر اوری این کسبه اقدامات  
 مقتضی صورت فرمایند . روز

رئیس کسبه مشترک فد خرابکاران و تابستان فارس کسبه  
 ریاست شهر باور گنبد کاووس  
 تاریخ ۱۳۴۴/۱۲/۲۴  
 دربار محمد یزدانیان فرزند علی اکبر شنا ۲۸ متولد  
 ۱۳۲۷ کاشان دانشجوی سابق رشته شیمی دانشگاه  
 صنعتی آریانه  
 با ارسال بدفترمه مکن تا سرده بالا کارفرمایان مبارزان  
 میباشد و دستور فرمایند ضمن مراقبت های لازم  
 نسبت به دستگیری و امر اوری این کسبه اقدامات  
 مقتضی صورت فرمایند . روز

نیروهای انقلابی و مبارز!

مدت هشت ماه است که منوچهر قنوتی ، دانشجوی دانشکده علوم دانشگاه جندی شاپور ، در زندان بسر میبرد ، بدون آنکه حتی جرمش توسط دادگاه باصلاح انقلاب اعلام شده باشد و اخیرا نیز بدون محاکمه او را به حبس ابد محکوم کرده اند .

به همین مناسبت نیز روز دوشنبه ۵۸/۱۲/۲۷ از طرف خانواده منوچهر قنوتی میتیگی در مقابل بانک بازرگانی سر بندر برپا گردید . در این مراسم خانواده منوچهر قنوتی و هم چنین یکی از رفقای وی که در تابستان ۵۸ دستگیر شده بود ، پرده از روی توطئه تنگیی که در تابستان گذشته علیه تغذادی از جوانان سر بندر از جمله منوچهر صورت گرفته برداشتند .

آنها همچنین توطئه مقامات حاکم علیه یکی از جوانان مبارز سر بندر یعنی عبدالحسین (غلام) راشدی را که منجر به اعدام وی در تابستان گذشته شد شدیداً محکوم کردند .

روز شنبه ۵۸/۱۲/۱۱ با سداران بادر دست داسی لیستی که شامل ۱۴ نفر از نمایندگان و کارگران مبارز میبود آن بود . بانک مبی بوسی جلوس و بیس کارخانه رفنه ربکمک مثنی مزدور و عوامل کارفرما و سیر عنا صرتا ۱۱۵ صرا کارگران مبارز را دستگیری کنند و دستگیری همچنان ادامه دارد .

# توطئه ارتجاع را

## افشاء کنیم!

ظرف روزهای یک شنبه ۷ اسفند ماه در حدود ۷۰ نفر از جوانان خلق عرب دستگیر شده‌اند. در بین دستگیر شدگان "عبودی، دبیر کانون فرهنگی و وهابیه مهدی، عامر، و... وجود دارند.

این افراد را بجرم ارتباط با حادثه بمبگذاری در خرمشهر که اخیراً رخ داد و منجر به قتل چند نفر گردید دستگیر کرده‌اند. نشانه‌های بارزی وجود دارد که حکم محکومیت این افراد را بر اساس سابقه مبارزاتی آنها صادر خواهند کرد. ارتجاع حاکم باز هم در تلاش است تا عده‌ای از جوانان مبارز خلق عرب را بر اساس اتهامات واهی از قبیل بمبگذاری... به جوخه اعدام بپارند. ما همچنانکه بارها اعلام کرده‌ایم این حوادث و نظایر آنها از قبیل بمبگذاری در قطار و بازار سیف و مجامع عمومی به هیچ وجه نمی‌تواند کار فرزندان مبارز خلق عرب باشد.

بنظر ما این حوادث ساخته و پرداخته عوامل مرتجع محلی که تحت نفوذ رژیم ضد خلقی بعث عراق قرار دارند و یا ناشی از اختلافات مقامات محلی خوزستان بخصوص در زمان مدنی جلال بود.

ما از قبل در باره اعدام احتمالی این مبارزان به خلق عرب و مردم مبارز خوزستان هشدار داده و هرگونه محکومیت آنها را از طرف ادگانه‌های به اصطلاح انقلابی از قبیل محکوم می‌کنیم.

ما از نیروهای آگاه می‌خواهیم با افشای این عمل و حمایت از مبارزان در بند مانع تکوین توطئه احتمالی بر علیه این مبارزان شوند.

## وزیری، کارگروندان آزاد باید گردد!

وقتی خلقهای مبارز سیه‌مان در روز - های آخر حکومت ننگین شاه خائن برای رهایی فرزندان دلاور و درهای زندان را می- گشود، آیا فکری کرد که یکسال پس از فتنه و در حکومت جدید بسیاری از فرزندان دوباره در اسارت خواهند بود؟

آری در طی این نکسال و چند روزیکه از قیام مشکوهمندیها ما می‌گذرد، بسیاری از فرزندان دلاور خلق به اسارت درآمده، که وزیری شما بنده، مبارز کارگران پارس مینوی خرمدره یکی از آنهاست، وزیری سعادت تلاش - ها و مبارزاتی که در جهت خواستهای کارگران پارس مینو نموده است، از محبوسیت زیادی بین آنها برخوردار است. وقتی کارفرمای مزدور کارخانه برای خریدن وزیری مبلغ قابل توجهی پول و نیز یک ماشین به او پیشنهاد کرده و وی نیز پذیرفت، کارگران برای نشان دادن همبستگی خود و نیز نفرتشان از کارفرما خودشان پول جمع کرده و برای وزیری ماشین خریدند، آنها همچنین پس از دستگیری وی بحمايت از او ساعتها حاضری قزوی - زنجان را بستند.

وزیری در پیدا دگا ارتجاع به "اتهام" حمایت از منافع کارگران به سه سال زندان محکوم شد. حکم دادگاه به قدری مسخره بود که دادستان ابهر اعزاز کرده و می‌گوید: "برونده و که چیزی ندارد، چگونه به سه سال زندان محکومش کردید؟" و آنها پاسخ می‌دهند: "ا مکان دارد ۲۲۵ بهمن به او عمو بخورد!" ولی عوامل ارتجاع و حامیان سرمایه داران که خودشان خوب می‌دانند دستگیری وزیری توطئه‌ای بیش نیست دلیلی ندارد که آزادش کنند و دیدیم که نکردند!

آری وزیری به سه سال زندان محکوم میشود و غلام عباس شرفی، رئیس اداره های ساوا که آستارا، طبیات، رشت، انزلی و... نیز پس از آن همه حنا به تا زگی به سه سال زندان محکوم گردید. دردناک است وقتی بدانید که به حکم دادگاه مربوط به غلام عباس شرفی، در مدتی که این ساواکی در زندان است، دولت با بدما هیات مبلغ ۴۰ هزار تومان به خانواده او و بپردازد. آیا دولت ضد خلقی به خانواده‌های کارگرانی که به "اتهام" حق طلبی در اسارت سر می‌برند نیز مبلغی می‌پردازد؟

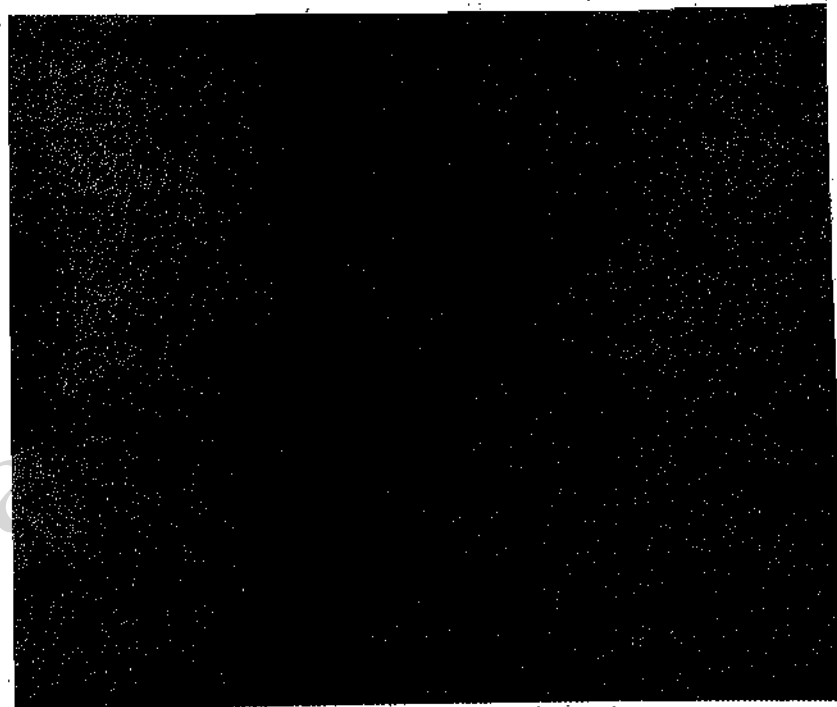
ما ضمن محکوم نمودن دستگیری و اسارت وزیری که توطئه مشرک سرمایه داران و دولت حامی آنهاست، خواهان آزادی بدون محدود شرط این کارگر مبارز می‌باشیم!

نابود یابد توطئه‌های ارتجاع و سرمایه داران وابسته

پیروز با دمبارزات حق طلبانه کارگران

## دستگیری کارگران مبارز مینو را محکوم می‌کنیم!





www.iran-8

یکی از زندانیان آزاد شده بر دوش بستگان خود و در میان استقبال صدها نفر در جلوی در زندان،  
خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی است.

عکس از بهمن

# زندانی سیاسی آزاد باید گردد



(( ۳ ))

کمیته یشتیمان، از زندانان انقلابی، به منادو

۲۵ ریال

زندانیهای جمهوری اسلامی  
همچون زندانیهای ساواک  
از انقلابیون و زحمتکشان نباشته میگردد

www.iran-archive.com

## فهرست

- ۱ - زندانهای جمهوری اسلامی همچون زندانهای ساواک از انقلاب تاکنون و زحمتکشان انباشته میگردد .
- ۲ - دو نامه از " محمد تقی شهرام " از درون زندانهای جمهوری اسلامی .
- ۳ - چند خبر از زندان .
- ۴ - مروری بر نشریات و اعلامیه های گروههای سیاسی و انقلابی .
- ۵ - دو اعلامیه از " کمیته پشتیبانی از زندانیان اسلامی و مبارز " .
- ۶ - دست عاملان ارتجاع و از جان فرزندان خلق کوتاه کنیم .

دگر بار خلق ما پس از قیام بهمن ماه و سازگشایی زندانهای قسرون وسطائی محمد رضاشاهی و آزاد سازی بهترین و آگاه ترین فرزندان انقلابی خود شاهد استفاده از این مکانها که بحق نشانه ای از ددمنشی و سفاکسی رژیم خائن پهلوی بود می باشد که توسط رژیم جمهوری اسلامی برای به بند کشیدن پیشروترین و آگاه ترین و مبارزترین فرزندان خلق ما مورد استفاده قرار میگردد . آری این زندانها که در اولین روز های پس از قیام به عنوان یکی از ارکان سرکوب شاه به عنوان سند جنایات او در تلویزیون به معرض نمایش در می آمد و خلق ما همچون افسانه های مخوف ترسناک به آن سلولها و زندانهای تنگ و تاریک می نگریست و خوشحالی و شادمانی خود را از تخریب این سلولهای قرون وسطائی و آزادی فرزندان نشان ابراز می داشت اکنون نیز همان فرزندان و همان گروههایی را در خود جا داده است و به بند کشیده است که در زمان شاه خائن مورد تعقیب بوده و به اسارت در می آمدند . آری اکنون زندانهای رژیم جمهوری اسلامی نه جایگاه شکنجه گران و ساواکی ها و عوامل رژیم پهلوی که عامل دستگیری گستر خلق ما بودند بلکه جایگاه همان گروههایی میگردد که در زمان پهلوی نیز مورد پیگرد بودند اگر آنروز قشر روشنفکر و آگاه جامعه ما به جرم آگاهی و آگاهانیدن و دفاع از حقوق خود و خلق خود مورد حمله و دستگیری واقع می گردید نامروز

نیز با توطئه های مختلف ، رژیم جمهوری اسلامی به دستگیری و اسارت ایسن فرزند آن مشغول است و با توطئه و یورش های گسترده به دست چپین کردن دانشجویان و استادان و معلمین آگاه جامعه ما می برد از ...

توطئه انقلاب فرهنگی که در اول اردیبهشت ماه راجد بدین جهت از یورش های گسترده رژیم بود که منجر به دستگیری و کشتار تعداد بسیار دانشجویان و استادان و آموزگاران ما در سراسر کشور و اخراج صدها بسیاری از استادان کار خود گردید . بنا به اصرار خود رژیم تنها در ۱۰ روز ۲۰۰ نفر را بسا یورش حساب شده خود دستگیر می کنند و حتی سه تن از بهترین فرزندان ما را در طی توطئه ای به اتهامات واهی و بدون رعایت حقوق منجم اقدام مینمایند . شهید امیر نوری ، دانشجویی و معتمدی قربانیان این توطئه هستند که بدون داشتن وکیل و حق دفاع از اتهامات مستحکم سیاسی اساسی که بپس آنها وارد گردیده است به اقدام محکوم گردیده اند . جرم دانشجویان دستگیر شده دفاع از حقوقی است که در طی مبارزات خود بدست آورده اند و تلاش برای داشتن دفاتر و مرکزی برای فعالیت های سیاسی که رژیم جمهوری اسلامی با نگرانی از این مراکز آگاهی و انتشاری تحت عنوان انجمن فرهنگی مسخره خود در صدد بستن و جمع آوری این دفاتر برآمده است با مقاومت دانشجویان مواجه گردید و منجر به دستگیری آنان شد . دستگیری های متعدد دانشجویان و استادان در شهرهای سراسر ایران یکی از توطئه های طرح ریزی شده ای بود که زندانها را مجدداً از این عناصر آگاه و اسلامی پر ساخت و ما بارها شاهد استبداد و در حواست خانواده های این زندانیان از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی و محکوم ساختن این عضو غیر دسوکراتیک از طرف گروه های سیاسی بوده ایم .

پرسنل انقلابی و مبارز ارتش نیز بجرم آگاهی و سرپیچی از دستورات ضد خلقی این رژیم برای کشتار هم میهنان مبارز ما که برای احقاق حقوق خود بپا خاسته اند نیز از زندانهای جمهوری اسلامی بی نصیب نمانده اند . در حائیکه تیمساران و فرماندهان خائن که خیانتشان به خلق های مابوکسی پوشیده نیست ، هم اکنون نیز در راس امور ارتش فرار گرفته و به سرکوبی و خیا

نت خود به خلق های ما ادامه می دهند ، سربازان و درجه داران و افسران انقلابی و آگاه ارتش که در زمان رژیم مغفوری پهلوی با خلق ما همگام شده و با خائنین به مبارزه برخاستند هم اکنون به حکم آگاهی از توطئه های رژیم جمهوری اسلامی بر علیه خلق های ما و سرپیچی از سرکوب خلق کسود و شرکت در کشتار آنها دستگیر و به اقدام و یا حبس های طویل مدت محکوم میشوند . ۵۰ نفر از افسران مبارز اصفهان که در ماه گذشته دستگیر و به محاکمه کشیده شدند از جمله افسران آگاهی هستند که قربانی اهداف ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی گردیده اند و به جهت خود داری از کشتار هم میهنان خود در دادگاههای مخفی رژیم بدون آنکه در معرض تقاضای خلیقهای ما قرار گیرند محاکمه و یک تن از آنها بنام ستوان یار سوم منصور حاج قاسمی محکوم به اقدام و بقیه به حبس های مختلف و طولانی مدت محکوم گردیدند . سرزمین این فرزند انقلابی ما تنها سرپیچی از فرماندهان خائن خود برای کشتار خلقی بی گناه کردن است . ستوان یار سوم منصور حاج قاسمی و یارانش به این جهت دستگیر و محکوم می گردند که از توطئه های رژیم آگاهند و در جهت تبلیغات دروغین رژیم را نخورده و بخوبی می دانند که در کردستان جنگ بین خلق کرد و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی است و نه عناصر سالار خدای و پالیزیان و حزب بعث عراق که این رژیم توطئه گر برای تحمیل سربازان بکار می برد . این افسران به این جهت اقدام و دستگیر می شوند که از دستور کشتار خلق ما تمرد میکنند و عدم اجرای ماموریتشان نیز خود داری از مبارزان خلق کرد بوده است . آری جرم های متعدد از قبیل تحریک پرسنل و تمرد از انجام وظائف که از طرف جمهوری اسلامی در دادگاههای درسته به این فرزندان شجاع نسبت داده شده است یعنی آگاه نمودن افسران و سربازان از این ماموریت ضد خلقی و آگاهانیدن آنها به این اهداف ضد خلقی رژیم و تمرد از کشتار خلق های بیگناه کرد ، که هر روز دهکده ای و شهری را بمباران مینمایند . اینها تنها پرسنلی نبوده اند که تا اکنون اقدام و یا دستگیر گردیده اند ، بر طبق گزارشهای مختلف بوده اند افسران و سربازانی که با مشاهده توده خلق کرد و آگاهی از تبلیغات دروغ

غین رژیم به صف‌خلاق پیوسته و خشم رژیم را بر انگیزته اند و بارها مسئولین و مبلغین رژیم جمهوری اسلامی نیز بعنوان خیانت‌کاران از آنها صحبت نموده و مجازات‌های شدیدی را به آنها نوید می‌دهند .

زندانیهای رژیم جمهوری اسلامی پذیرای کارگران و دهقانان نیز می‌باشد و رژیم در مقابل خواسته‌های بحق آنان همچون رژیم معور گذشته‌افرا در مسلح خود و پاسداری انقلاب را بجای سربازان زمان شاه حائن برای حفاظت از منافع سرمایه داران و فقود آنها به کارخانه‌ها و روستاها فرستاده و آنها را دستگیر می‌کند . دستگیری سه تن از دهقانان مبارز پیشه کسلا بنامهای ناصر منصوری ، مختار علیزاده و حسین علیزاده و احمد رضا کریمی حصارای نماینده کارگران کارخانه " ساکا " و کارگران کارخانه پشم و پنبه تیریز از جمله اقدامات رژیم مدعی طرفدار حاکمیت مستضعفین است .

در زندانیهای رژیم جمهوری اسلامی هستند کسانی که در رژیم معور پهنوی نیز سالیان دراز در این سلولها گذرانده اند و هم اکنون نیز با توطئه‌های گوناگون به بند کشیده شده اند . محمد رضا سعادت‌تی که باقیام خلق‌های ما در سال ۵۷ از زندانیهای آریابهری زند گردید بیستی از یکسال است که مجدداً در زندانیهای جمهوری اسلامی بسر میبرد و با آنکسه پیش از یکسال از دستگیری وی میگردد از آنجا که مسئولین برای محاکمه وی مدتی در دست ندارند وی را بلا تکلیف در این سلولها نگاه داشته‌اند و بارها مسئولین امور اظهار داشته اند که هنوز پرونده وی تکمیل نیست که از او محاکمه به عمل آید . آنچه از این گفته‌ها بر می آید و مسخره است اینست که در نظام جمهوری اسلامی قبل از در دست داشتن مداری حرم ،

فرد مورد نظر را دستگیر میکنند و سپس در صدد تشکیل پرونده بر می‌آیند و ما از مسئولین رژیم می‌پرسیم ، آیا اینست آن جامعه پر از عدل و دادی که به مردم ما وعده می‌دادید ؟

محمد تقی شهرام مبارز دیگری است که یکسال است در اسارت رژیم جمهوری اسلامی است و رژیم در این مدت یکسال با کینه ورزی و عداوت نسبت به او و آرمانش در صدد است که از اختلافات درون گروهی و برخی رخ داد -

های انحرافی درون سازمانی وی بهره برداری نموده و به اینوسیله به تبعیضات پرچی بر علیه نیروهای مبارز و ادبی ، نیروهای چپ و سازمان مجا - هد بین خلق دست زده و انتقام خود را بگیرد .

در طی این یکسال چه با پرونده سازنیهای جعلی و بی اساس و چه با صحنه سازنیهای مختلف از جمله اجرای مراسم اعدام و چه با اهانت‌های مختلف و شرایط زیستی نامناسب سعی در شکستن روحیه او نموده اند ، و کوشش کرده اند که وی را به موضع‌گیری بر علیه نیروهای چپ و مجاهد بسین بکشانند اما تا کون موفق به انجام این مقاصد شوم خود نگردیده اند . این دست‌اندرکاران کوچک‌کانه و با کد ذهنی تمام در صددند که مقاومت او را در هم شکنند اما با فکر کوتاه خود درک نمی‌کنند مبارزی که چنین درونی را در سالهای سیاه دیکتاتوری شاه چنایت‌کار از سر گذرانده و یک بسک مراحل آن را با عشق و علاقه خود به خلق و خشم و کینش نسبت به ضد خلق با در هم شکستن روحیه دشمنان خلق‌های ما با موفقیت گذرانده است هرگز تسلیم شانتاژها و فشارهای آنها نخواهد گردید . ما در این شماره از نشریه خود ، و نامه از این روزنامه را که بدست ما رسیده است برای آگاهی از شرایط این مبارز در بند و توطئه‌های رژیم به چاپ می‌رسانیم و از کتبه پیرزهای انقلابی می‌خواهیم هر چه بیشتر در صدد افشای مقاصد شوم رژیم از دستگیری این روزنامه بر آمده و ماهیت پزیند آنها را روشن سازند ما از کتبه نیروهای انقلابی انتظار داریم هر یک اعتراض خود را نسبت به سیاستهای رژیم در مورد کتبه زندانیان دادگاههای درست ، محکومیت و هسای بدون ارائه مدرک ، اعدام‌های بدون دلیل و شکنجه‌های روانی و جسمی و اهانت‌هایی که به خانواده‌های زندانیان می‌شود و عدم قسرار ملاقات‌ها و شرایط بد زیستی فرزندان خلقی در زندانها بلند نموده و در آزادی از آنها بکشند .

" کمیته پشتیبانی از زندانیان انقلابی و مبارز "

متن نامه "محمد تنی شهرام" که چند روز بعد از دستگیری  
 در تاریخ ۱۶/۴/۵۸ خطاب به دانشوران کهن اسلام  
 اسلامی و قاضی اقصای همدانوی نوشته است.

جناب آقای مهدی همدانی دانشوران کهن کاهنای اندیشه  
 اسلامی

این نامه را از درون سلول آنقدر دیرین می نویسم که شهرزاد  
 تصور دقیق نامه را نمی تواند اما تصور میکنم در چند روزی در  
 زندان قصر قرار نداشته باشد. زیرا تمدن کهن بشر دستگیران ام  
 بر اثر کسی شمعیده ام و نه تمام زندان را به من تحفه انداخته  
 ارتباطی با جهان خارج از سلول ندارم. با نخره با کس کسی بر او  
 می شناسم که به نحو شنیعی همراه با توهین رفتار کرده باشند  
 داشتن هیچگونه حکمی مرا دستگیر نموده چشم انداز به تصور  
 نردن آنگی بستند. دستپایم را با خفتی هر چه تمام تر از بست  
 بستند رده و بوسیله آمبولانسهای ساواک که بخوبی به آنها آشنائی  
 دارم از این گوشه شهر به آن گوشه شهر حمل کردند و بالآخره بعد  
 از پایان برخی نمائشاتی که تنها می توانست نقضید نام میمون  
 در اعمان ما موران ساواک سابق باشند در اولین ساعات با مساف  
 روز سه شنبه ۵۸/۴/۱۶ به این محسن تحویل دادند.

امروز درست ۹ روز از تاریخ دستگیری من - عصر روز ۱۱ تهر  
 ماه - می گذرد بدون اینکه تا کنون کوچکترین سندی مبنی بر دلائل  
 بازداشت و یا حکم و قرار از طرف دادستانی و مقامات مسئول  
 قضایی به من ارائه داده باشند. بنا بر این نیز نامه را در اولین  
 وهله ای که توانستم بالآخره با اصرار فراوان از نگهبانانم کاغذ و  
 قلم دریافت نمایم در شرایطی که با زنجیرهای فلزین شکنجه گران  
 به ساواک پاهایم بسته شده و حتی امکان نخستین آزاد ریاری رفتن

در فضای تنگ و تاریک سلول کوچک نیز از من سلب شده است برایتان  
 می نویسم.

آقای دادستان! شاید شما نیک بدانید که قرار گرفتن در  
 یک چنین وضع و موقعیتی و تحمل حبس و آزار و توهین و حتی شکنجه  
 چیزی نیست که برای من و کسانی مانند من تازگی داشته باشد. ما  
 از همان دوران یمنفوان جوانی که مقارن با دوران جلال و جبروت  
 و قدرت و شوکت رژیم شاه خائن و در عین حال مقارن دوران اوج  
 گیری سبعیت و درنده خویی دستگامهای سرکوب کننده پلیسی ام  
 بود، وقتی قدم در راه مبارزه گذاریم بخوبی میدانستیم کمترین  
 چیزی که در این راه بر ما منتظر باشد داشته باشیم حبس  
 و شکنجه و مرگ است، عمل و زندگی سراسر مبارزه من که مشتمل  
 بر ۱۳ سال فعالیت مستمر سیاسی و انقلابی میشود بخوبی میتوانم  
 پاسخگو باشم که آیا بر پیمان و عهد خود برقرار بوده ام یا نه؟  
 آیا بر میثاق و عهدی که با خلق خود بسته بودم، میثاقی  
 و عهدی که مرا در راه مبارزه برای کسب آزادی و استقلال میهن  
 و نابود کردن رژیم های ظلم و استعمار در جامعه تابای جان  
 متعهد می ساخت صمیمانه وفادار بوده ام یا نه؟ احتیاجی بسته  
 پاسخ وجود ندارد، زیرا که انتظار وجود ندارد، زیرا که تاریخ  
 و توده ها مسلمان بهترین قضاوت کنندگان هستند بعد از قریب ۵ سال  
 طی دوره های مختلف فعالیت مخفی سیاسی و تشکیلاتی بالآخره همسراه  
 سایر رزمندگانسی که اینک بسیاری از آنان روی ورق نقاب خاک  
 کشیده و جان شیرین را مشتاقانه در راه آزادی خلق و رهایی  
 میهن فدا ساخته اند در همان اولین روزهای آغاز جنبش نویسن  
 انقلابی، یعنی سالهای ۵۰-۴۹ طعم تلخ شکنجه و زندان ساواک  
 را چشیدیم. با ایمان آماج ضربات استخوان سوز کابوس شد و  
 بدنهایمان از آتشی که عمال جنایت پیشه شاه آمریکا برافروخته  
 بودند سوخت.

وقتی در کنار انقلابی دیگری که هم اکنون بشما دست رسیده است - شهید حسین عزتی - فرصتی پیش آمد تا در همان اسارتگاه مصریه دیگری بر پیکر رژیم بزنیم علی‌رغم همه محاطرات عظیم و دهشتناک بارش لحظه‌ای تردید نکردیم. در واقع این ما بودیم که ترانسته بودیم با هشیاری و با ادا نامه روحیه رزمنده در زندان و حتی در تبعیدگاه چنین امکان و موقعیتی را فراهم بیاوریم بنابر این نمی‌بایست هم آن را از دست میدادیم. به این ترتیب توانستیم با کمک افسر شجاع و جوانمردی که طی طول اقامت ما در زندان راه ما و هدف ما را حق طلبانه دیده و پذیرفته بود و بوجی و جنایت بار بودن خدمت در دستگاها ی جهنمی شهریا نی را ترک نموده بود از زندان و تبعیدگاه ساری موفقتا نه و با جرای یک طرح هنرمندانه فرار اختیار کنیم. در حالیکه علاوه بر آن افسر شرافتمند یعنی ستوان احمدیان که نیرویی محدود آن روز انقلاب می - افزود حجم زیادی از سلاح و مهمات و وسایل مخابراتی دشمن را به غنیمت و بسود انقلاب همراه آورده بودیم، این عمل که بسرای صفوف خلق در آن روزهای سیاه نا امید و یأسرنا مید آفرین و شادی بخش و برای انقلابیون حامل بهترین و سودآورترین دستاوردها و موفقیت‌های سیاسی - مادی و معنوی بود، موجب تقویت صفوف تشکیلات و نیروی رزمی مبارزین شده بود و برای رژیم شاه مخصوصا دستگاه امنیتی و اطلاعاتی شهریا نی کوبیده شده، کابوس آفرین و وحشت‌زا بود.

بسیاری از افراد مسئول خلق رتبه و تنزل درجه داده شدند و رئیس شهریا نی وقت استان ما زندران و همینطور رئیس شهریا نی کنگ کسور بدنبال همینوا قعه از کار بر کنار و باز نشستند. هراس بزرگتر آنها صرفنظر از آثار و بی آمدهای وسیع این عمل، عبارت بود از امکان وجود یک سر پل نفوذ تشکیلاتی در میان نیروهای مسلح و همچنین امکان وجود عناصر انقلابی

دیگر در بین پرسنل ارتش و شهریا نی، به همین جهت با علیم ترین نیرو به تعقیب و جستجوی ما پرداختند تا شاید سر نخ ماحرا را بدست آورند. آنها تصور میکردند که حتماً تشکیلات مخفی انقلابی در میان پرسنل شهریا نی وجود دارد که با استفاده از آن این فرار صورت گرفته است. بهر صورت ترس و وحشت آنها حد اقل از جانب دیگر چندان هم بی پایه نبود زیرا هنوز مدت زیادی نگذشته بود که افسر شجاع دیگری و این بار از دل نیروی زمینی ارتش ( قسمت محابرات ) مشخصا تحت تاثیر همین واقعه که بطور وسیع و همه جانبه‌ای در کادر نیروهای مسلح منعکس شده بود به صورت انقلاب پیوست. نام او سرگرد علی - محبی بود که تا مدت‌ها شمن زندگی علنی و خدمت معمول در ارتش بفتح انقلاب فعالیت نمود و سپس مدتی بعد از آنکه به زندگی مخفی پیوست به شما دست رسید.

در بیرون و در زیر شدید ترین دیکتاتوریا ی تاریخ معاصر و حتی تاریخ سده‌های پیشین کهورمان سینه های ما همواره آماج رگبار مسلسل‌های آمریکایی عمان شده بود. هر روز عده‌ای از همزمان ما به جان و خون می‌عظمتند و آن عده که بسا فی می‌ماندند در حالیکه هم لحظه‌ای را بدون خنجر مرگ و منقبلا بدون آمادگی برای شهادت و جان باختن در راه خلق از سر نمی‌گذرانند، مصمانه تر پیچودن راه آنان را با تلافی و مقاومت بیشتر خود تضمین میکردند.

با این وضع ما نیز در چنین دوره سیاه و مرگباری ساکت ننشسته بودیم. وقتی ما با سینه عمیقاً تا انقلابی را علیه منافسع امپریالیسم آمریکایار حمله نمودیم، را علیه مستشاران نظامی و حاسوسان آمریکائی در دستور گذاریم احاد و توده خلق ما، حتی تادیر افتاده ترین شهرها و شهرکها و تمام جهانیان فهمیدند که نصایبان و حاسوسان آمریکائی و این گروگبار سنگین‌های در تنیده سر سبابه داری جها - نخوار غرب و آمریکا در اسرار سه چه کاری میکنند، و وقتی



اسناد و مدارك بدست آمده از آنان را برای افشاگری علیه رژیم شاه و امپریالیزم آمریکا منتشر ساختیم تنها رابطه نوکر و اربابی شاه و این مستشاران افشا نگردید، تنها افشاند که آمریکائیا بر سرزمین ما ارباب و همه کاره اند، رژیم شاه ارتش، پلیس، بوروکراسی و خود شاه نوکر نسبت به سینه آنهاست و ما ملت رنج دیده و ستمکش گاو شیرده آنها، همینطور تنها معلوم نشد که غارت و چپاولی که آنها از بیت المال این ملت فقیر و گرسنه تنها با بست حقوق ما هانه خود بعمل می آورند از بودجه مثلا آموزش و پرورش ۸ ملیون دانش آموز ایرانی بیشتر است و یا برای خرید يك تانك چيفتن انگلیسی ۲/۲ ملیون لیبره استرلینگ و برای خرید يك هواپیمای " اف - ۱۶ " با تجهیزات مخصوص بیش از ۲۰ ملیون دلار از خزانه این ملت پول حاصل از رنج و عرق این مردم باید پرداخت گردد، بلکه معلوم شد ایران بزرگ ترین پایگاه جاسوسی و سرکوب خلیقا و مبارزین منطقه شده است. پایگاهی که يك سره در تحت تسلط امپریالیستهای آمریکائی و جاسوسان و نظامیان آنها قرار دارد. مطبوعات آزاد جهان به تفصیل درباره وجود نقش سرکوب گرانه مستشاران نظامی آمریکائی در ایران به قلم فرسایی پرداختند و راز رقم ۳۰۰۰۰ مستشار نظامی، فنی و جاسوس آمریکائی در ایران که به شدت مراقبت و محافظت میشد با اخره از برده بیرون افتاد، بعد از دورشته عملیات جدید که منجر به اعدام انقلابی سه نظامی عالی رتبه آمریکائی و افشاء اسناد و مدارك همراهِ آنها گردید، اعدامی که البته به تبعیت از شعار " اسلحه آمریکائی علیه خود آمریکائی " درست توسط همان سلاحها و مهمات آمریکائی که از زندان ساری به غنیمت گرفته شده بود صورت گرفته بود، سه جاسوس سوید اما بی نهایت ارزشمند آمریکائی دیگر شناسائی شدند، آنها در کمال خفا و با رعایت بسیاری از مسائل امنیتی بيك کار بسیار سری و حیاتی جاسوسی یعنی نصب شبكه های استراق

سمع و کنترل مخبرات فاره ای در ایران اشتغال داشتند که تنها يك قسمت از برد آن تمامی اقیانوس هند تا سواحل آفریقا را دربر می گرفت.

بلافاصله بعد از اعدام انقلابی این سه جاسوس، رژیم شاه و همینطور مناسبت رسمی آمریکا در حالیکه به شدت نسبت باچه شده بودند اعلام کردند که آنها کارمندان ساده يك شرکت كوچك و معمولی آمریکایی در ایران هستند. اما انتشار اسناد و مدارك بدست آمده از آنان نشان داد که آنان کارمندان عالی رتبه و متخصصین منحصر بفرد موسسه عظیم و کارتل چند ملیتی راکوئل اینترنشنال هستند یعنی شرکت عظیم چند ملیتی که متخصص در ساختن کلاهکهای اتمی و شبكه های پیچیده استراق سمع الکترونیکی است. در نقشه های عظیم و مفصلی که از آنها بدست آمد نقاطی که باید دستگاههای مربوط به این شبكه در خاک ایران نصب شود، همراه با محاسبات فنی و بسیاری پیچیده مربوط به هر يك از آنها مشخص شده بود. در این موقع مطبوعات ایران جهان و خیر نگاران متعهد بسرعت شروع به تحقیق و بررسی نموده و طی مقالات و گزارشات متعدد و مفصلی ما هیست واقعی فعالیت های این شرکت و کارمندان را یعنی عملیات جاسوسی را در ایران بر ملا کردند. دولت امپریالیست آمریکا در موقعیت نامساعدی قرار گرفت. مدت کوتاهی بعد این طرح که بنام شبكه IBX (ایبکس) شناخته شده بود عملا بدلیل افشاء گریهائی که در سطح بین المللی بدنبال این عملیات صورت گرفت و همچنین بدلیل لو رفتن محاسبات و نقشه های اجرایی کنار گذاشته شده و معاهده آن با ایران لغو گردید. در همین دوران رفقای همزیم ما توانستند با چند رشته عملیات انفجاری ما میزان عظیم نفوذ و حاکمیت شرکتها و سرمایه داران آمریکایی و اسرائیلی را در اقتصاد ایران افشا ساخته و از این طریق زمینه برای توسعه افشاء گریهائی

باز هم بیشتر و جانانه‌تری را فراهم نمودند. این افشاگری‌ها وابستگی رژیم شاه و سرمایه‌داران حاکم ایران به این شرکتها و نقش دلالی و واسطگی که در مقابل این شرکتها و در مقابل سرمایه‌داری جهانی بعهده گرفته بودند به روشنترین وجهی برملا می‌ساخت و ضمن دادن آگای هیپای ضد امپریالیستی به مردم به آنان نشان میداد که شمره‌خون و عرق ورنج آنان‌ها به کجا و به جیب چه کسانی سرازیر میشود. در مجموع عملیات و اعلامیه‌ها و افشاگریها و تبلیغات ما و همچنین دیگر نیروی مسلح خلق علی‌رغم همه نقائص، اشتباهات و انتقادات، از نقطه نظر دمکراتیک، سهم بسیار عظیمی در اعزازی روحیه انقلابی جوانان، بخصوص دانشجویان گذارد. بطوریکه میتوان رابطه مبارزات دانشجویی و مبارزات انقلابی سازمانها و مسالغ این دوره را، رابطه کارگران و تنگاتنگ‌نا مید.

کار تبلیغی و تا حد کمتری ترویجی ما در میان طبقه کارگر در همان حد ابتدائی و بسیار مقدماتی آن، اگر چه باز هم توأم با کژیها و نادرستی‌های قابل اهمیتی از نقطه نظر تئوریک بود اما بهر صورت به پیشروترین و آگاه‌ترین عناصر این طبقه می‌فهماند که راه آنها برای از بین بردن ظلم و استعباری‌های اقتصادی و ریشه کن کردن استثمار و ستم طبقاتی با لاجبار از هدف سرنگون کردن رژیم دیکتاتوری شاه و قطع کردن دست امپریالیست‌ها و غارتگران خارجی میگذرد.

باری اینها جزئی و نمونه ای بود از دهها و دهها عمل و فعالیت انقلابی دیگر که زندگی من و دیگر همزمانم در طی این سالها سراسر وقف آن شده و به نحو غیر قابل انکدکائی با آنها عجین شده است.

بی‌جهت نبود که همزمان با اوج‌گیری اقدامات و عملیات انقلابی ما علیه رژیم شاه و امپریالیستهای امریکائی، خیال جاسوسان، مستشاران و متخصصان اطلاعاتی و جنگهای ضد انقلابی

از آمریکا و اسرائیل برای تعقیب و سرکوب انقلابیون ما به ایران اعزام شدند و همراه با ساواک شبکه وسیع و مدرنی از دستگانه‌های تعقیب و مراقبت و ردگیری را به دستگانه‌های سنتی سرکوب و شکنجه افزودند. در اینجا بدون آنکه قصد هیچگونه خوستانی وجود داشته باشد تنها بخاطر آنکه واقعیات انکار ناپذیری که تنها زمان اندکی از تاریخ آن میگذرد یکبار دیگر آنها را تنها برای آن دسته از قدرت‌یافتگان که امروز با غیر منصفانه‌ترین روشها با انقلابیون صدیق و از جان گذشته خلق رفتار میکنند یا داور می‌گردند محسوم انانته نمایم که گردانندگان امریکائی، اسرائیلی، ساواکی این دستگانه‌های عریض و طویل و بسیار مدرن و سازمان یافته تعقیب و مراقبت و ردگیری گردانندگان خونخوار ایمن دستگانه‌های عظیم و منظم شدند و سرکوب و قتل اگر در میسان انقلابیون چند ساله اخیر ایران تنها دو اسم را در رأس لیست منحوس و مرگباران برای هدف حمله قرار دادن نوشته بودند همه میدانند و نیز بر هیچ مبارز آگاه و رزمنده‌ای در طی این سالها پوشیده نیست که یکی از این دو اسم نام من بود.

این امر البته هیچگونه امتیاز ویژه‌ای برای کسی که خود را جز حاکم‌های ملت و جز خادم خدمتگزار ناچیز خلق و انقلاب نمیداند و معتقد است که تاکنون کاری جز انجام وظیفه و ایفای دین انجام نداده است بوجود نمی‌آورد بلکه تنها نشان میدهد که دشمنان غدار خلق ما یعنی رژیم شاه و امپریالیستهای امریکائی و دستگانه‌های سرکوب‌کننده و جاسوس آنها یکی از بزرگ‌ترین دشمنان زمان وجود من و همینطور دیگر یاران همزمانم در سازمانها و انقلابی می‌دیده‌اند.

باری چنین بود راه ما و عمل ما، در سالهایی که هیچ یک از لحاظ تن‌خالی از بزرگترین مصائب و رنجها و خالی از هرگونه انگیزترین شکنجه‌ها و برخوردها نبود. مصائب و رنجهایی که مرگ

سرخ شیرین ترین و سهل ترین و گوارا ترین آش بود.  
اما چنین سالهایی علیرغم همه کندی و سنگینی و صعوبت اش  
گشت زیرا دیگر بمرور ناله های مردم بر یاد شده و فریادها ایشان  
به سیل خروشان و مشت کوبنده تبدیل گشته بود. سیل خروشان رمنت  
کوبنده ای که بالاخره در روزهای تاریخی قیام بنیان فاسد دستگاه  
سلطنت را از جا برکنده و لاشه گندیده و منحوس رژیم دست نشانده شاه  
را برای همیشه دفن نمود.

اما آنچه که اینک پس از پیروزی يك مرحله از انقلاب در  
گوشه و کنار مشاهده میشود برآستی تعجب انگیز و اندیشه آور است.  
در بین قدرت یافتگان جدید بمرور گروهها و گرایشاتی ظاهر شده اند  
که روز بروز بیشتر لبه تیز قدرتشان را بجای سرسپردگان رژیم سابق  
و دست نشاندهگان امپریالیسم و ارتجاع و سرمایه داری جهانی به سمت  
آزادبخواهان و انقلابیون صدیق خلق نشان میگیرند. این چنین  
انحراف نابود کننده و ارتجاعی ای که از هدفهای انقلاب و مبارزه

چرا و به چه دلیل و از طرف چه کسانی آغاز شده است؟  
آیا هنوز هم کابوس حبس و شکنجه و آزار برای آزادیخواهان و  
انقلابیون خاتمه نیافته است. چرا باید کسانی که یکبار طعم  
تلبه شکنجه و زندان و ساواک را در رژیم شاه چشیده اند و درست  
در سلولهایی از همین قبیل روزها و ماهها و سالها در زیر اسارت  
رژیم دست نشانده شاه و سگان وحشی امر مرگ تدریجی خود را قهرمانانه  
پذیرا شده اند دوباره در همین سلولها با همان شیوه های دست  
گیری آزار دهنده و توهین آمیز گنجه به بند کشیده شوند؟

اکنون بنام انقلاب، بنام حکومت انقلابی و بنام دستگاه قضائی  
انقلاب چه کسانی و چه گروههایی وارد عمل شده اند؟ و این گروهها  
که در عین حال هیچگونه مسئولیتی را هم علناً قبول نمیکنند  
و هیچگاه هم مورد بازخواست قانونی قرار نمیگیرند روز بروز  
بیشتر چه کسانی را در معرض حبس و آزار و اتهام قرار میدهند؟

آیا ضد انقلابیون و غارتگران وابسته به امپریالیسم مورد  
تعرض آنان قرار میگیرند و یا بالعکس انقلابیون و آزادیخواهان؟  
بگذارید نمونه ای را از لحظه دستگیری ام برایتان نقل کنم:  
وقتی هنگام بستن خنوت بار چشمایم به یکی از افراد همین گروه  
ها شناختم که مشغول انجام وظیفه بنفایت "انقلابی" بود  
گفتم که درست دارید کارهای ساواک را میکنید. (چیزی بهمین  
مضمون) میدانید چه جوابی داد او با لحنی عصیان و تحقیر  
آمیر در حالیکه دهانش را نزدیک گوشم آورده و بر سرم داد میزند  
جواب داد "از ساواک هم بدتره، ما ساواک خمینی هستیم".  
و بعد وقتی چند قدم آنطرفتر همراه آنها راه رفتیم رفیق همکارش  
که دیگر او را نمیدانم خیلی خونسرد ادا می داد "ما بالاخره دولت  
بازرگان را هم ساقط میکنیم که دیگر خیالتان از این حرفها هم  
تخت شود!"

آقای داستان، اینها داستان یا خیالات نیست، چیزی هم نیست  
که من از پیش خودم گفته باشم، صدها و هزارها نفر از مردم ما  
هر روز این کلمات و این رفتارها و این قلدریها و شاخ و شاخه  
کشیدنها این سوءاستفاده از نام رهبر انقلاب، این لوث کردن  
اصلی ترین اهداف انقلاب را با ختم نظاره می کنند. با چشم  
می بینند و با گوش می شنوند و گاهی هم با پوست و گوشت خود  
لمس می کنند! شما نیز مسلماً اگر بخواهید برآستی می توانید از  
دور و بر خود نمونه های متعددی از این عزیز دردا نه های تازه از  
گرد راه رسیده "انقلاب" را مشاهده کنید و ببینید که آنها از  
انقلاب و منافع انقلاب چه استنباطات و چه تصوراتی را اراشه  
می کنند و برای آینده این سرزمین و این مردم چه نقشه ها و خیالاتی  
در سر دارند. با این توصیف بهیچوجه تعجب آور نیست که  
اسارتگانهائی که از نظر حقوق انسانی حتی نباید جای درخیمان  
ساواک و غارتگران منافع ملی و ضد انقلابیون باشد چرا و به چه

دلیل افرادی مثل من را دوباره در خود ببیند، آری دیگر جای هیچگونه تعجب و حیرتی نیست با این وصف من موظف آقای دانستن از شما بعنوان يك مقام مسئول، بالاترین مقام در دستگاه قضائی انقلاب سوال کنم چه کسانی جرئت می کنند و قدرت پیدا کرده اند که من و افرادی مانند من را که سوابقی روشن تر از آفتاب در جهت مبارزات خلق داشته اند در چنین اسارتگاههایی همچون بزرگترین ضد انقلابیون جای بدهند؟

آیا من هم ضد انقلابی هستم؟ کدام باز پرس، کدام بازجو، کدام دابستان و نادبیری حاضر است چنین اتهامی را در مورد من و افرادی مانند من عنوان کند بدون آنکه خود بخود و با قاعده بر صلاحیت قضائی، بر عدل و انصاف خود و همیت خود بر تمام معیارهای شناخته شده، انقلاب و ضد انقلاب خط به این نکشیده باشد؟ آقای دانستان صادقانه بگویم، من برآستی بر کار عبث و تاش مذبحخانه کسانی که این چنین با تعصب و نفرت در پی مخدوش کردن موز بین خلق و ضد خلق، مرز بین انقلاب و ضد انقلاب هستند می خندم. من از مرگ، از اتهام، از شکنجه و زندان هراسی ندارم و اینرا جدا قل تمام لحظات زندگی سیاسی ام ثابت کرده اند اما افراد و گروههای قدرتمند و در عین حال رسماً غیر مسئولی که امروز این چنین به انقلابیون و آزادیخواهان جان بر کف حمله کرده آنها را دستگیر کرده و به حبس و بند می کشانند آیا فکر نمی کنند بسیار سریع و خیلی سریعتر از آنچه که فکر می کنند اعتبار و حیثیت خود را در مقابل خلق از دست خواهند داد و بزودی آنها را ج خشم و نفرت آنها خواهند شد؟ آنها به چه جر می مرا دستگیر کرده اند؟ به جرم اینکه ۱۳ سال از عمر ۳۲ ساله خود را صرف مبارزه با بزرگترین دشمن خلقهای ایران و منطقه نموده ام؟ به جرم اینکه امپریالیستهای آمریکائی صهیونیستهای و دشمنان ساواک در ایران در زمانی نه چندان دور که از خاطرها محو شده باشد بزرگترین ضربات را از ما رزمندگان راه

آزادی و استقلال دریافت کرده اند؟ و یا بجرم اینکه بزرگترین صدف و آماج حملات کینه توزانه و مرگبارشکن قرار گس گرفته بودیم؟ آخر چسرا؟

آیا پراستی درد آور نیست، درد آور برای همه ما و از جمله برای دولت جمهوری اسلامی که در حالیکه هنوز آثار شکنجه اعمال ساواک از بدن انقلابیون محو نشده، دوباره در سلولهای آریامپری همان دستبندها و غل و زنجیرهای قدیمی و منتسبی این بار در سایه دولت جمهوری اسلامی، دست و پای آنان را مجدداً با زخمهای تازه تری پر نمایند؟

من باز هم سوال می کنم و همراه تمام آزادیخواهان نسبی نگران سرنوشت انقلاب هستند همراه تمام انقلابیون و مردم آگاه و مبارزی که در چهره انقلاب لکه های تیره رو به گسترش را مشاهده می کنم، صدای اعتراض خود را بلند می کنم که چرا هنوز چنین اعمالی صورت می گیرد؟ چه کسانی به دستگیری و آزار و جرم انقلابیون و آزادیخواهان دست می زنند؟ چرا در مدت کوتاهی که از پیروزی انقلاب می گذرد دوباره زندانهای آریامپری با یسد زندانیان سیاسی و آزادیخواهان عناصر انقلابی و مبارز را پذیرا کردند؟ کسانی که عمری را در مبارزه علیه رژیم دست نشانده گذشته بسر آورده اند، آیا موقع آن نرسیده است آقای دانستان که بدو قانج، به این قبیل گروههای فشار و غیر مشهور - اما در عین حال صاحب قدرت گوشزد کنید که زندگی را که - باند کردن، اند بر روی پای خودشان خواهد افتاد؟

آنها باید هیابا عیند که هر ساعت و هر روزی که من و کسانی امثال من در حبس و بند قرار داشته باشیم، هر کلمه، توهین آمیز و رفتار شهنشونباری که بر انقلابیون و آزادیخواهان روا داشته شود، هر قطره خونی که ارتش يك انقلابی و یک

آزادخواه بر زمین ریخته شود تندر و طوفان وسیلی را برخواهد  
انگیخت که بسیار زودتر از آنچه که برایمان قابل تصور باشد  
طومار وجود حاکمیتشان را در خواهد نوردید .

آقای دناستان رژیم شاه نیز در روز اول با حبس و شکنجه  
و قتل صد نفر آزادخواه شروع نکرد ، کار از کم و بسیار کم شروع  
- ع شد و به آنجا رسید که دیدیم و دیدید . آری « از خسرد  
است که کلان بر میخیزد » کافی است که بخاطر بیاوریم که رژیم  
شاه بطور عملی در حدود ۱۲ سال و بطور رسمی و قانونی قریب ۱۶  
سال فاقد سازمان اطلاعاتی و امنیتی ، یعنی دستگاه منظم و اختصا-  
صی سرکوب و شکنجه و حبس آزادخواهان بود ، اما دیدیم که از

همان لحظه ای که اولین مشت بر دهان يك آزادخواه کوبیده شد  
تا زمانی که رگبار آتش و سرب سینه صدها و صدها نفر از جوانان  
وطن و آزادخواهان صديق را تکه پاره می کرد تنها چند سالی  
بیشتر طول نکشید !! رژیم شاه نیز در ابتدا تخته شاق نداشت  
آزادخواهان را با منقل برقی نمی سوزاند و جوخه های اعدامی  
در طول ۱۲ سال بعد از شکست دیکتاتوری رضا ، هائی ساکت و صامت  
بودند ، اما فاجعه از سیلی اول و متقابلا سکوت و سازش و تسلیم  
بقیه آگاهان و مسئولان آغاز شد . آنگاه يك سیلی به دو سیلی  
افزایش یافت ، يك ضربه به دو ضربه ، يك زندانی به دو زندانی  
و يك اعدامی به دو اعدامی و ... و چنین شد که همه ایران را  
به زندان و شکنجه گاه و قتلگاه انقلابیون و آزادخواهان  
تبدیل کردند . اما سناریوی این نمایش دردناک و خونین تاریخی  
در همین جا پایان نگرفت ، باز هم همه دیدیم و دیدند که آن  
کس که باد کاشت چگونه طوفان درو کرد . همه دیدیم و همه  
دیدند که تخت پر جلال و جبروت سلطنت و قدرت و شوکت مرتجعین  
و عمال امبریا لیس و صهیونیس چگونه واژگون گردید . پس

آیا در این جا برای صاحبان خرد و بصیرت درس های عبرت انگیزی  
وجود ندارد .

آقای دناستان !

دستگیری همراه با توهین و آزار من در ۵ روز پیش و سپس به  
بند کشیده شدنم در سلول انفرادی که اساسا می بایست بهندان  
پیروزی انقلاب خراب و نابود میشد و یا بعنوان سندی از جنایات  
رژیم سابق بعنوان موزه و نمایشگاه مورد بازدید ملت قرار می-  
گرفت که عاملین مستقیم آن آگاه باشند و چه نباشند از توطئه  
ای سر چشمه می گیرند که نتیجه اصلی و نهائی آن ایجاد بدترین نوع  
تفرقه و دامن زدن به اختلافات فرعی درون خلق و براه انداختن  
جنگ صلیبی بین گروه های مختلف مردم است . این قبیل توطئه ها -

معمولا نسبت عناصر نا آگاه و گروه های جاهل و متعصبی اجسرا  
میشود که منافع و منافع بسیار محدودشان توان پیشرفت در يك  
شرایط دمکراتیک را نداشته و لاجرم به سادگی میتوانند بسا  
برجسته کردن اختلافات فرعی و موضوعاتی که تنها در کادر روابط  
درون خلق قابل بحث است چهره دشمن اصلی را پوشانده و ناخود آگاه  
در خدمت زخم خوردگان رژیم سابق و منافع امبریا لیتی قرار  
گیرند . ما تا کنون خانه های متعددی از این زنجیر توطئه را در  
جریان در آریه های خونبار و تحمیلی های مختلف کشور در جریان  
حمله به اجتماعات و تظاهرات دمکراتیک هائش زدن کتا بفروشها  
همچنین دستگیری و جبرتنی چند از انقلابیون و آزادخواهان در چند  
ماه اخیر مشاهده کرده ایم و شاهد بوده ایم که این دستگیریها  
تنها وقتی با مقاومت و سیخ توده ای مواجه گشته و اجبارا پایان  
حساب و کتاب و قانون به میان آمده ، آنگاه اولین بر رسیه های  
بی طرفانه از طرف مسئولین آگاه و متعهد انقلابی منجر به -  
آزادی دستگیر شدگان گردیده است .

برای درك این معنا که اقدام اخیر چگونه به این زنجیر توطئه

مربوط میگردد لازم نیست بجای دوری برویم ، لازم نیست به پرونده های گذشته رجوع کنیم ببینیم دشمنان انقلاب چه نوشته ها ئی برای رویاروی قرار دادن نیروهای انقلاب داشته اند . همچنین لازم نیست ببینیم معمولا چه کسانی در نواحی بیانات حملات دشمن و در صدر لیست گرگهای ساواک و یاران آمریکائی آنها قرار داشته اند . خیر ، کافی است تنها نگاه به نامه کذائی آن شکنجه گرسوای ساواک - تهرانی - افکنده شود طرحها و پدیده های مشعشع او که درست در جهت منحرف ساختن مسیر و هدف انقلاب است در نظر گرفته شود تا معلوم گردد دستگیری من و اقداماتی در این ردیف دارای چه معنای توطئه آمیزی بوده و به چه اهداف ضد انقلابی ای خدمت میکند .

آقایها ! این وظیفه شماست که اجازه ندهید این قبیل توطئه ها مسیر اصلی انقلاب را از سمت واقعی اش که همانا سمت ضد امپریالیستی ، ضد دیکتاتوری و ضد سرمایه داری وابسته است منحرف نماید .

انقلاب ما هم اکنون بیش از هر موقع دیگر به وحدت و اتفاق نیر و ها و خلق احتیاج دارد تا بتواند حول یک آگاهی بشیرو و انقلابی کمر دشمنی را که تازه اندکی خم شده اما هنوز خرد و نابود نشده است کاملا در هم بشکند . بیروزی يك مرحله از انقلاب به هیچ وجه نیاز به این اتحاد و اتفاق را کم نکرده بلکه بر عکس درست بخاطر آنکه ما با مرحله پیچیده ای از سازندگی و در عین حال مبارزه برای ریشه کن کردن بقایای ارتجاع و قطع کامل نفوذ امپریالیسم روبرویم ضرورت این اتحاد به صد چندان رسیده است . اگر مبارزه در مرحله ای که دشمن از صورت مرئی گذشته اش خارج شده و بصورتی نامرئی و حتی در لباس دوست و همراه ظاهر میشود بسیار حساستر و خطیر تر از مراحل گذشته است آنگاه این نیز کاملا بجا خواهد ماند که تشخیص صحیح هدف و تمیز واقع

بینانه دوستان واقعی از دشمنان اصلی در هر لحظه و در هر دوره و در هر عمل مشخص از اهمیت باز هم بیشتری برخوردار میگردند . امروزه بقایای مرتجعین ، مالکین بزرگ و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم همه چیزشان را بر سر این سودا به گروگذارده اند که بین نیروهای مختلف خلق شکاف انداخته و با اغواگری و با طرح شعارهای تهییجی اما فریبکارانه آنان را در مقابل هم قرار دهند . آنان بر بالایی بندیشسته اند و میخواهند نظاره گر نبرد ببرها باشند . برای آنها فرق نمیکند که کدامیک از دو طرف زخم بیشتر یا کمتری بردارد ، مهم اینست که در مجموع نیروهای متحد انقلاب پراکنده و ضعیف شده و در يك فرصت مناسب بتوان ضربه کاری را بهر دوی آنان وارد کرد . ایجاد يك چنین وقایعی که دستگیری و توهین و آزار انقلابیون صدیق به بهانه های پوچ و بیمعنی و غیر منصفانه از آن جمله است همچنین پیش کشیدن اختلافات مذهبی و تصفیه حسابهای فردی و گروهی و مخصوصا تحمیل يك دیدگاه منحصر بفرد از مسائل سیاسی و ایدئولوژی بر جامعه و بالاخره اتحاد مارطلبی در تمام شئون اساسی جامعه و انقلاب از جمله قدمهایی است که درست در خدمت تحقق هدف ارتجاعی فسق یعنی تفرقه نیروها قرار داشته و ادامه آن هیچ نتیجه ای جز فاجعه برای سرنوشت آتی انقلاب در بر نخواهد داشت .

کسانی که در يك صحیح و نیرومندی از هدفهای اصلی انقلاب و از دشمنان و دوستان واقعی آن دارند هرگز تسلیم این تعصبات نموده و از فشار گروههای تفرقه افکن و انحصار طلبی که بجای دیدن منافع اساسی و دراز مدت انقلاب منافع محدود گروهی و لحظه ای خود را می بینند و در نتیجه ناخود آگاه به ضد انقلاب خدمت میکنند ، نه بپراسد .

آقایها ! دوستان !

در پایان سخن ضمن درخواست صدور دستور فوری

آزادی ام به مقامات اسارتگاهی که در آن بسر میبرم نسبت به این بازداشت غیر قانونی و ضد انقلابی اعلان جرم نموده و تقاضای رسیدگی فوری به این قبیل خلافکاران و مجازات قانونی مسببین آنرا دارم .

با تقدیم احترام  
محمد تقی شهرام

شنبه ۱۶ تیرماه ۵۸

- ♦ متن نامه ای دیگر از مبارز در بند محمد تقی شهرام که پس از حدود هفت ماه تحمل سلول انفرادی برای یکی از هم زنجیرانش نوشته است .

رفیق عزیزم :  
از ابراز لطف و محبت گرمت در این زمستان سرد و در این سلول سرد تر روحم گرمتر و قلبم امیدوارتر شد . همانطور که می دانی نیمه شب ۱۰ بهمن بعد از پایان هفت ماه اسارت در زندانهای مخفی و یا در زندانهای خصوصی خانه های مخفی به سیاه چالهای اوپن منتقل گردید و الان نیز میبینی که در انفرادی های قدیم هستم ، انفرادی هایی که یاد روزهای سیاه شهریور ۵۰ را برابم زنده می کند . در آن روزها من در سلول ۷ که همین ۱۴ کنوی باشد زندانی بودم ، رضا رضائی در سلول ۸ که فعلاً ۱۵ نام دارد و جایگاه جدید من شده است زندانی بود . این سلول به

دلیل خصوصیت ویژه اش که نزدیک توالست است مرکز مخابرات بچه ها بود . کاظم شفیعیها در سلول ۹ ( ۱۳ جدید ) و سعید محسن در سلول ۱۰ ( ۱۱ جدید ) بود .

باری از گذشته ها بگذریم در این مدت باز هم همانطور که

می دانی انواع فشارهای روانی ، تهدید به مرگ و تشکیل مراسم اعدام و ... را علاوه بر بدترین شرایط زیستی در سلولهای انفرادی ( همانطور که شاهد هستی الان هشتمین ماه است که در یک

چین شرایطی بسر می برم ) بدون هیچ گونه ملاقات یا ارتباط با خارج و یا حتی یک ساعت هواخوری در سلولهای که تشخیص روز از شب در آن ممکن نبوده است گذرانده ام . با این وصف با آنکه وضع

بدنیم از نظر بیماریهای مختلفی که بدان مبتلا شده ام - از درد شدید معده و پا درد و خونریزی لثه گرفته تا ریزش مو و ناراحتی پوستی و درد کلیه ها - اما از نظر روحی همچنان قوی و مطمئن

بخود هستم . زیرا فکر می کنم کسی که در تمام طول ۱۳ سال زندگی پر مخاطره و مملو از رنج و شکنجه و خون حتی کوچکترین لکه سیاه سازش و تسلیم با دشمن نداشته و از تمام گورانهای حاد زندان و شکنجه و دوران مخفی بودن سر بلند و با افتخار بیرون آمده و لحظه ای از بهترین ایام زندگی اش

کسیکه

را جز در روزه مبارزه بخاطر سرنگونی رژیم شاه و کسب آزادی و استقلال وطن و رهائی زحمتکشانش و طبقه کارگر از قید سلطه سرمایه داری صرف نکرده است چگونه می تواند امروز از اعتماد بنفس و روحیه ای قوی

طبرغم همه فشارها، برخوردار نباشد مسلماً مبارزه ملت ما بسرای  
 آزادی و استقلال و مبارزه طبقه کارگر برای رهائی خود از قیود  
 سلطه سرمایه داری یا سرنگونی رژیم شاه پایان نیاخته و وارد دور  
 جدیدتری که بمراتب پیچیده تر شده است، دوره ای که آگاهی طبقاتی  
 توده های زحمتکش و در رأس آنها طبقه کارگر و تشکل آنها در  
 سازمانهای صنفی و سیاسی انقلابی مخصوص بخود هدف عمده هر  
 مبارز راستین راه آزادی واقعی و دموکراسی توده ای و سوسیالیسم  
 را تشکیل خواهد داد. این هدف، یعنی آگاهی طبقاتی کارگران  
 و تشکل آنها و رهبری آنها توسط یک حزب انقلابی که حقیقتاً بس  
 ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم مسلح بوده و از هرگونه شائبه روبرو-  
 نیستی سازشکارانه و متقابلاً هرگونه گرایش خرده بورژوازی منزله باشد  
 همان سلاح واقعی و وسیله اصلی و هدف مشخص مرحله کنونی مبارزه  
 را برای زحمتکشان و روشنفکران انقلابی تشکیل می دهد.

در مقابل یک چنین کوشش تاریخ ساز و برآستی دگرگون کنند  
 است که مسلماً بورژوازی، خرده بورژوازی و ارتجاع و نمایندگان و  
 ایادی آنها در قدرت حاکم ساکت ننشسته و به انواع بهانه ها و  
 وسائل به مهار کردن حرکت انقلاب و سرکوب مبارزین راستین راه  
 رهائی زحمتکشان می پردازند. زندانها و ابزار و وسائل اختناق،  
 سرکوب و ... را دوباره برای انقلابیون برپا می سازند که ارتش،  
 پلیس و دواثر امنیتی را با همین هدف حفظ کرده و بدین ترتیب با ر  
 دیگر در تاریخ ثابت می کنند که زحمتکشان و کارگران و روشنفکران

انقلابی وابسته به آنها در یک رژیم بورژوازی هر چند که به آزاد بخوا  
 می نظاره میکنند، هیچگونه آزادی واقعی ندارند.

موضوع دستگیری و شکنجه روانی و آزار جسمانی طویل المدتی که  
 در طی ۸ ماه اسارت در سلولهای انفرادی با آن شرایط غیر انسانی  
 و ... بر من اعمال شده است، از این کشاکش و از این مبارزه مجزا  
 نیست. آنها یک موضوع درون تشکیلاتی مربوط به تغییر و تحولات  
 ایدئولوژیک سازمان مجاهدین در سالهای ۵۲ - ۵۴ را بهانه کرده  
 و می خواهند ضمن سرکوب عناصر انقلابی مخالف خود در جناح چپ  
 و دستگیری و حتی شاید عدم و نابودی آنها، البته با این فکر کودکانه  
 که بدین ترتیب سازمانها و گروههای انقلابی چپ واقع در خط ۳ را  
 از این طریق متلاشی نموده و با ضربه کاری بر آنها وارد می سازند،  
 همانطور که در سخنرانی هاشم که برای برخی اعضای سپاه شده  
 مشخصاً عنوان شده است که علاوه بر فلانی - یعنی من - چند نفر  
 دیگر هستند که اگر آنها را دستگیر کنیم گروههای خط ۳ مثل پیکار  
 و ... از هم می پاشد (بوسیله تبلیغات زهر آگین و دروغ و سیل  
 تهمت ها و شایعات مسخره و بی اساس و تشکیل و سرهم بندی کردن  
 یک دادگاه در بسته یا نیمه در بسته به حیثیت مخالفین خودشان  
 در جناح اپوزیسیون اعم از مجاهدین خلق یا نیروهای کمونیست لطمه  
 بزنند) واضح است که خواسته های آنان تاکنون با شد مقاومت من  
 روبرو شده است. حتی در آخرین روزهایی که در زندان مخفی قبل



از آمدن به اوین بودم ( فکر می‌کنم این زندان در یکی از یادگانهای  
 لوپزان بود ) برای چند مین بار و این بار یک عده خبرنگار و فیلم  
 بردار و ۰۰۰ آوردند برای مصاحبه و البته آنها خودشان مدعی  
 بودند که بیست روز است دارند دوندگی می‌کنند و ۵۰ تا مقام را  
 دیده اند و کلی حرف شنیده اند تا بالاخره اجازه ملاقات گرفته اند  
 و اینکه مثلاً قصد دارند بنوع فشارهای وارد بر من را در سطح  
 جامعه منعکس کنند و ۰۰۰ که البته من بهیچوجه زیر بار نرفتم  
 و گفتم من در حالیکه تحت فشار هستم ، دستم از همه جا کوتاه است  
 بهیچوجه تن به مصاحبه نمی‌دهم هر چند که شما بنا بفول خودتان  
 تمام اعتراضات من را هم درج کنید . من عدم اعتماد کامل خودم را به  
 آنها ابراز کردم و خلاصه بعد از ۳ ساعت چانه زدن و التماس و قسم  
 و آیه خوردن که ما مربوط به دستگاه بیستیم ، آنها را دست خالی  
 روانه کردم و البته این برایم تقریباً مسلم است که غیرتم اینکسه آنها  
 خودشان را خبرنگار روزنامه های صبح بامداد و صبح آزادگان و ۰۰۰  
 معرفی می‌کردند ولی بهر حال این چیزی جز یک توطئه ارتجاع نبود  
 که بمجرد اینکه من شروع به صحبت می‌کردم و مصاحبه را قبول می  
 کردم هر چند که تماماً آنچه را که خودم می‌خواستم عنوان می‌کردم  
 و از این جهت هیچگونه اجباری در کار نبود و جرئت اینکسه کلمه ای  
 را هم دیکته نکنند نداشتند ولی مسلم می‌دانستم که بالاخره با  
 تحریف و مجزا نمودن جملات و کلمات و تغییر سوالات و موثرات مطلب  
 آنها استفاده خودشان را می‌برند . بهر حال به آنها گفتم که من

بهیچوجه به شما نمی‌توانم اعتماد بکنم ، چه اگر شما سخنان مرا  
 تحریف کردید از کجا و چگونه بتوانم این موضوع را اعلام کنم .  
 در اینجا در طی مدت ۸ ماه حتی یک بار اجازه نداده اند  
 مادرم مرا ببیند آنگاه بشما چگونه اجازه داده اند که در این  
 زندان مخفی در یک یادگان نظامی محصور بین چند یادگان دیگر  
 به ملاقات من بیائید و خلاصه خیلی حرفهای دیگر ۰۰۰  
 باری در این مدت فشارها و حتی تهدیدات آشکار و ناجوانمردانه  
 بسیاری را شاهد بوده ام که از شرح آنها می‌گذرم ، فقط قابل ذکر  
 است که بازجوی اصلی و اولی من س. الف یعنی همان کسی بود که  
 در واقعه دستگیری پسر آقای طالقانی دست داشت و البته غم نیز ریش  
 سر پیرونده بود ( باز هم مانند همان قضیه پسر آقای طالقانی ) که  
 اسم هر دو و ایدها را در آن موقع روزنامه ها اعلام کردند . در این  
 مدت دوبار با آقای هادوی و یک بار با آقای قدوسی ملاقات کردم ،  
 البته از زمان آمدن آقای قدوسی س. الف که نقش مهمی در فشار  
 های وارد بر من داشت کنار رفت .  
 بهر حال هدف آن دسته از نیروهائی که در پشت سر این واقعه  
 هستند بصورت ذیل خلاصه می‌شود :  
 الف : دستیابی به اطلاعات درون تشکیلاتی سازمانهای انقلابی  
 اپوزیسیون ، اعم از مذهبی و مارکسیست تا از این طریق امکان ضربه  
 و سرکوب و دستگیری عناصر فعال آنها را پیدا نمایند .  
 ب : نطمه سیاسی و تبلیغاتی زدن به نیروهای انقلابی

اپوزیسیون بازم ام از مذهبی و چپ \*

جالب توجه اینجاست که این فشارها همیشه در آستانه انتخابات و فراند و مها افزایش چشمگیری می یابد ، مثلاً در آستانه انتخابات مجلس خبرگان يك مرتبه همه كوشش آنها برای اینکه پرونده مرا بنحودلخواهی بدادگاه کشانیده و دادگاه را به تریبونوس علیه مجاهدین خلق و نیروهای چپ کنند بکار رفت که البته علیرغم همه كوششها و فشارها و تهدیدات و اصرار و ابرام آنها و حتی وعده و وعید آنها و ... با مقاومت من روبرو شد \* همینطور یکبار دیگر زمان حاد شدن مسئله کردستان قصد داشتند همین کار را بکنند و حتی درست در همان روزهای آخر مرداد که آن نطق معروف آقا ایراد شده بود آنها بلافاصله از طرف دادسرای انقلاب درباره آن آگهی به روزنامه ها دادند که اینکه دادگاه فلانی در شرف تشکیل است و اگر کسی اطلاع یا شکایتی دارد بیايد که آنهام باز بدلیل اینکه واقعاً چیزی وجود نداشت مدارك موجود بخاطر اینکه مبین مبارزه آشتنی ناپذیر من با رژیم شاه بود نمی توانست مورد استفاده آنها قرار گیرد ( آنها سعی می کنند حتی الامکان این سوابق را نادیده گرفته و حتی شاید از بین ببرند \* زیرا هر آدم چشم و گوش داری می داند که کسیکه ۱۳ سال سابقه مبارزه انقلابی و مسلحانه علیه رژیم شاه داشته ، در سال ۵۰ دستگیر شده ، در دادگاه صلاحیت دادگاه را رد کرده و به اشد مجازات ۱۰ سال محکوم شده و سپس با يك طرح بقسول خودشان اعجاب انگیز همراه يك افسر شهربانی و ۲۰ قبضه سلاح

و مقادیر زیادی فشنگ و بیسیم شهربانی موفق بفرار شده و در ۵ سال زندگی مخفی بیشترین ضربات انقلابی را بدشمن وارد ساخته مسلماً نمی تواند دارای يك انبار بزرگ از سابقه و مدارك و پرونده در ساواک نباشد با این وصف آنها بهیچوجه مایل به طرح و ارائه ایسین مدارك نیستند و علیرغم دعوتهای مکرری که از دادستان در ایسین زهیده کرده ام پاسخی نداده است \* باری ، در دوره انتخابات رئیس جمهور مخصوصاً بعد از انتخاب بنی صدر و در آستانه انتخابات مجلس شورا دوباره آنها كوششهای خودشان را برای این موضوع شروع کردند که واقعه مصاحبه مطبوعاتی زندان گذشته آزمون ناکام دیگری برای آنها بود \* ضمناً همین جا برایت بگویم که در همان روزهای اول ورود زندان لوپزان بعد از اینکه یکدوره در يك خانه مخفی زندان بودم ، فردی را که ابتدا خودش را بازجوی دادسرای انقلاب و سپس عنصر سپاه معرفی کرد با من آشنا کردند ، یعنی در محیط بند زندان او را دیدم ، بعد از مدتی فهمیدم و در واقع خودم ایشان بمن فهماندند که فلانی هم بازداشت است و عنت باز داشت اینستکه پرونده هائی را او گرفته بعداً گم شده \* بعداً خود این آدم اینطور می گفت که پرونده ها مربوط به آدمهای مسخول در شورای انقلاب مثل بهشتی و ... بوده و چون حاوی مطالب رسوا کننده ای بوده کسی آنها را برداشته و چون من از نظر فکری با این ها اختلافاتی دارم فکر می کنند من این کار را کرده ام \* خلاصه طرف

چهره خیلی مترقی می گرفت و اینطور نشان می داد که این کار واقعاً  
 خود او کرده و . . . با تمام مقامات بالای سپاه و دادستان و . . .  
 هم آشنا بود . در حالیکه من در سلول بودم ( در آنجا غیر از روزهای  
 اول کبچه های آیندگان هم بودند که تا آخر من و یک نفر دیگر  
 — دکتر — زندانی بودیم ) این آدم در خارج از بند انفرادی اطاقسی  
 مستقل داشت و دم و دستگاهی مخصوص بخودش در کنار زندانیها .  
 حتی یکبار دختری را که بعداً معلوم شد همین او آخر صبحه کرده  
 — علاوه بر زن اولی اش — برایش بزندان در پادگان آورده بودند . بهر  
 حال من مرور شاهد اولاً تناقضاتی در کار و حرفها و مخصوصاً رفتار  
 در زندان بودم ، ثانیاً از نظر اخلاقی ضعفهای بسیار شدید و  
 وحشتناکی از او بروز می کرد که حتی از یک آدم غیر سیاسی معمولی هم  
 بعید بود . بالاخره پس از مدتها صحنه پردازی ایشان البته با  
 همکاری مقامات زندان ، معلوم شد که ایشان بهمان شکل قدیمی اش  
 در رژیم سابق یعنی جاسوسی انقلابیون و مجاهدین مشغول است .  
 او همان خائن و خود فروش معروف احمد رضا کریمی بود که علاوه بر  
 لودادن حدود ۲۰۰ نفر از مبارزین ، در تلویزیون مصاحبه تلویزیونی  
 کرد و به انقلابیون فحش داد و بعد در خود کمیته مشترک نیز از  
 انقلابیون بازجوئی می کرد و آنها را شلاق می زد . حالا بعد از  
 دستگیری اش عناصر جدید نیز شروع به استفاده از اطلاعات و تجربیات<sup>ت</sup>  
 او کرده و حتی پرونده هائی را از مبارزین به او می دهند که او آنها  
 را کامل کرده و خلاصه پرونده تهیه کند یا در بازجوئی مبارزین

و عناصر اپوزیسیون از او استفاده می کنند ، مثلاً بنا به اعتراف خود او ،  
 او یکی از بازجویان اعضاء هیئت تحریریه آیندگان بوده است .  
 در این مدت نیز ایشان وظیفه کسب اطلاعات از من از طریق جلب  
 اعتماد من و دادن گزارش روزمره از حرفها و حرکات و . . . من به  
 مقامات بوده است . خلاصه یک چنین آدم کثیف و خود فروشی را  
 مجدداً اینجا بکار گرفته اند البته بعد که قضیه برای من روشن  
 شد و به پاسداری او اعتراض کردم آنها ضمن سعی در ماستمالی  
 کردن قضیه می گفتند که وضع خودش خیلی خراب است و ضمناً باز هم  
 مطابق گفته های خودش عده ای از اعضای سپاه قصد داشته اند او  
 را بعنوان بازجو و آدم شناس و وارد به اوضاع کردستان به کردستان  
 ببرند که عده ای دیگر مخالفت می کنند . بهر حال این شرح  
 مختصری بود از برخی قضایا .  
 البته این نکته را هم بگویم که من در تمام طول این دوران  
 در بازجوئی ها صلاحیت داد سرای انقلاب برای تحقیق در باره این  
 موضوع را رد کرده ام ، زیرا مطابق آئین نامه های انقلاب آنها حق  
 رسیدگی به شکایات و اعتراضاتی که مربوط به موضوعی شبیه به کار ما  
 و تشکیلات ما و اعضاء ما باشد را ندارند و این حد اکثر در صورت وجود  
 شکایت در صلاحیت دادگستری و یک دادگاه علی سیاسی با حضور  
 هیات منصفه است .

بهر حال واضح است که روشنگری توده ای حول این قضیه و  
 تبلیغ و رساندن حقایق به مردم تاثير مهمی در کشف حقیقت مخصوصاً

### ◆ چند خبر از زندان

◆ آقای خلخالی هم دروغ گو است .

پس از اعدام جنایتکارانه چهارتن از رهبران خلق ترکمن توماج و ... توسط باند های سیاه وابسته به سپاه پاسداران و دادستانی انقلاب آقای خلخالی برای اینکه خود را از حریان جنایتکارانه اعدام توماج و ... کما رکند اظهار داشته بود که من در سفر به ترکمن صحرا هیچکس را محاکمه نکرده ام .

حکومت ه ساله ابراهیم آق آتابای دانشجو ، از خلق ترکمن سندی بر دروغ گوئی آقای خلخالی است . ابراهیم آق آتابای توسط خود آقای خلخالی طرف یکی در دقیقه محاکمه میشود و به ه سال زندان محکوم و به زندان اوین سیرده میشود .

◆ طبق اطلاعاتاصله در تاریخ ۹ خرداد ماه ، زندانیان سیاسی بندهای محرد اوین بنا بر خبری که در روزنامه کیهان مبنی بر شهادت مبارزین ، صدیق کمانگر و مستوره احمدزاده درج شده بود به احترام آنان و در اعتراض به کشتار خلق کرد یکروز دست به اعتصاب غذای جمعی می زنند .

◆ پخش اعلامیه و ۸ ماه زندان !

محمد یزدانیان مبارز با سابقه که در جریان پخش اعلامیه بیست کارگران کارخانجات کفش ملی دستگیر شده بود پس از قریب ۸ ماه حبس آزاد شد .

در مقابل سیل اکاذیب و اتهامات دروغی است که مرتجعین و متعصبین در جامعه شایع کرده اند \* در این مورد هر فرد مسئول و متعهدی خودش و گروهش باید احساس مسئولیت نموده و تا آنجا که در حیاطه قدرت اوست حقیقت را تبلیغ نموده و آزادی فوری من از دستگاه داد - سسرای انقلاب و طرح قضیه در یک مجمع نموده ای سیاسی که تنها محل صلاحیت دار برای روشن شدن حقیقت است را خواستار شود .

.....  
.....

خوب فعلاً در همین جا قضیه را ختم کرده و برایت در راه مبارزه بخاطر دموکراسی نموده ای ، بخاطر استقرار سوسیالیسم و حکومت رجببران و زحمتگشان آرزوی موفقیت دارم .

قریانت تقی شهرام



مجلس خبرگان محاکمه زندانیان سیاسی را تنها در دادگاه‌های علنی دادگستری و با حضور هیأت منصفه مجاز شمرده است، با توجه به اینکه محاکمه زندانیان سیاسی در کادر وظائف و اختیارات دادگاههای انقلاب نبوده و آئین نامه دادگاه‌های مزبور بر این مطلب گواه است و با توجه . . . . .

آیا شما تشکیل دادگاه، هرگونه دادگاهی را، قبل از اینکه حقوق سلب شده شمرام دادگردد و مراحل قانونی طی گردد، قانونی و مشروع میدانید؟! آیا کسانی که تشکیل چنین دادگاهی را برسمیت بنشانند و در راه آن بکوشند طبق قوانین اساسی و اصول دیگر جمهوری اسلامی مجرم و قابل تعقیب نیستند؟ و آیا اساساً شرکت در چنین دادگاهی که مخالف نصوص قانون اساسی و مقررات دادگاه انقلاب است از نظر شما مجاز می باشد؟ و چنین عملی نمیتواند بمعنای تسلیم به بسی قانونی و اعمال زور و استبداد راهی تلقی گردد. و قابل تعقیب اعلام شود.

❖ در مروری که این بار بر نشریات و اعلامیه های گروههای سیاسی و انقلابی و اخبار و مسائل زندانیان که در این نشریات درج گردیده اند داریم، ما تمهید خلاصه‌ای از آنها سعی خواهیم نمود شما را بیشتر در جریان مسائل زندان و زندانیان قرار دهیم.

❖ زندان و ضرب و شتم بخاطر عقیده و فعالیت صنفی

کارگران سارز تبریز در تاریخ ۲۳ / ۱ / ۵۹ طی اعلامیه‌ای خراز توطئه جدید رژیم بر علیه کارگران در کارخانه پنم و پتوی تبریز و دستگیری عمده‌ای از کارگران توسط پاسداران سرمایه می دهند. بر طبق این خبر پس از آنکه پاسداران و آب‌الله خدجانی در کارخانه موفق به دستگیری نمایندگان شورای کارگران نمی گردند، اقدام به دستگیری کارگران در خارج از کارخانه می نمایند که کارگران پس از اطلاع از این امر ه نفر را به زندان نزد موسوی فرستاد تا آنها را آزاد سازند. اما نماینده موسوی اظهار می دارد که آنها کمونیست بوده و محکوم به اعدام هستند. کارگران مقاومت کرده خواستار آزادی و بازگشت بدون قید و شرط نمایندگانشان می گردند، اما مسئولین رژیم حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ پاسدار به کارخانه فرستاده و اقدام به تیراندازی و ضرب و شتم کارگران می نمایند. در این ماجرا عده بسیاری از کارگران زن بر اثر ضربات قنداق تفنگ بیپوش و به بیمارستان منتقل میگرددند. آری، ضرب و شتم کارگران و تیراندازی آنها و سپردن آنها به جوخه های اعدام به آنها داشتن عقیده‌ای مخالف عقاید حاکم شرع و فعالیت صنفی کارگری، ایستاد آورد جمهوری اسلامی برای کارگران.

❖ نمونه‌ای دیگر از دادستانی دادستان انقلاب!

بر طبق اعلامیه سازمان پیکار سه تن از دهقانان پیشه کلا بنامهای ناصر منصوری، محتار علیزاده و حسین علیزاده پس از شکایات و راهپیمائیه‌ها و تحصن دهقانان بدنبال شهادت دهقان سارز اسکندر رضائی توسط ایادی فاطمه پهلوی، از طرف عمال رژیم حاکم به عنوان محرکین این جنر بیانات

دستگیر میگردند. در پی این اقدام دهقانان خشمگین در روز ۲۳ فروردین در مقابل استانداری ساری متحصن می شوند اما "پازوکی" دادستان انقلاب با دادن سه روز مهلت برای شکستن تحصن، آنها را تهدید به بستن به گوله می کند که با حمله دهقانان مواجه شده و فرار را برقرار ترجیح می دهد.

❖ جوانان مبارز بندر بوشهر به جرم دفاع از حقوق صیادان و ماهیگیران زحمتکش بزندان افتادند.

بدنبال هجوم پاسداران به صیادان در کنار اسکله بندر بوشهر در تاریخ ۱۷/۳/۵۹ و تیراندازی بسمت آنان که منجر به جراحت و خیم یکی از صیادان شد، جماعتاران، این طلایه داران سیاه پاسداران به همراه خود سیاه جوانان شهر را که در اعتراض به سرکوب صیادان تظاهرات برپا انداختند، مورد هجوم قرار داده و ۲۰ تن آنان را دستگیر و روانه زندان نمودند.

❖ دستگیری انقلابیون بدون مجوز قانونی در پوشش

مبارز با مواد مخدر

ترکمن صحرا مجدداً در پی توطئه جدیدی تحت عنوان حسنجوی مواد مخدر مورد پیروش و حمله پاسداران قرار گرفته و رژیم به دستگیری های وسیعی از نیروها و عناصر آگاه و توده های ترکمن و فارس پرداخته است. بر طبق اعلامیه ای با امضاء "تایماز" در تاریخ ۳۰/۳، پاسداران رژیم به بهانه کشف مواد مخدر به خانه تعداد زیادی از ترکمن های مبارز هجوم برده و ۱۵ نفر از دانشجویان پیشگام و هواداران مجاهدین خلق را دستگیر می کند. در بازجویی از ساکها و وسایل دیگر افراد به بهانه مواد مخدر افراد بسیاری از بازندگان کتب و اعلامیه های سیاسی دستگیر می گردند. اینهم یکی دیگر از شگرد های کثیف مرتجعین علیه

نیروهای مبارز و انقلابی است. در گذشته خبرهای داشتیم مبنی بر قرار دادن اسلحه و اعلامیه در خانه های مبارزین به هنگام بازرسی و اکتون انتظار شیوه های کثیف تر و توطئه های ننگین تر از این مرتجعین می رود. امروز تحت پوشش جستجوی مواد مخدر به منازل مبارزین مرفی و انقلابی هجوم میبرند، فردا برای اینکه ماهیت سیاسی اتهام و دستگیری، بازجویی و محاکمه انقلابیون را بیوشانند، با پرونده سازی هایی نظیر حمل و نگهداری مواد مخدر، آنان را بزند آنها کشانده و در مقابل جوخه آتش قرار خواهند داد، همانگونه که با کثیف ترین اتهامات دود و خترویک پسر رزمنده خلق کرد را در تاریخ ۲۵/۳ به جوخه اقدام سپردند.

❖ اعدام وزندان بجهت سرپیچی از کشتار خلسق

چندی پیش روزنامه های رژیم جمهوری اسلامی خبر از دستگیری ۱۵ نفر از پرسنل ارتش اصفهان و اعدام یک تن از آنان بجرم تحریک و اغتشاش و تمرد از دستور فرماندهان خود دادند. بر طبق اعلامیه ای که از طرف سازمان بیکار - حوزه اصفهان - منتشر گردیده است، ماجرا بدین قرار می باشد که در تاریخ ۱۶ اردیبهشت گروهی از خلبانان هوانیروز اصفهان در بریفینگ ( محلی که قبل از پرواز کبیه خلبانان در آن جمع می شوند تا علت پرواز بر آنها روشن شود ) این پایگاه بمنظور شنیدن سخنرانی گرد می آیند.

سرهنگ دوم هوشنگ امین سرخی در سخنرانی خود از پرسنل هوا - نیروز می خواهد که برای سرکوبی عوامل خارجی عازم کردستان گردند. اما خلبانان انقلابی و مبارز با آگاهی از این توطئه رژیم بطور یکپارچه مقاومت کرده و اعلام می دارند بهیچوجه حاضر به سفر به کردستان نیستند، زیرا در کردستان زن و کودک و مردم ستمدیده گرد هستند که بوسیله راکت و خمپاره سرکوب می شوند نه عوامل خارجی. سرهنگ امین سرخی اظهار می دارد که از وی هیچگونه کاری ساخته نیست و اختیاری ندارد که بتواند

تصمیم بگیرد . سپس پرسنل انقلابی خواستار صحبت با یکی از اعضا شورای انقلاب و روشن شدن واقعی هدف از این مسافرت خود می شوند .

اما همانگونه که شنیدیم و شاهدیم در خواست آنها با دستگیری و اعدام مواجه می شود . ۱۵ تن از این پرسنل انقلابی بحرم آگاهی و تمرکز از دستور سرکوب هم میهنان خود در دادگاههای درسته از نو آریا - مبری محاکمه ، یک نفر آنها بنام ستوان یار سوم منصور حاج قاسمی - اعدام و بقیه به حبس های مختلف و طولانی مدت محکوم می گردند .

می بینیم که زندان های جمهوری اسلامی چگونه روز به روز سارزین انقلابی را از اقتدار و گروه های مختلف مردم در خود می بلعد ، صیادان رحمتکش ، پرسنل انقلابی ارتش ، زحمتکشان کرد و آزادیخواهان و انقلابیون مذهبی و کمونیست ، طبعه های این زندانها هستند ، و طبعه همه نیروهای آزاد سحوا و انقلابی است که علیه این اقدامات سرکوبگرانه ، علیه حبس و زجر مبارزین انقلابی و آزادیخواهان و برای دفاع از کلبه زندانیان مبارز و انقلابی در بند و مبارزات خود را گسترش دهند .

### ♦♦ آدم ربائی و گروگان گیری توسط دادستانی انقلاب اسلامی

روزنامه مجاهد شماره ۹۱ نامه ای از طرف روزنامه " ندای آزادی " درج کرده است ، در این نامه ضمن افشای بدون دلیل توقیف این روزنامه که حاکی از خود سرپیچایی قانونیها و حکومت های منوک الطوائفی در رژیم جمهوری اسلامی است ، شیوه های بغایت ضد انسانی و ضد اسلامی اسلام مورد ادعای مسئولین را به نمایش می گذارد .

درحالیکه برای دستگیری هر متهم باید دلائل کافی موجود باشد رژیم جمهوری اسلامی فرد بیگناهی را بازداشت می کند تا فرد دیگری خود را تسلیم زندان نماید . این شیوه با کدام قانون انسانی و اسلامی مورد ادعای مسئولین قابل انطباق است ؟ جوابش با خود مسئولین خواهد بود . جریان امر از این قرار بوده است که در پی توقیف بدون مجوز روزنامه ندای آزادی از طرف دادستانی کب انقلاب که با اجازه وزارت ارشاد ملی

انتشار یافته است . یکی از همکاران تهیه کننده این روزنامه از تاریخ ۴ / ۳ / ۵۹ دستگیر گردید که ۵ م اکنون نیز در بازداشت بسر میبرد . برطبق اظهارات آقای قدوسی علت توقیف روزنامه اهانت به مقام رهبری بوده است . این روزنامه مردم را به مضامین ظلمیده و چنین بیان میکند :

" در کشوری که نمرضریح قانون مطبوعات مسئولیت گفتار هر صاحبش شونده ای را با شخص وی می دانند و نه ویژه در حالی که آقای نهانی شخصا طی تلگرافی علاوه بر رد اتهام فری مسئولیت مواضع اعلام شده را به عهده می گیرد ، و در شرایطی که اتهام منتسبه به دادستانی انقلاب کوچکتر بیسن پایگاه و منای حقوقی و قانونی ندارد ، چگونه بخشی از دستگاه قضائی کشور را به جرم نا کرده از حقوق رسمی مان محروم می سازد ، مضافا به این که وزارت ارشاد ملی به عنوان صادر قانونی رسیدگی به مسائل مطبوعات و مطبوعات اظهار نظر رسمی خویش امتیاز روزنامه ی ندای آزادی را معتبر دانسته و معتقد است که این نشریه کماکان می تواند به فعالیت قانونی خویش ادامه دهد . ما این سؤال را نیز در برابر وجدان بیدار و آگاه شما مردم قرار می دهیم که دستگیری یک فرد بی گناه و اعلام این که بازداشت نا زمان دستگیری مدیر مسئول روزنامه ادامه خواهد داشت آیا مفهوم غیر از گروگان گیری و آن هم گروگان گرفتن یک شخص بی گناه دارد ؟ "

و ما هم از مسئولین رژیم جمهوری اسلامی معنی عدل و عدالت می پرسیم کدام قانون و کدام مجوز شما اجازه گروگانگیری فرد بیگناهی را داده است . آیا دستگیری بدون هرگونه مجوز قانونی و بدون رعایت مراحل قانونی جز آدم ربائی آشکار نام دیگری دارد ؟

♦♦ نمونه ای دیگر از بیدادگری " دادگاههای انقلاب اسلامی "

در برخورد به مبارزین انقلابی و آزادیخواه

دختری که بانام درین " کشته شدن چند نفر از طرف اجنشی ها " دستگیر شده است پس از رفتارهای ضد انسانی و سراسر موهن که با وی شده



است. همساز شده‌های روحی و جسمی که بروی رفته است موفق می‌شود  
نامه ای از پزشک قانونی برای تاءبید ابرام ضرب و جرح دریافت کند و بر  
این مبنی شکایتی تسلیم دادگاه‌های انقلاب اسلامی می‌کند، اما بینیم  
چگونه دادگاه، دادوی را می‌ستانند، از زبان خودش بشنوید:

"... در پایان، دادگاه نیز عرض اینکه به اتهاماتی که من بر علیه  
دستگیر کنندگانم عنوان کرده بودم، رسیدگی کند اصراری را که بطور غیر  
قانونی مرا دستگیر و مورد بی‌شرمانه ترین آزارها و توهین‌ها قرار داده  
بودند، به محازات برسانند، خودم را قسم کرده و بر اساس شکایت بی پایه ای  
که از جانب سپاه علیه من عنوان شده بود و طی آن مرا به خاطر کفین واقعیاتی  
که بر من گذشته بود، قسم به "توهین به نهادهای انقلابی" می‌کرد،  
مرا تحت تعقیب قرار دادند! لذا در تاریخ ۱۱/۳/۵۹ مرا به دادسرای  
انقلاب احضار و به حرم دادخواهی از ظلمی که بر من رفته بود، مرا محکوم  
ساختند و از شغل معلمی یعنی خدمت در فرهنگ محروم کردند!"

به نقل از مجاهد شماره ۶۱

### ❖ بیانیه استادان و دانشگاهیان برای آزادی

#### زندانیان و قایم دانشگاه‌ها

کانونهای دانشگاهی و جمعی از استادان دانشگاهها، طی بیانیه‌ای  
ضمن محکوم نمودن بورش بدانشگاهها به عنوان بورش به آرمانهای سیاسی آزادی  
زندانیان و قایم دانشگاهها را خواستار شده اند.  
بیانیه حاکی از اینست که "برای توجیه بازداشت طولانی دستگیر  
شدگان به پرونده سازی و وارد نمودن اتهامات واهی" دست زده شده  
است. ما ضمن حمایت از خواستهای بیانیه مبنی بر "آزادی فوری و بسلا  
شرط" دستگیرشدگان توجه همه نیروهای آزاد بخواه و مترقی و انقلابی

را به شیوه کثیف، ارتجاعی و جنایتکارانه، ابرام تهمت و افترا، اتهام تراشی  
و پرونده سازی که در دادستانی انقلابی و ضابطین این دادستانی نسبت  
به مبارزین ضد امر بالست و ضد ارتجاع رواج دارد، جلب نمود" و ار همه  
نیروهای مری و انقلابی میخواهیم عهد دستگیری مبارزین انقلابی و تری-  
خواه و علیه شیوه‌های کثیف قوی دست به اعتراض و افتراگری بزنند. در زیر  
قسمتهائی از بیانیه را ملاحظه می‌کنید.

"سردیک به دو ماه از یورش وحشیانه به دانشگاهها که بشمره ضرب  
و شتم، تشهات، دستگیری و بازداشت توأم با اهانت و خشونت عمده  
زیادی اردانشجویان، استادان، کارگران، دهقانان، دانش آموزان،  
معلمان و کارمندان و... گردید، میگردد."

.....

آنکس در کشاکش سررهای صاحب قدرت، درحالیکه ابتدائی ترین  
حقوق دستگیرشدگان را بیخ کنده و جنوی حاش آنان در معرض خطر قرار  
گرفته است، بدستی از این سرورهدا حاضر تجمیع قدرت و به حق حلوه دادن  
شیوه‌های عمده خود برای توجیه بازداشت طولانی دستگیرشدگان، بسسه  
پرونده سازی و وارد نمودن اتهامات واهی دست زده است.

.....

و این درحالی صورت پذیرد که رئیس جمهور به نام پاسداری از قانون اساسی  
ظرف مدت کوتاهی بگی، "حوامین" را سر را که به اتهام ارتباط با سیا دستگیر  
شده است آزاد نکند و بی مدرین باید ماهها در زندان بسربرد،  
بدون آنکه حتی از مورد اتهام خود، اطلاع داشته باشند.  
ما برای چندمین بار، ضمن اعتراض شدید به بازداشت طولانی همکاران  
خود و سایر دستگیرشدگان، به دانشگاهها، خواستار آزادی فوری  
و بلا شرط آنها می‌باشیم.

— کانون مستقل استادان دانشگاه ملی ایران — کانون مستقل دانشگاهیان  
دانشگاه صنعتی شریف — کانون مستقل دانشگاه آزاد ایران  
— کانون مستقل استادان دانشگاه علم و صنعت ایران — جمعی از



## مدارک و اسناد مربوط به "تقی شهباز" موجود در آرشیو ساواکت و منتشر کنید

یکسال از زندان مجرد تقی شهباز می‌گذرد. این مبارز بی‌گنود و فطول این مدینه تنها بدترین فشارهای روحی و جسمی را تحمل شده است، بلکه مورد بدترین تشنگی‌ها، زشت‌ترین اذیت‌ها و آسازها قرار گرفته است. بلندگوهای طلئی و مخفی حزب فاشیست‌گرای جمهوری اسلامی همه و هرگونه افشای را نسبت به این فرزند خلق اشاعه داد و اند، در حالیکه نه تنها شهباز امکان نداشته است کلمه‌ای از خود دفاع کند بلکه ماهها و ماهها ممنوع‌المرافقات بوده است و امروز سرگرد بر طبق اظهارات مقامات مربوطه دادستانی و دادگاههای انقلاب در آستانه سرهم بندی اتهامات مفصل و مغرضانه و سراسرنویسها دادگاهها قرار گرفته‌اند همچنان از حق دفاع از خود در مقابل تمام شایعات و اتهامات کثیف و مغرضانه محروم است. آثار عادات نادرستی از مسئولین دادگاههای انقلاب مصرانه می‌خواهیم:

- ۱ - اجازه دهند تقی شهباز به تمام اتهامات و شایعات در دستگاه شایسته داد و همد و بدستویسها قرار حقوق حقه خود دفاع نماید. این از حقوق مسلم هر شهروطنی است. بنابراین عسکرم رعایت آن در مورد کسیکه تمام زندگی‌اش را در مبارزه ای انقلابی برای رهایی و سربواری و وطنی استکبار گذرانده است، اعمال ستم بوی و سلب مضاعف حقوق وی می‌باشد.
- ۲ - پیرونده تقی شهباز که همگی بدون کم و کاست در آرشوهای ساواک، موجود و اکنون در اختیار مقامات دادستانی و سپاه پاسداران می‌باشد، منتشر گردد.

این خواست نه تنها حق این فرزند رزمنده خلق است بلکه از حقوق ملت ایران است که بتواند از واقعیت شخصیت و جریان زندگی انقلابی فردی که مورد بدترین کینه نوریهای ارتجاع قرار گرفته آگاه گردد. ما ارهه نیروهای مبارز ضد امپریالیست ارتجاع سازمانهای دموکراتیک محرابهم با حمایت از جواستمهای موق از این رزمنده انقلابی دفاع نموده و بیش از این اجازه ندهند ارتجاع در آوردن چهره انقلابیون آزادانه و قاطع و بشری نشان داده و ذهن توده های مردم را نسبت به آنچه که در گذشته در جنبش انقلابی روی داده است مسموم و منحرف نمایند.

کمیته پشتیبانی از زندانیان انقلابی و مبارزان

۵۹/۴/۲

دست‌های عاملان ارتجاع را از جان فرزند این خلق کوتاه کنید!

مهره‌های خود فروخته و زخم خورده رژیم جنایت‌کار سلووی که هم اکنون در اسارتگاههای جناس منگی، چون ارتش، زندان‌های و ... قرار دارند، همواره با عناصر انحصار طلب و فاشیست رژیم جمهوری اسلامی سا در مناسی هر چه نامشروع در بربر لوی مبارزه با "صد انقلاب" به جان پیروان فرزند این خلق افزوده اند، روزی نسبت که ما شاهد اعدام تنی چند از فرزندان راستین جنبه‌های آرس، کرد، ترکمن و ... زیر تبلیغات عوام فریبانه "مبارزه با ضد انقلاب" باشیم، در حالی که نیروهای ضد انقلاب واقعی با دسی ساز امروز در حیطه جمهوری اسلامی به اعمال ضد انقلابی ترین کارها مشغول هستند.

روایه جمهوری اسلامی، ارگان حزب فاشیست کرا و مزجع جمهوری اسلامی در تاریخ یکشنبه ۲۵ خود را خیر اعدام سه تن از مبارزین کرد، انقلابیونی که برای دفاع از حقوق زحمتکشان کرد و برای استقرار دموکراسی در ایران مبارزه مبارزه را تحت عنوان "سه مفسد و مفسد اعدام شدند" منتشر نمود. عناصر و ... در جرم اطلاعیه‌های دادرسی ارتش شاهنشاهی و تبلیغات گزافه‌های آن‌ها از ...

آن روز انقلابیون رزمنده راه زحمتکشان را با سهام اتمام غنچه استکبار کشور بجهت اتمام دسی سرودند، امروز سینهای همان انقلابیون با تمام مقدسین علیه جمهوری اسلامی هدف گویا و سلاحهای امریکایی "اسلامی" شده، باسار این مردوران رژیم فرار میکنند. اعدام جنایتکارانه سه رزمنده قهرمان کرد با اتهامات واهی "کندیس" سه نفر با وسائل مختلف پزشکی (۱) و یک نفر با تزریق آمول (۱۱) (۱۱)

و همچنین حیف و میل در بیت‌المان مسلمین را ( ) عکس برگردان جنایات رژیم شاه خائن می‌باشد .

اتهامات فوق کاریکاتوری از لجن پراکنی‌ها و افتراءات رژیم شاه خائسن و ساواک علیه انقلابیون است ، این اتهامات بهیچ وجه نخواهد توانست چهره خونین این رژیم‌گان راه زحمتکشان و آرمان‌والای آنها را خدشه دار نماید این اتهامات و افتراءات نشانه وحشت و هراس نظام حاکم و هیأت حاکمه ضد انقلابی از گسترش آرمان‌های والای این انقلابیون است به این جهت است که تنها به اعدام فیزیکی آنها بسنده نکرده و میکوشد حیثیت و شخصیت و آرمان انقلابی آنان را لکه دار نماید . و این خیانت خرافاتی است که رژیم جمهوری اسلامی در حق انقلابیون اعمان مینه‌آید .

مردم ما می‌پرسند اگر ضد انقلاب و ارتجاع حاکم از این " سه مفلسد و مفسده " نمی‌ترسد اگر چنین اتهاماتی که حکمیرین پایه‌ای ندارد ، چه سرا آنان را در دادگاههای سرپسته ، محاکمه نمود ، چرا اجازه ندادند آنان وکیل مدافع برای خود انتخاب نمایند ، چرا اجازه ندادند در محکمه‌های علنی و با حضور هیأت منصفه آن سه شهید خائن شان بدینند که چسبه کسی مفسد و مفسده است ، آنان با سردمداران جمهوری اسلامی و . . . ؟

### مردم مبارز ایران !

مفسد و مفسده ، عامل کشتار مردم ، و حیف و میل کننده در بیت -

المان ، ارتجاع و ضد انقلاب حاکم است ، نه فرزند آن انقلابی شما .

فریاد اعتراض خود را علیه کشتار فرزند آن خلق ، علیه دادگاه‌های

درسته انقلابیون و آزادیخواهان ، علیه بازجوئیها ، پرونده سازیها ، جعل

سند و اتهام تراشی بر علیه انقلابیون ، علیه سلب کلیه حقوق دموکراتیک

این رژیم‌گان ، علیه هتک حیثیت مبارزین انقلابی در بند و شهادت یافتگان

و توطئه‌های مسئولین جمهوری اسلام را اهناء نمائید .



"... البته دیگر خوب میدانند که من علی‌رغم همه تهدیدات  
و همه وعده و وعیدها هرگز پشیمان را از روی حق و حقیقت  
و منافع اصولی مردم فراتر نخواهیم گذاشت و قدمی که  
کوچکترین اثری در تضعیف موقعیت نیروهای انقلابی  
داشته باشد بر نخواهیم داشت، حتی به بهای اینکه از حق  
طبیعی خودم در دفاع در مقابل اتهامات و افتراءات  
واقعی ناچارانمردانه آنها بگذرم..."